

چاپ سیزدهم

اصول کاف واژه های اخلاقی از

۶۰۰ حدیث اخلاق
در ۱۲۷ موضوع

ویرایش دوم

بامقدمه آیه الله علی مشکینی

ابراهیم پیشوایی ملایری

واژه‌های اخلاقی از اصول کافی

۶۰۰ حدیث اخلاقی در ۱۲۷ موضوع

ویرایش دوم

ابراهیم پیشوایی ملایری
با مقدمه آیه‌الله علی مشکینی



واژه‌های اخلاقی از اصول کافی

۶۰۰ حدیث اخلاقی در ۱۲۷ موضوع

• نویسنده: ابراهیم پیشوایی ملایری • با مقدمه: آیه‌الله علی مشکینی

• ناشر: مؤسسه بوستان کتاب

(مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)

• چاپ و صحافی: چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب

• نوبت چاپ: دوازدهم • شمارگان: ۱۰۰۰ • بهای: ۳۵۰۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است

printed in the Islamic Republic of Iran

♦ دفتر مرکزی: قم، خ شهدا (صفائییه)، ص پ ۹۱۷ / ۳۷۱۸۵، تلفن: ۷-۳۷۷۴۲۱۵۵-۳۷۷۴۲۱۵۴، تلفن پخش: ۳۷۷۴۳۴۲۶

♦ فروشگاه مرکزی: قم، چهارراه شهدا (عرضه ۱۲۰۰۰ عنوان کتاب با همکاری ۱۷۰ ناشر)

♦ فروشگاه شماره ۲: تهران، خیابان انقلاب، بین وصال و فلسطین، جنب بانک انصار، تلفن: ۸۸۹۵۶۹۲۲

♦ فروشگاه شماره ۳: مشهد، چهارراه خسروی، مجتمع یاس، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی، تلفن: ۲۲۳۳۶۷۲

♦ فروشگاه شماره ۴: اصفهان، چهار راه کرمانی، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه اصفهان، تلفن: ۲۲۲۰۳۷۰

♦ فروشگاه شماره ۵ (رنجین کمان، فروشگاه کودک و نوجوان): قم، چهارراه شهدا، نبش خیابان ارم، تلفن: ۳۷۷۴۳۱۷۹

♦ فروشگاه شماره ۶: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۳۷، تلفن: ۳۷۸۴۲۵۹۰-۹۲

اطلاع از تازه‌های بشر از طریق پیام کوتاه (SMS)، با ارسال شماره همراه خود به ۲۱۵۵-۱۰۰۰ یا ارسال درخواست به:

پست الکترونیک مؤسسه: E-mail: info@bustaneketab.com

جدیدترین آثار مؤسسه و آشنایی بیشتر با آن در وب سایت: <http://www.bustaneketab.com>

با قدردانی از همکاریانی که در تولید این اثر نقش داشته‌اند:

• اعضای شورای بررسی آثار • دبیر شورای کتاب: جواد آهنگر • ویراستار: ابوالفضل طریقه‌دار • چکیده عربی: سهیله خانقی • چکیده انگلیسی: عبدالمجید مطوریان • فیبا: مصطفی محفوظی • مسئول واحد حروف‌نگاری: احمد مؤتمنی • کارشناس نمونه‌خوانی: محمدجواد مصطفوی • کارشناس طراحی و گرافیک: مسعود نجابتی • طراح جلد: محمود هدایی • اداره آماده‌سازی: حمید رضا تیموری • اداره چاپخانه: مجید مهدوی و سایر همکاران لیتوگرافی، چاپ و صحافی • مدیر تولید: عبدالهادی اشرفی.

رئیس مؤسسه
محمدباقر انصاری

فهرست مطالب

مقدمه	۱۵
-------	----

آ

آداب مجلس	۲۱
آزار مسلمین	۲۲
آزردن پدر و مادر	۲۳
اجتناب از محرمات	۲۴
احترام به سالخوردهگان	۲۵
احترام به مؤمن	۲۶
احسان به خویشان و نزدیکان	۲۷
استدراج و مکر الهی	۲۸
استغفار	۲۹
اسلام	۳۰
اصرار بر گناه	۳۱

۳۲	اصلاح روابط مسلمین
۳۲	اطعام مؤمنان
۳۳	اعتراف به تقصیر
۳۳	اعتراف به گناه
۳۴	انصاف دادن
۳۵	ایمان

ب

۳۷	بخشیده شدن گناه
۳۸	بدخوبی
۳۸	بد زبانی
۳۹	برادران ایمانی
۴۱	بوسیدن
۴۲	بهتان
۴۲	بیم و امید

پ

۴۴	پشیمانی از گناه
۴۵	پنهان داشتن راز

ت

۴۷	تعجیل در خیر
----	--------------

۴۸	تعصب
۴۹	تفکر کردن
۵۰	تقوا
۵۱	تقیه
۵۳	تکبر و برتری جویی
۵۴	تواضع و فروتنی
۵۵	توبه
۵۶	توحید
۵۷	توکل
۵۸	تهمت زدن و گمان بد بردن به برادر دینی

ح

۵۹	حسد
۶۰	حسن ظن
۶۱	حق مؤمن بر برادرش و ادای آن
۶۲	حق همسایگی
۶۳	حلم و خویشن داری
۶۳	حیا

خ

۶۵	خاموشی و حفظ زبان
۶۶	خودبینی و عجب

- خوش خلقی ۶۷
- خوش رفتاری با پدر و مادر ۶۸
- خیر خواهی برای مؤمنان ۷۱

د

- دروغ گفتن ۷۳
- دشنام گویی ۷۴
- دعا ۷۵
- دعا برای برادران دینی در پشت سر آنان ۷۵
- دعا، سلاح مؤمنان ۷۶
- دعا، دفع کننده بلا و قضا ۷۷
- ثمرات دعا ۷۷
- اجتماع برای دعا و عمومیت دادن به آن ۸۰
- ذل آدمی و حالات آن ۸۱
- دنیا ۸۳
- دورویی و نفاق ۸۴
- دوزی از گناه ۸۶
- دوستی دنیا و حرص بر آن ۸۷
- دوستی و دشمنی برای خدا ۸۹
- دیدار برادران ۹۰
- دین، عطیه خاص الهی ۹۱

ذ

۹۲	ذکر خدا
----	---------

ر

۹۴	راستگویی و ادای امانت
۹۵	رضا به قضا
۹۶	روا کردن حاجت مؤمن
۹۸	روزی بسنده
۹۹	ریاست طلبی
۱۰۰	ریا کاری

ز

۱۰۲	زبان و آفات آن
۱۰۳	زهد

س

۱۰۵	ستایش پروردگار
۱۰۵	ستایش خداوند، پیش از دعا
۱۰۶	سخن چینی
۱۰۷	سرزنش
۱۰۷	سفاهت و بی خردی

- ۱۰۸ سلام کردن
۱۰۹ سیراب کردن مؤمن

ش

- ۱۱۱ شاد کردن مؤمنان
۱۱۲ شر عمل و زبان
۱۱۲ شک
۱۱۳ شکر گزاری
۱۱۳ شماتت

ص

- ۱۱۵ صبر
۱۱۶ صلوات فرستادن بر رسول خدا (ص) و آل او

ط

- ۱۱۸ طمع

ظ

- ۱۲۰ ظلم و ستم

ع

- ۱۲۳ عبادت

۱۲۴	عدالت
۱۲۴	عفت
۱۲۵	عفو و گذشت
۱۲۶	عیب جویی

غ

۱۲۷	غضب
۱۲۸	غنا و بی نیازی
۱۲۹	غیبت کردن

ف

۱۳۱	فخر فروشی
۱۳۲	فرمان برداری
۱۳۲	فرو بردن خشم
۱۳۳	فریب دادن مردم
۱۳۴	فقر و تنگدستی

ق

۱۳۶	قرائت قرآن و بهره مندی از آن
۱۴۰	قساوت و سخت دلی
۱۴۱	قطع رحم
۱۴۲	قناعت کردن

قهر کردن با برادر دینی ۱۴۳

ك

كفر ۱۴۵

گ

گریستن ۱۴۷

گناه ۱۴۸

گناهان بزرگ ۱۵۱

م

مؤمن ۱۵۳

۱ . نشانه‌ها و صفات مؤمنان ۱۵۳

۲ . اندك بودن تعداد مؤمنان ۱۵۴

۳- آثار و برکات مؤمنان ۱۵۶

۴ . آزمایشها و گرفتاریهای مؤمنان ۱۵۶

محاسبه خویشتن ۱۵۹

مدارا و سازگاری ۱۶۰

مداومت بر عمل ۱۶۰

مزاح و شوخ طبعی ۱۶۱

مصافحه ۱۶۲

معاشرت ۱۶۳

معانقه کردن ۱۶۶

میانه روی در عبادت ۱۶۷

ن

ناسازگاری ۱۶۸

نامه و جواب آن ۱۶۹

نرمی و ملایمت ۱۶۹

نیت ۱۷۰

و

واجبات ۱۷۷

وسوسه های اعتقادی ۱۷۷

وسوسه های مربوط به خداوند ۱۷۸

وعده دادن ۱۷۹

ه

همت گماشتن به امور مسلمانان ۱۸۰

همنشینی با گنهکاران ۱۸۱

هوای نفس و پیروی از آن ۱۸۲

ی

یقین ۱۸۴

مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ستایش بی حد سزاوار خدای توانایی است که در دیده خود روشن تر از همه چیز و واضح تر از وضوح است، سپاس بیکران او را که انسانها را نعمت روان و روانها را نیروی خود و نفوس را با لباس فضایل و آرایش کمالات زینت بخشید، در میدان عمر به مسابقه دانش و تکامل فرمان داد، پیشروان را پاداش نیکو و بیکران، و پلیدان و زیانکاران را کیفر متناسب به جرمشان قرار داد.

و درود فراوان به فرستادگانش که در همه عمر اندیشه ای جز ابلاغ رسالت و تکمیل نفوس و تطهیر روانها و رساندن قافله بشری به قله کمال انسانی نداشته اند، خاصه به خاتم پیامبران محمد بن عبدالله (ص) و جانشینان گرامی آن حضرت که رهروان طریقه توحید و رهبران جامعه توحیدی اند.

وبعد، پایه اساسی و زیر بنای همه برنامه های اسلامی بلکه همه شرایع آسمانی سه بخش است: عقاید، اخلاق، اعمال، این سه امر در حقیقت محط و موضوع، و فرودگاه احکام الهی و دستورات دینی و آسمانی است.

اما عقاید، یعنی باورهای درونی و اعمال قلبی، که غالباً معلول قیام برهان و تحقیق مقدمات علم و اذعان است، احکامی را که در این باره مورد گفتگو و محل نقض و ابرام است اصول دین خوانند و مجموعه اباحت مربوط به آن را علم کلام نامند، چه آنکه در آن علم گفتگو از مبدأ و معاد و دیگر امور اعتقادی می‌شود.

اما اخلاق، عبارت است از صفات روحی و ملکات نفسانی، یعنی رنگهای ثابت روان والوان مختلف روح و جان - که رنگ آمیزی نفس با آنها محتاج به مجاهده و کوشش است - به آسانی تحقق نپذیرد و به راحتی نیز زوال و انعدام نیابد.

مطلبی است مبرهن که اتصاف نفوس انسانی به اخلاق و صفات - خواه نیکو و فضایل باشد و خواه زشت و رذائل - گاهی به طور طبیعی و اجباری و داخل خمیره و عجبین با ذات است، چه این خمیر مایه را دست مشیت الهی مخلوط کرده یا علل و عوامل غیر آن.

و دیگر گاه کسبی و تحصیلی است که خود یافته و خود در بر کرده است، این صفات را ملکات و اخلاق نامند و مجموعه اباحت مربوط به این قسمت را - که از عوامل و اسباب پیدایش یا کیفیت فراگرفتن آن صحبت می‌کند یا از آثار و خواص و بازده آن گفتگو دارد - علم اخلاق خوانند، چه آنکه در آن از عوارض نفس و صفات نیکو و یا زشت روانی بحث می‌شود.

و اگر روان کاوان دینی و علمای اخلاق در کتابهای مربوطه صحبت از کردار نیک یا اعمال بد داشته‌اند - نظیر نماز و روزه و سایر عبادات یا دروغ و ظلم و دیگر گناهان کبیره و صغیره - از این نظر بوده که بیان کنند: تکرار و مداومت بر عمل نیک سبب پیدایش صفت نیک، و عادت به کردار زشت زمینه ساز پیدایش صفت بد خواهد بود، پس بحث از علل و عوامل موضوع

بوده است.

و اما اعمال، عبارت از حرکات و سکناتی است که بر حسب اراده انسان عاقل از وی سر می زند، احکام و قوانین عارضه آن را فروغ دین خوانند و ابیات مربوط به آن را علم فقه نامند، چه آن که فقه در اصطلاح دینی عبارت است از یافتن احکام عمل و استخراج برنامه های مذهبی آن از منابع مربوط و مدارك تعیین شده، پس بدین نتیجه رسیدیم که عمده علوم، با حفظ ترتیب از نظر اهمیت و لزوم عبارت است از: علم کلام، علم اخلاق و علم فقه.

غرض از سخن فوق صحه گذاشتن به این امر است که صفتها و ملکات انسانی، یکی از اسباب و علل مؤثر در روش عملی اوست که اگر انسان را با ماشین در حال حرکت مقایسه کنیم ایمان و کفر را شبیه اراده راننده و اخلاق را شبیه موتور و اعمال خارجی را شبیه حرکت در راه رسیدن به مقصد خواهیم یافت (البته تشبیه در بعد خاصی است). بدین جهت اخلاق انسانی در پیمودن راه سعادت تأثیری به سزا دارد و توجه کردن به آن برای کسانی که در جستجوی کمالات معنوی و سعادت چند بعدی می باشند امری است لازم و اساسی، عجباً انسانی در بهداشت تن آن همه می کوشد، پس او چگونه درباره سلامت و کمال روان خویش نمی کوشد، حال آن که مقام و عظمت و ارزش روح او با بدنش قابل مقایسه نیست، به راستی آیا آن انسان را که همش منحصرأ مصروف بهداشت بدن و مراعات حال آن است می توان انسان نامید؟ جواب منفی است، آنها در شکل و قیافه انسانند، چنانچه امیرالمؤمنین (ع) می فرماید: «جث باللیل و بهائم بالنهار»، تن پروران و برده های شهوت و غضب در طول روز در خدمت تن باشند و این حیوان پروار را سیر از علوفه و آب کنند و شب هنگام چون جثه بی روح در افتند و از شب و اسرار و معنویت آن - که هنگام برقراری روابط و توجه به عالم بالا و خلوت بندگان خالص حق با معبود مهربان، و بهترین اوقات درك

سعادت و حیات کمالات و دریافتن خواسته‌ها از پیشگاه حق است. غافل و محروم مانند، و چون آن حضرت از انسانهای ذی روح و دارای قلب و زنده و ارزنده سخن می‌گوید بدین عبارت تعبیر می‌فرماید: «رهبان باللیل واسود بالنهار»، آنان در ساعات شب از غیر حق منقطعند که رهبانند و در اوج رابطه با حقند و از شوق به احسان الهی در وجد و نشاطند و از بیم کیفرش ترسانند، و در هنگامه روز پیوسته در میدان نبرد و مبارزه با نفس و با هر نیروی ضد خدایی و ضد عدالت و انسانی همچون شیران بیشه قوی و نیرومند.

نظری به حال کتاب

نیازی به توضیح نیست که مهمترین مدرک شیعه درباره مسائل اعتقادی و اخلاقی و عملی، کتابهای چهارگانه زیر است (الاصول الاربعه للمحمدین الثالثه):

- ۱- اصول کافی، تألیف محدث عظیم الشأن محمد بن یعقوب کلینی؛
- ۲- من لایحضره الفقیه، تألیف ثقة المحدثین محمد بن علی بن بابویه القمی؛

۳ و ۴- تهذیب و استبصار، تألیف محقق عالی قدر محمد بن حسن طوسی، اگر چه کتابهای دیگری نیز موجود است که مورد استفاده و جزء مدارک علوم مذهبی عالم تشیع است که محدث جلیل القدر محمد بن حر عاملی اغلب آنها را با کتابهای چهارگانه فوق گرد آورده و کتابی بزرگ به نام «وسائل الشیعه» قرار داده است که فعلاً از لحاظ اینکه جامع کتب اربعه و سایر مدارک معتبره است، یگانه مدرک اصیل و مرجع فقهی دانشمندان تشیع است.

کتاب اصول کافی دو جلد و جلد اول آن مربوط به علم و توحید و اصول عقاید است، و جلد دوم به طور غالب مربوط به دستورات اخلاقی و مابقی

کتاب که فروع کافی نامیده می شود راجع به احکام فرعیه، پس سه بخش کتاب از سه موضوع یاد شده، یعنی عقاید، اخلاق، و اعمال بحث کرده است. به طوری که نقل شده، مرحوم کلینی این کتاب را در مدت بیست سال گرد آورده و زحمات فراوانی در راه تألیف آن متحمل شده است، وی احادیث اهل بیت (ع) را از اشخاص زیادی و از امکنه متعددی فراهم کرده و همه عالم تشیع را در انجام این امر خطیر رهین زحمات ارزنده خود قرار داده است، فجزاه الله عن الاسلام خيراً.

نباید غفلت داشت که مقتضای بیان فوق این نیست که همه احادیث و اخبار این کتاب نفیس از جنبه سند، صحیح و معتبر و مُسَلَّم الصدور، و از نظر دلالت صریح و روشن و ظاهراً دلالت است، نه چنین است، بلکه همه شامل حدیثهای صحیح و حسن و موثق و قابل اعتماد است و هم شامل حدیثهای ضعیف و مجهول و مقطوع و مرسل و مضمر، که از نظر فن حدیث فاقد شرایط حجیتند و تمسک به آنها جز با ضمیمه قرآنی که احياناً تحقق می پذیرد غیر صحیح است، چه آنکه کتابی که هیچ ضعف و انحراف و خطا و اشتباه در آن راه نیابد، از غیر خدا و اولیای معصومین محال و غیر ممکن است و فعلاً آن کتاب قرآن مجید است و بس.

بالجمله کتابی که در برابر شما است، خلاصه ای از جلد دوم اصول کافی است^۱ که قسمت اخلاقیات آن در اینجا گنجانده شده، سندهای احادیث که مورد استفاده همه نیست و همچنین مکررات آن حذف گردیده، و چون غالب مراجعان نا آشنا به زبان عربی هستند، متون اخبار در این کتاب در پاورقی و

۱. با توجه به این که همه احادیث این مجموعه از جلد دوم اصول کافی انتخاب شده، در پاورقیها تنها عنوان باب مربوطه و شماره حدیث قید شده است.

اصل آن به فارسی تنظیم شده است.

وضع این مجموعه به صورت کتابهای لغت است، کلمه مورد نظر را ابتدا بر طبق حروف الفبا از فهرست پیدا کرده، سپس به خود کتاب مراجعه فرمایید.

رجا مندم طالبان کمال و فضیلت و علاقه‌مندان خودشناسی و خودسازی مندرجات آن را (بدین تناسب که موضوع سخن، بزرگ و گویندگانش بس عظیمند) به دقت فراگیرند و آن را قالب شکل بخش روح و الگوی صفات روان و آرایش جان سازند، در خود هضم کنند تا انسانی ساخته شده‌الله گردند و در محیط خویش پیاده کنند که رسالت خویش را انجام دهند، و برای مؤلف محترم ثقة‌الدین شیخ ابراهیم پیشوایی ملایری، که در این راه به اندازه وسع خویش زحمت کشیده‌اند، از خدای بزرگ پاداش خیر می‌طلبم.

جزاه الله عن صالح نیاته واعماله خيراً

والحمد لله اولاً و آخراً

۵۷/۲/۲۰ علی مشکینی



آداب مجلس

(۱) حضرت صادق (ع) فرمود: هیچ مجلسی نباشد که در آن نیکان و بدکاران گرد هم اجتماع کنند و بی یاد خدای از آن برخیزند، جز اینکه در روز قیامت، برای آنها مایه حسرت باشد.^۱

(۲) امام باقر (ع) فرمود: همانا ذکر ما ذکر خداست و ذکر دشمن ما ذکر شیطان است.^۲

(۳) حضرت باقر (ع) فرمود: هر که خواهد به پیمانه تمام مزد برد (و به کامل ترین وجهی بی کم و کاست از خدا ثواب دریافت کند) باید هنگامی که می خواهد برخیزد بگوید: «سبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين».^۳

۱. ما من مجلس يجتمع فيه ابرار وفجار فيقومون على غير ذكر الله عزوجل الا كان حسرة عليهم يوم القيامة. (باب ما يجب من ذكر الله عزوجل في كل مجلس، ح ۱).

۲. ان ذكرنا من ذكر الله وذكر عدونا من ذكر الشيطان. (همان، ح ۲)

۳. من اراد ان يكتال بالمكيال الاوفى فليقل اذا اراد ان يقوم من مجلسه: «سبحان ربك رب العزة عما

(۴) امام باقر(ع) فرمود: در تورات تحریف نشده نوشته شده است که همانا موسی از پروردگار پرسید و عرض کرد: بارالها! گاهی در مجالسی حضور می‌یابم که تورا عزیزتر و والاتر از آن می‌دانم که در آن مجلسها تو را یاد کنم؛ خداوند فرمود: ای موسی به یاد من بودن در هر حالی نیکوست.^۱

(۵) حضرت صادق(ع) فرمود: خدای عزوجل فرموده: هر که در میان دسته‌ای از مردم مرا یاد کند، من او را در میان دسته‌ای از فرشتگان یادکنم.^۲

آزار مسلمین

(۱) حضرت صادق(ع) می‌فرمود: خداوند فرمود: کسی که بنده مؤمن مرا بیازارد به من اعلام جنگ داده است.^۳

(۲) حضرت صادق(ع) به نقل از رسول خدا(ص) فرمود: خدای تعالی فرموده است: کسی که به یکی از دوستان من اهانت کند، به تحقیق خود را برای جنگ با من آماده کرده است.^۴

یصفون و سلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین». (همان، ح ۳).

۱. فقال الهی انه یأتی علی مجالس اعزک واجللک ان اذکرک فیها فقال یا موسی ان ذکرک حسن علی کل حال. (همان، ح ۸).

۲. قال الله عزوجل: من ذکرنی فی ملا من الناس ذکرته فی ملا من الملائکة (همان، ح ۱۳).

۳. قال الله عزوجل: لیأذن بحرب منی من اذی عبیدی المؤمن. (باب من اذی المسلمین واحترقهم، ح ۱).

۴. قال الله تبارک وتعالی: من اهان لی ولیاً فقد اُرد صدحاریتی. (همان، ح ۳).

- (۳) امام صادق(ع) فرمود: رسول خدا(ص) فرمود: خدای فرموده: آنکه بنده مؤمن مرا خوار کند آشکارا به جنگ با من برخاسته است.^۱
- (۴) حضرت صادق(ع) فرمود: هر که مؤمنی را به خاطر نداری و فقرش، پست و کوچک شمارد، خداوند روز قیامت او را در برابر خلائق رسوا کند. (و به زشتی شهره سازد).^۲

آزردن پدر و مادر

- (۱) امام صادق(ع) فرمود: کمترین آزار (به پدر و مادر) گفتن اف (به آنها)ست و اگر خدا چیزی را آسان تر و خوارتر از آن می دانست از آنها نهی می فرمود.^۳
- (۲) رسول خدا(ص) فرمود: (با پدر و مادر) نیکو رفتار باش و در بهشت جایگزین شو و اگر عاق و جفاکاری، با آتش دوزخ بساز.^۴
- (۳) حضرت صادق(ع) فرمود: هر کس به پدر و مادر خود نظر دشمنی کند، در صورتی که آن دو به اوستم (نیز) کرده باشند، خداوند نمازش را نپذیرد.^۵

۱. قال الله عز وجل: قد نابذني من اذل عبيد المؤمن. (همان، ح ۶).

۲. من استذل مؤمناً واستحققره لقلة ذات يده ولفقره شهره الله يوم القيامة على رؤس الخلائق.

(همان، ح ۹).

۳. ادنى العقوق أف ولو علم الله شيئاً أهون منه لنهى عنه. (باب العقوق، ح ۱).

۴. كن باراً واقصر على الجنة وان كنت عاقاً فاقصر على النار. (همان، ح ۲).

۵. من نظر الى ابويه نظر مامت وهما ظالمان له لم يقبل الله له صلوة. (همان، ح ۵).

(۴) رسول خدا(ص) فرمود: بپرهیزد از آزردن پدر و مادر، زیرا بوی بهشت از مسافت هزار ساله شنیده شود، ولی عاق والدین آن را نشنود.^۱

اجتناب از محرمات

(۱) امام صادق(ع) درباره قول خدای عزوجل «و برای آنکه از مقام پروردگارش ترسد دو بهشت است» فرمود: هر که بداند خدای عزوجل او را می‌بیند و هر چه از خیر و شر می‌گوید و می‌کند، می‌شنود [و بدان آگاه است] و همین دانش او را از کارهای زشت باز دارد، کسی است که از مقام پروردگارش ترسیده و خود را از هوس باز داشته است.^۲

(۲) سلیمان بن خالد گوید: از امام صادق(ع) درباره این سخن خدای عزوجل پرسیدم: «و ما به اعمال فاسد بی‌خلوص و حقیقت آنها توجه کرده و همه را باطل و ناپود می‌گردانیم» (فرقان «۲۵» آیه ۲۳).

فرمود: هان به خدا سوگند! کردارهای ایشان سفیدتر از پارچه‌های نازک مصری بود، ولی چون به حرامی برمی‌خورند، از آن

۱. ایاکم و عقوق الوالدین فان ریح الجنة توجد من مسيرة الف عام ولا یجدها عاق. (همان، ح ۶).
۲. من علم ان الله عزوجل یراه ویسمع ما یقولہ ویفعلہ من خیر او شر فیحجزه ذلك عن القبیح من الاعمال فذلك الذی «خاف مقام ربه ونهی النفس عن الهوی». (باب اجتناب المحارم، ح ۱).

دست بر نمی داشتند.^۱

شرح: مفسران قرآن، ذیل آیه شریفه و شارحان اصول کافی ذیل این حدیث، مطالبی مفصل راجع به احباط و تکفیر و عقاید فرق اسلامی در آن باره ذکر نموده اند، که خلاصه و عصاره آنها چنین است: مقصود از کردارهای سفیدتر از آن پارچه ها، اعمالی مانند: مهمان نوازی، و صلهٔ رحم و فریاد رسی گرفتاران است، که همه آنها محبوب و مطلوب شارع است و به همین جهت، آنها را بسیار سفید دانسته است و مقصود از غبار پراکنده ذرات ریز و کوچکی است که در شعاع آفتاب از روزنه اتاق دیده می شود و کنایه از این است که این کردار و اعمال پسندیده و مطلوب به واسطه عدم پرهیز از حرام، بی اثر و نتیجه می گردد، و اجر و ثوابی را که خدای متعال در برابر اعمال صالح وعده فرموده است به کننده آنها عطا نمی فرماید.

(۳) رسول خدا (ص) فرماید: هر که به خاطر ترس از خدای تبارک و تعالی گناهی را ترك کند، خداوند او را در روز قیامت خوشنود گرداند.^۲

احترام به سالخوردگان

(۱) امام صادق (ع) فرمود: احترام گذاشتن به پیرمرد بزرگوار،

۱. «وقدمنا الی ماعملوا من عمل فجعلناه هباء منثورا» قال اما واللّه ان كانت اعمالهم اشد بیاضاً من القباطی ولكن كانوا اذا عرض لهم الحرام لم يدعوه. (همان، ح ۵).

۲. من ترك معصية لله مخافة الله تبارک و تعالی ارضاه الله يوم القيامة. (همان، ح ۶).

احترام گذاشتن به خداوند است.^۱

(۲) امام صادق(ع) فرمود: سه تن هستند که کسی حق آنها را نادیده نگیرد، مگر منافقی که به نفاق معروف است آن سه تن عبارتند از: کسی که مویش را در اسلام سپید کرده، و آن که قرآن را در بر دارد، و پیشوای عادل.^۲

(۳) امام صادق(ع) فرمود: احترام گذاشتن به مؤمن سفید موی تجلیل خداست.^۳

(۴) امام صادق(ع) فرمود: از ما نیست کسی که بزرگسال ما را احترام نکنند، و به خردسال ما ترحم ننمایند.^۴

احترام به مؤمن

(۱) امام صادق(ع) فرمود: هر که نزد برادر مسلماننش رود و او را گرامی دارد، همانا خدا را گرامی داشته است.^۵

(۲) رسول خدا(ص) فرمود: بنده ای از امتم نیست که نسبت به برادرش لطفی کند، جز آنکه خدا برخی از خدمتگزاران بهشت را

۱. ان من اجلال الله عزوجلّ اجلال الشيخ الكبير (باب وجوب اجلال ذی الشیبة المسلم، ح ۱).

۲. ثلاثة لا یجهل حقهم الا منافق معروف [ب] النفاق: ذوالشیبة فی الاسلام وحامل القرآن، والامام العادل. (همان، ح ۴).

۳. من اجلال الله عزوجلّ اجلال المؤمن ذی الشیبة. (همان، ح ۵).

۴. لیس منا من لم یوقر کبیرنا ویرحم صغیرنا. (باب اجلال الکبیر، ح ۲).

۵. من اتاه اخوه المسلم فاکرمه فانما اکرم الله عزوجل. (باب فی الطاف المؤمن واکرامه، ح ۳).

خادمش سازد.^۱

(۳) رسول خدا(ص) فرمود: هر مسلمانی که به جماعتی از مسلمین خدمتگزاری کند، خدا به شماره آنها در بهشت به او خدمتگذار دهد.^۲

احسان به خویشان و نزدیکان

(۱) امام رضا(ع) فرمود: مردی که سه سال از عمرش باقی مانده صلهٔ رحم می کند و خدا عمرش را سی سال قرار می دهد و خدا هر چه خواهد بکند.^۳

(۲) امام باقر(ع) فرمود: صلهٔ ارحام اعمال را پاک کند و اموال را افزونی دهد و بلارا دور گرداند و حساب را آسان کند و اجل را به تأخیر اندازد.^۴

(۳) امام صادق(ع) فرمود: صلهٔ ارحام اخلاق را نیکو، و دست را با سخاوت، و نفس را پاکیزه، و روزی را زیاد کند و اجل را به تأخیر اندازد.^۵

۱. ما فی امتی عبد اللطیف اخاه فی اللہ بشیء من لطف الا اخدمه اللہ من خدم الجنة (همان، ح ۴).

۲. ایما مسلم خدم قوماً من المسلمین الاعطاء اللہ مثل عددهم خدماً فی الجنة. (باب فی خدمته، ح ۱).

۳. یكون الرجل یصل رحمه فیکون قد بقی من عمره ثلاث سنین فیصیرها اللہ ثلاثین سنة ویفعل اللہ ما یشاء (باب صله الرحم، ح ۳).

۴. صله الارحام تزکی الاعمال وتنمی الاموال وتدفع البلوی وتیسر الحساب وتنسیء فی الاجل. (همان، ح ۴).

۵. صله الارحام تحسن الخلق وتسمح الکف وتطیب النفس وتزید فی الرزق وتنسیء فی الاجل. (همان، ح ۶).

- (۴) امام صادق(ع) فرمود: با خویشانت رابطه داشته باش اگر چه نوشیدن آبی باشد، و بهترین صله رحم، آزار نرسانیدن به اوست.^۱
- (۵) رسول خدا(ص) فرمود: چیزی که ثوابش از همه چیز زودتر رسد، صله رحم است.^۲
- (۶) امیرالمؤمنین(ع) فرمود: با ارحام خود رابطه داشته باشید، اگر چه با سلام کردن باشد.^۳

استدراج و مکر الهی

- (۱) از حضرت صادق(ع) درباره گفتار خدا که فرماید: «ایشان را به آهستگی و تدریج از راهی که ندانند غافلگیر کنیم.» (اعراف «۷» آیه ۱۸۲)، سؤال کردم، فرمود: آن بنده ای است که گناهی مرتکب شود و نعمت تازه ای به او داده شود و این نعمت او را از استغفار از آن گناه غافل و سرگرم سازد.^۴
- (۲) همچنین آن حضرت(ع) فرمود: چه بسا شخصی که به نعمت هایی که خداوند به او داده مغرور گردد، و چه بسا کسی که به سبب

۱. صل رحمك ولو بشرية من ماء وافضل ما توصل به الرحم كف الاذى عنها. (همان، ح ۹).

۲. ان اعجل الخير ثواباً صلة الرحم. (همان، ح ۱۵).

۳. صلوا ارحامكم ولو بالتسليم. (همان، ح ۲۲).

۴. سألت ابا عبد الله(ع) عن قول الله عز وجل: «سنستدرجهم من حيث لا يعلمون» قال هو العبد يذنب الذنب فتجدد له النعمة معه تلهيه تلك النعمة عن الاستغفار من ذلك الذنب. (باب الاستدراج، ح ۳).

پرده پوشی خداوند بر [گناهان] او غافلگیر شود و چه بسا کسی که به ستایش مردم فریب خورد.^۱

استغفار

(۱) امام صادق (ع) فرمود: بنده مؤمن چون گناه کند، خداوند او را هفت ساعت مهلت دهد، پس اگر از خدا آمرزش خواست، چیزی بر او نوشته نشود و اگر این ساعتها گذشت و آمرزش نخواست یک گناه بر او نوشته شود، و همانا مؤمن پس از بیست سال به یاد گناهش افتد و از خدا آمرزش خواهد و خدا گناهش را ببامرزد، و کافر همان ساعت آن را فراموش کند.^۲

(۲) از معصوم روایت شده که: برای هر چیزی دارویی است، و داروی گناهان، طلب آمرزش و استغفار است.^۳

(۳) رسول خدا (ص) فرمود: بهترین دعا، استغفار (و آمرزش خواهی است).^۴

(۴) امام صادق (ع) فرمود: هرگاه بنده، بسیار استغفار کند (و از

۱. کم من مغرور بما قد انعم الله علیه و کم من مستدرج بستر الله علیه و کم من مفتون بثناء الناس علیه. (همان، ح ۴).

۲. العبد المؤمن اذا اذنب ذنبا اجله الله سبع ساعات فان استغفر الله لم يكتب علیه شیء وان مضت الساعات ولم يستغفر كتبت علیه سبئة وان المؤمن ليذكر ذنبه بعد عشرين سنة حتى يستغفر ربه فيغفر له وان الكافر لينساه من ساعته. (باب الاستغفار من الذنب، ح ۳).

۳. لكل شیء دواء ودواء الذنوب الاستغفار. (همان، ح ۸).

۴. خير الدعاء الاستغفار. (باب الاستغفار، ح ۱).

خداوند آمرزش خواهد) نامه عملش، در حالی که می‌درخشد [به سوی خدا] بالا رود.^۱

(۵) امام رضا(ع) فرمود: مثل استغفار (و ریزش گناهان به سبب آن) چون برگی است بر درختی که (در فصل پاییز) بجنبد و آن برگ بریزد، و کسی که از گناهی استغفار کند و باز آن را انجام دهد، مانند کسی است که پروردگار خود را مسخره کند.^۲

اسلام

(۱) امام صادق(ع) درباره آیه «رنگ خدایی (بپذیرید!) و چه رنگی از رنگ خدایی بهتراست» (بقره «۲» آیه ۱۳۸).^۳
فرمود: مقصود از رنگ [الهی] همان اسلام است.

(۲) امام صادق(ع) فرمود: به وسیله اسلام، خون شخص محفوظ ماند و امانت ادا شود و زناشویی حلال گردد؛ ولی ثواب بردن در گرو ایمان است.^۴

شرح: اسلام به معنی اقرار به شهادتین، به وسیله زبان است و ایمان

۱. اذا اكثر العبد من الاستغفار رفعت صحيفته وهي يتلأأ. (همان، ح ۲).

۲. مثل الاستغفار مثل ورق على شجرة تحرك فيتنثر والمستغفر من ذنب ويفعله كالمستهزئ بربه. (همان، ح ۳).

۳. عن ابي عبد الله(ع) في قول الله عز وجل: «صبغة الله ومن احسن من الله صبغة» قال: الصبغة هي الاسلام. (باب في ان الصبغة هي الاسلام، ح ۲).

۴. الاسلام يحقن به الدم وتؤدي به الامانة وتستحل به الفروج والثواب على الايمان. (باب ان الاسلام يحقن به الدم، ح ۱).

عقیده قلبی و رفتار عملی، طبق موازین و مقررات این دین شریف است. پس کافری که با مسلمین می‌جنگد، به محض این که شهادتین را بر زبان جاری کند، از لحاظ ظاهر یکی از افراد مسلمین محسوب می‌شود و روا نیست که مسلمانی به روی او شمشیر بکشد، و چون امانتی به مسلمانی سپارد، باید به او رد کند یا اگر کسی نزد او امانتی سپارد لازم است که آن را به صاحبش برگرداند، و نیز می‌تواند با زنی مسلمان ازدواج نماید، اما ثواب و پاداشی که خداوند در آخرت به کسی می‌دهد، مربوط به ایمان و عقیده قلبی و مقررات شرعی است.

اصرار بر گناه

(۱) امام صادق(ع) فرمود: گناه صغیره با تکرار و اصرار ورزیدن بر آن، صغیره نماند و گناه کبیره - در صورت استغفار از آن - کبیره نباشد.^۱

(۲) امام باقر(ع) فرمود: اصرار بر گناه این است که کسی گناهی کند و از خدا آمرزش نخواهد، و فکر توبه را به خود راه ندهد.^۲

(۳) امام صادق(ع) فرمود: به خدا سوگند که خداوند هیچ طاعتی را با اصرار ورزیدن بر یکی از گناهان نپذیرد.^۳

۱. لاصغیره مع الاصرار ولا کبیره مع الاستغفار. (باب الاصرار علی الذنب، ح ۱).

۲. الاصرار هو ان یذنب الذنب فلا یتستغفر الله ولا یحدث نفسه بتوبه فذلک الاصرار. (همان، ح ۲).

۳. لا والله لا یقبل الله شیئا من طاعته علی الاصرار علی شیء من معاصیه (همان، ح ۳).

اصلاح روابط مسلمین

- (۱) امام صادق(ع) فرمود: صدقه ای را که خدا آن را دوست دارد، اصلاح کردن روابط بین مردم است، زمانی که در میانشان جدایی و فساد رایج شود و نزدیک ساختن آنها به یکدیگر زمانی که از هم دور شوند.^۱
- (۲) امام صادق(ع) فرمود: این که رابطه بین دو تن را بهبود ببخشم، نزد من محبوبتر است از این که دو دینار صدقه دهم.^۲
- (۳) امام صادق(ع) فرمود: هر گاه میان دو نفر از شیعیان ما نزاعی دیدی، از مال من فدیة بده (یعنی هر چه ادعا می کند از مال من به او بده تا طرف را رها کند).^۳
- (۴) امام صادق(ع) فرمود: مصلح دروغگو نیست.^۴

اطعام مؤمنان

- (۱) حضرت سجاد(ع) فرمود: هر که مؤمن گرسنه ای را سیر کند، خداوند از میوه های بهشت به او بخوراند.^۵

۱. صدقة یحبها الله اصلاح بین الناس اذا تفاسدوا وتقارب بینهم اذا تباعدوا (باب الاصلاح بین الناس، ح ۱).

۲. لان اصلاح بین اثنين احب الی من ان اتصدق بدینارین. (همان، ح ۲).

۳. اذا رأیت بین اثنين من شیعتنا منازعة فافتدها من مالی. (همان، ح ۳).

۴. المصلح لیس بکاذب. (همان، ح ۵).

۵. من اطعم مؤمنا من جوع اطعمه الله من ثمار الجنة. (باب اطعام المؤمن، ح ۵).

- (۲) امام صادق (ع) فرمود: از اسباب آمرزش، اطعام کردن مسلمان گرسنه است.^۱
- (۳) امام صادق (ع) به سدید صیرفی فرمود: چه چیزی تو را باز می دارد از آن که هر روز بنده ای آزاد کنی؟ گفتم داریم به این مقدار نمی رسد، فرمود: در هر روز مسلمانی را اطعام کن.^۲
- (۴) امام صادق (ع) فرمود: غذایی که برادر مسلمانی نزد من می خورد، برای من محبوبتر است از این که بنده ای آزاد کنم.^۳

اعتراف به تقصیر

- (۱) موسی بن جعفر (ع) فرمود: فرزندان همواره کوشش کن، مبادا خود را در عبادت و طاعت خدای بی تقصیر دانی، زیرا خداوند هرگز چنان که شایسته است، پرستش نمی شود.^۴

اعتراف به گناه

- (۱) امام باقر (ع) فرمود: به خدا سوگند! از گناه نجات و رهایی

۱. من موجبات المغفرة اطعام المسلم السغبان. (همان، ح ۶).

۲. ما منعك أن تعتق كل يوم نسمة؟ قلت لا يحتمل مالي ذلك قال: تطعم كل يوم مسلما. (همان، ح ۱۲).

۳. أكله يأكلها أخى المسلم عندى أحب إلى من أن اعتق رقبة. (همان، ح ۱۳).

۴. يابني عليك بالجد لا تخرجن نفسك من حد التقصير فى عبادة الله عز وجل وطاعته فان الله لا يعبد حق عبادة. (باب الاعتراف بالتقصير، ح ۱).

نیابد، جز کسی که بدان اعتراف کند.^۱

(۲) امام باقر(ع) فرمود: به خدا سوگند! خداوند از مردم جز دو خصلت نخواسته است (یکی) اعتراف به نعمتهای او تا بر نعمتهایشان بیفزاید، و (دیگر) اعتراف به گناهان، تا آنها را بیامزد.^۲

(۳) حضرت صادق(ع) می‌فرمود: هیچ بنده‌ای با اصرار به گناه و تداوم آن از گناه بیرون نرود، و هیچ بنده‌ای جز با اقرار و اعتراف به آن از گناه بیرون نرود.^۳

انصاف دادن

(۱) امیرالمؤمنین(ع) فرمود: آگاه باشید، هر که در امور مربوط به خود نسبت به دیگران با انصاف و خیرخواه باشد، خدا جز بر عزتش نیفزاید.^۴

(۲) امام صادق(ع) فرمود: هر که در رابطه خود با مردم به عدل و انصاف رفتار نماید (اگر چه بر زیانش باشد) بر داوری میان دیگران برگزیده شود.^۵

۱. واللّٰه ما ینجو من الذنب الا من اقر به. (باب الاعتراف بالذنوب والندم علیها، ح ۱).

۲. لا واللّٰه ما اراد اللّٰه من الناس الا خصلتین: ان یقروا له بالنعم فیزد هم بالذنوب فیغفرها لهم. (همان، ح ۲).

۳. انه واللّٰه ما خرج عبد من ذنب باصرار وما خرج عبد من ذنب الاباقرار. (همان، ح ۴).

۴. الا انه من ینصف الناس من نفسه لم یزده اللّٰه الا عزا. (باب الانصاف والعدل، ح ۴).

۵. من أنصف الناس من نفسه رضی به حکما لغيره (همان، ح ۱۲).

- (۳) رسول خدا(ص) فرمود: کسی که در مال خود با فقیر مواسات کند و نسبت به مردم با انصاف باشد، مؤمن حقیقی است.^۱
- (۴) امام باقر(ع) فرمود: خدا را بهشتی است که جز سه کس در آن وارد نشوند، یکی از آنها کسی است که درباره خود به حق داوری کند.^۲
- (۵) امام صادق(ع) فرمود: آیا به شما از سخت ترین چیزی که خدا آن را بر خلقش واجب کرده، خبر ندهم؟ سپس سه چیز را ذکر فرمود که اولین آنها این بود: انصاف حکم کردن میان خودت و مردم.^۳

ایمان

- (۱) امام صادق(ع) درباره آیه: «سکینه را در دلهای مؤمنان فرود آورد» فرمود: سکینه، ایمان است؛ نیز درباره قول خدای متعال: «باروحی از جانب خود ایشان را تأیید کرد» فرمود: آن ایمان است، و درباره آیه: «وآنها را به حقیقت تقوا ملزم ساخت»، فرمود: آن ایمان است.^۴
- (۲) امام باقر(ع) فرمود: برای هیچ چیز همچون ولایت ندا در داده

۱. من واسی الفقیر من ماله وأنصف الناس من نفسه فذلك المؤمن حقا. (همان، ح ۱۷).

۲. ان الله جنة لا يدخلها الا ثلاثة احدهم من حکم فی نفسه بالحق. (همان، ح ۱۹).

۳. الا اخبرکم بأشده ما فرض الله علی خلقه؟ فذكر ثلاثة اشياء اولها: انصاف الناس من نفسك. (همان، ح ۶).

۴. سألت ابا عبد الله عليه السلام عن قوله عز وجل: «هو الذي انزل السكينة في قلوب المؤمنين» قال هو الايمان قال قلت: «وايدهم بروح منه» قال: هو الايمان وعن قوله: «والزهم كلمة التقوى». قال: هو الايمان (باب فی ان السکینه هی الايمان، ح ۵).

نشده است و نیز فرمود: بالاترین مرتبه امر دین و کلیدش و راه وصول به هر چیز و مایه خرسندی خدای رحمان، اطاعت از امام است، بعد از معرفت او؛ همانا خداوند می‌فرماید: هر که پیغمبر را فرمان برد، خدا را فرمان برده است و هر که پشت کند، ما تو را به نگهبانی آنها نفرستاده ایم. (نساء «۴» آیه ۸۰) همانا اگر مردی، شبها برای عبادت به پا خیزد و روزها را روزه دارد و تمام اموالش را صدقه دهد و در تمام دوران عمرش به حج رود و امر ولایت ولی خدا را شناسد تا از او پیروی کند و تمام اعمالش طبق راهنمایی او باشد، نزد خدا، حق و بهره‌ای از ثواب بردن ندارد و از اهل ایمان نباشد.^۱

(۳) امام صادق (ع) فرمود: ایمان شریک اسلام می‌شود، ولی اسلام شریک ایمان نمی‌گردد؛ ایمان آنست که در دل ثابت شود.^۲

(۴) امام صادق (ع) فرمود: هر چیزی را اساس و پایه‌ای است و پایه اسلام، محبت ما اهل بیت است.^۳

۱. لم یناد بشيء كما نودی بالولاية (باب دعائم الاسلام، ح ۳) ثم قال ذروة الامر وسنامه ومفتاحه وباب الاشياء والرضا الرحمن الطاعة للامام بعد معرفته، ان الله عزوجل يقول: «من يطع الرسول فقد اطاع الله ومن تولى فما ارسلناك عليهم حفيظاً» اما لو ان رجلاً قام ليله وصام نهاره وتصدق بجميع ماله وحج جميع دهره ولم يعرف ولاية ولي الله فيواله ويكون جميع اعماله بدلالته اليه ما كان له على الله جل وعز حق في ثوابه ولا كان من اهل الايمان. (همان، ح ۵).

۲. ان الايمان يشارك الاسلام ولا يشاركه الاسلام ان الايمان ما وفقر نفس القلوب. (باب ان الايمان يشرك الاسلام والاسلام لا يشرك الايمان، ح ۳).

۳. ولكل شيء اساس وأساس الاسلام حبنا اهل البيت. (ج ۲، ص ۴۶).



بخشیده شدن گناه

(۱) امام صادق (ع) فرمود: همانا مؤمن خواب هولناک ببیند و [به واسطه ترس ناشی از آن] گناهش آمرزیده شود، و [نیز] تنش رنج ببیند و بدین سبب گناهش آمرزیده شود.^۱

(۲) امام صادق (ع) فرمود: چون گناه بنده بسیار گردد (و خدا بخواهد او را پاک کند) و عمل [نیکی] نداشته باشد که آن را جبران کند و کفاره آنها شود، او را به اندوه گرفتار سازد تا کفاره گناهانش گردد.^۲

(۳) امام باقر (ع) به نقل از رسول خدا (ص) فرمود: پیوسته غم و اندوه گریبانگیر مؤمن باشد تا برای او گناهی باقی نگذارد. [یعنی مایه تطهیر او از گناهان گردد].^۳

۱. ان المؤمن ليهول عليه في نومه فيغفر له ذنوبه وانه ليمتحن في بدنه فيغفر له ذنوبه. (باب تعجيل عقوبة الذنب، ح ۴).

۲. ان العبد اذا كثرت ذنوبه ولم يكن عنده من العمل ما يكفرها ابتلاه بالحزن ليكفرها. (همان، ح ۲).

۳. ما يزال الهم والغم بالمؤمن حتى ما يدع له ذنبا (همان، ح ۷).

بدخویی

- (۱) حضرت صادق(ع) فرمود: بدخویی کردار را تباه سازد، چنانچه سرکه غسل را تباه کند.^۱
- (۲) رسول خدا(ص) فرمود: خدا از صاحب خوی بد توبه نخواست است. عرض شد: چگونه این چنین است ای رسول خدا؟ فرمود: به جهت این که هرگاه از گناهی توبه کند در گناه بزرگتری افتد.^۲
- (۳) حضرت صادق(ع) فرمود: هر که خوی او بد است، خود را شکنجه می دهد.^۳

بد زبانی

- (۱) رسول خدا(ص) فرمود: هرگاه مردی را دیدید که باکی از آنچه می گوید و آنچه به او گفته می شود ندارد، پس به درستی که یا مولود زناست یا بهره و نصیب شیطان.^۴
- (۲) رسول خدا(ص) فرمود: خداوند متعال بهشت را بر هر

۱. ان سوء الخلق ليفسد العمل كما يفسد الخل العسل . (باب سوء الخلق، ح ۱).

۲. ابي الله لصاحب الخلق السيئ بالتوبة . قيل : وكيف ذاك يا رسول الله؟ قال : لانه إذا تاب من ذنب وقع في ذنب اعظم منه . (همان، ح ۲).

۳. من ساء خلقه عذب نفسه . (همان، ح ۴).

۴. اذا رأيتم الرجل لا يبالي ما قال ولا ما قيل له فانه لغية أو شرك شيطان . (باب البذاء، ح ۲).

دشنام گوی بی آبرو و کم شرمی - که باکی از آنچه به او گفته شود ندارد - حرام کرده است.^۱

(۳) از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: خداوند، شخص دشنام گوی دشنام جو را دشمن می دارد.^۲

(۴) رسول خدا(ص) فرمود: اگر دشنام به صورتی تجسم یابد، بی تردید صورت بدی خواهد داشت.^۳

(۵) رسول خدا(ص) فرمود: از زمره بدترین بندگان خدا کسی است که برای هرزه و دشنام گویی اش از همنشینی و مجالست با او دوری گزینند.^۴

(۶) حضرت صادق(ع) فرمود: بد زبانی از درشتی و خشونت است و جایگاه درشتی و خشونت آتش است.^۵

(۷) و نیز فرمود: دشنام دادن و بد زبانی و هرزه گویی از [نشانه های] نفاق و دورویی است.^۶

برادران ایمانی

(۱) امام صادق(ع) فرمود: اهل ایمان برادر یکدیگر و فرزندان یک

۱. ان الله حرم الجنة على كل فحاش بذی قليل الحياء. (همان، ح ۳).

۲. ان الله يبغض الفحاش المتفحش (همان، ح ۴).

۳. ان الفحش لو كان مثالا لكان مثال سوء. (همان، ح ۶).

۴. ان من شر عباد الله من تكره مجالسته لفحشه. (همان، ح ۸).

۵. البذاء من الجفاء والجفاء فی النار. (همان، ح ۹).

۶. ان الفحش والبذاء والسلطة من النفاق. (همان، ح ۱۰).

پدر و مادرند و هرگاه رگ یکی از ایشان زده شود، دیگران، شب برایش بیداری می‌کشند.^۱

(۲) امام صادق (ع) فرمود: مؤمن برادر مؤمن است، چشم و راهنمای اوست، نسبت به او خیانت و ستم روا ندارد و او را نفریبد و وعده‌ای به او ندهد که بدان وفا نکند.^۲

(۳) امام باقر (ع) می‌فرمود: مؤمن برادر تنی مؤمن است؛ زیرا خدای عزوجل مؤمنان را از سرشت بهشتی آفرید و از نسیم بهشت در پیکرشان دمید، از این رو آنان برادران تنی او هستند.^۳

(۴) امام باقر (ع) فرمود: شما بر این امر (تشیع) برادر هم نشدید، بلکه تنها به پیوند برادری خود واقف شدید. [یعنی این پیوند در فطرت شما نهفته بود و با رابطه برادری، این پیوند را آشکار کردید].^۴

(۵) امام صادق (ع) به اصحابش می‌فرمود: از خدا پروا کنید و برادرانی خوش رفتار باشید؛ در راه خدا با هم دوستی کنید و پیوستگی

۱. انما المؤمنون اخوة بنوآب وام، واذا ضرب علی رجل منهم عرق سهر له الاخرون. (باب اخوة المؤمنین بعضهم لبعض، ح ۱).

۲. المؤمن اخو المؤمن عینه ودلیله لایخونه ولا یظلمه ولا ینفسه ولا یعده عده فیخلقه. (همان، ح ۳).

۳. المؤمن اخو المؤمن لایبه وامه لان الله عزوجل خلق المؤمنین من طینه الجنان وأجرى فی صورهم من ریح الجنة فلذلك هم اخوة لاب وام. (همان، ح ۷).

۴. لم تتواخوا علی هذا الامر وانما تعارفتم علیه. (باب فی ان التواخی لم یقع علی الدین، ح ۱).

داشته باشید و مهر ورزید.^۱

بوسیدن

(۱) امام صادق(ع) فرمود: نباید سر یا دست کسی بوسیده شود؛ مگر (دست) رسول خدا - صلی الله علیه وآله - یا کسی که مقصود از او رسول خدا(ص) باشد (مانند ائمه - علیهم السلام - و سادات و علما بنا به قولی، در عین حال نسبت به بوسیدن سر یا دست دیگران هم، کسی قائل به حرمت نشده است).^۲

(۲) امام موسی کاظم(ع) فرمود: هر که به خاطر پیوند خویشاوندی، فامیلش را ببوسد، باکی بر او نیست (زیرا نظر شهوت و غرض باطلی در میان نیست) و محل بوسیدن برادر (نسبی یا ایمانی) گونه او و محل بوسیدن امام میان دو چشم اوست (یعنی شایسته است که گونه برادر و میان دو چشم امام را بوسید).^۳

(۳) امام صادق(ع) فرمود: بوسیدن لب سزاوار نیست، جز نسبت به همسر یا فرزند خردسال.^۴

۱. کونوا اخوة برة متحابين في الله متواصلين متراحمين. (باب التراحم والتعاطف، ح ۱).

۲. لا يقبل رأس أحد ولا يده إلا رسول الله(ص) أو من أريد به رسول الله(ص). (باب التقبيل، ح ۲).

۳. من قبل للرحم ذاقربة فليس عليه شيء وقبله الآخر على الخد وقبله الامام بين عينيه. (همان، ح ۵).

۴. ليس القبلة على الفم إلا للزوجة [۱] والولد الصغير. (همان، ح ۶).

بهتان

(۱) حضرت صادق(ع) فرمود: هر که به مرد مؤمن یا زن مؤمنه عیبی را که در آنها نیست، بهتان بزند، خداوند او را در «طینت خبال» برانگیزد و نگهدارد تا از آنچه گفته بیرون آید. ابن ابی یعفور عرض کرد: «طینت خبال» چیست؟ فرمود چرکی است که از فرج زنان بدکاره بیرون آید.^۱

(۲) حضرت صادق(ع) می‌فرمود: بهتان آن است که درباره او [برادرت] چیزی بگویی که در او نیست.^۲

بیم و امید

(۱) حضرت صادق(ع) فرمود: وصیت لقمان به پسرش این بود: از خدای چنان بترس که اگر نیکی جن و انس را [به درگاه او] ببری [تصور کنی که تو را] عذاب می‌کند و به خدا چنان امیدوار باش که اگر گناه جن و انس را [به درگاهش] ببری، [تصور کنی که] تو را می‌بخشاید.^۳

۱. من بهت مؤمنا او مؤمنة بما ليس فيه بعثه الله في طينة خبال حتى يخرج مما قال، قلت: وما طينة الخبال؟ قال: صديد يخرج من فروج المومسات. (باب الغيبة والبهت، ح ۵).

۲. البهتان ان تقول فيه ما ليس فيه. (همان، ح ۷).

۳. خف الله عز وجل خيفة لوجئته ببر الثقلين لعذبك وارج الله رجاء لو جئته بذنوب الثقلين لرحمك. (باب الخوف والرجاء، ح ۱).

(۲) حضرت صادق(ع) فرمود: هر که خدا را شناخت، از او بترسد و هر که از خدا بترسد، دل از دنیا برکند.^۱

(۳) حضرت صادق(ع) فرمود: هر که به چیزی امیدوار باشد، در راه رسیدن به آن کارکند و هر که از چیزی بترسد، از آن بگریزد.^۲

(۴) امام صادق(ع) فرمود: حب جاه و شهرت در دل شخص ترسان و هراسان نباشد (پس کسی که از خدا بترسد حب ریاست و شهرت ندارد).^۳

(۵) امام باقر(ع) می فرمود: هیچ بنده مؤمنی نیست، جز آنکه در دلش دونور است: نور ترس و نور امید، اگر این یکی وزن شود، از آن دیگر افزون نباشد و اگر آن دیگر وزن شود از این یکی افزون نباشد.^۴

۱. من عرف الله خاف الله ومن خاف الله سخت نفسه عن الدنيا. (همان، ح ۴).

۲. من رجاً شيئاً عمل له ومن خاف من شيء هرب منه. (همان، ح ۶).

۳. ان حب الشرف والذكر لا يكونان في قلب الخائف الراهب. (همان، ح ۷).

۴. انه ليس من عبد مؤمن الا [و] في قلبه نوران: نور خفية، ونور رجاء لو وزن هذا لم يزد على هذا ولو وزن هذا لم يزد على هذا. (همان، ح ۱).



پشیمانی از گناه

(۱) امام باقر(ع) فرمود: پشیمان بودن برای توبه کردن کافی است.^۱

(۲) امیرالمؤمنین(ع) فرمود: همانا پشیمانی از گناه و بدی، انسان را به ترك آن وامی دارد.^۲

(۳) امام صادق(ع) فرمود: هیچ بنده ای نیست که گناهی کند و از آن پشیمان گردد، جز اینکه پیش از آنکه طلب آمرزش کند، خدا گناهش را بیامزد.^۳

(۴) امام صادق(ع) فرمود: همانا مرد [گاهی] گناه کند و خدا به وسیله آن، او را به بهشت برد؛ عرض شد: خداوند به سبب گناه او را به بهشت برد؟ فرمود: آری، هر آینه او گناهی می کند و پیوسته از آن

۱. کفی بالندم توبة. (باب الاعتراف بالذنوب والندم علیها، ح ۱).

۲. ان الندم علی الشر یدعو الی تركه. (همان، ح ۷).

۳. ما من عبد اذنب ذنباً فندم علیه الا غفرالله له قبل ان یتغفر. (همان، ح ۸).

ترسان و برخود خشمناك است، پس خداوند به او ترحم می کند و او را به بهشت می برد.^۱

پنهان داشتن راز

(۱) امام صادق(ع) فرمود: شما بر آیینی هستید که هر کس آن را [از مخالفان و دشمنان] پوشیده دارد خدا عزیزش کند، و هر که آن را فاش سازد، خداوند او را خوار و بی مقدار نماید.^۲

(۲) امام صادق(ع) فرمود: به دوش کشیدن و عهده دار شدن امر ما تنها به تصدیق و پذیرفتن آن نیست، از جمله تحمل امر ما، پنهان و پوشیده داشتن آن از نا اهلش است، پس به شیعیان ما سلام برسان.^۳

(۳) امام باقر(ع) فرمود: به خدا سوگند! محبوب ترین اصحابم نزد من کسی است که پرهیزکارتر و فقیه تر است و حدیث ما را پوشیده تر می دارد.^۴

(۴) امام صادق(ع) فرمود: همانا امر ما پوشیده و در پرده میثاق

۱. ان الرجل لیذنب الذنب فیدخله الله به الجنة قلت یدخله الله بالذنب الجنة؟ قال نعم انه لیذنب فلا یزال منه خائفاً ماقتاً لنفسه فیرحمه الله فیدخله الجنة. (همان، ح ۳).

۲. انکم علی دین من کتمه اعزه الله ومن اذاعه اذله الله. (باب الکتمان، ح ۳).

۳. انه لیس من احتمال امرنا بالتصدیق له والقبول فقط من احتمال امرنا ستره وصیانتیه من غیر اهله فافقرهم السلام. (همان، ح ۵).

۴. والله ان احب اصحابی الی اورعهم وافقههم واکتمهم لحديثنا. (همان، ح ۷).

[الهی] است (همان پیمانی که خدا و پیغمبر و ائمه - صلوات الله علیهم - از مردم گرفته‌اند که راز ما را از نااهل نهان دارند) پس هر که آن پرده را علیه ما بدرد، خدا خوار و بی مقدارش سازد.^۱

۱. ان امرنا مستور مقتع بالميثاق فمن هتك علينا اذله الله. (همان، ح ۱۵).



تعجیل در خیر

- (۱) امام باقر(ع) فرمود: چون اراده کار خیری کردی، بشتاب، زیرا نمی دانی چه پیش می آید.^۱
- (۲) رسول خدا(ص) فرمود: همانا خداوند کارهای خیری را که زود انجام شود، دوست دارد.^۲
- (۳) امام صادق(ع) فرمود: هرگاه یکی از شما آهنگ کار خیر یا رساندن نفعی به دیگری کرد، دو شیطان در جانب راست و چپ او باشند، پس باید بشتابد که او را از آن باز ندارند.^۳

۱. اذا همت بخیر فبادر فانك لاتدری ما یحدث. (باب تعجیل فعل الخیر، ح ۳).

۲. ان الله یحب من الخیر ما یعجل. (همان، ح ۴).

۳. اذا هم احدکم بخیر او صلة فان عن یمینه و شماله شیطانین فلیبادر لایکفاه عن ذلك.

(همان، ح ۸).

تعصب

(۱) امام صادق(ع) فرمود: کسی که تعصب ورزد یا برایش تعصب ورزند (در صورتی که به آن راضی باشد) رشته ایمان را از گردش خویش باز کرده است.^۱

(۲) رسول خدا(ص) فرمود: هر که در دلش به اندازه دانه خردلی عصبیت باشد، خدا او را روز قیامت با اعراب جاهلیت مبعوث کند.^۲

(۳) امام صادق(ع) فرمود: هر که تعصب کند خداوند دستمالی آتشین به سر او بندد.^۳

(۴) امام سجاد(ع) فرمود: عصبیتی که صاحبش به سبب آن گنهکار است، این است که کسی تبهکاران قوم خود را از نیکان قوم دیگر بهتر داند، ولی اگر کسی قوم خود بدان را دوست داشته باشد، این عصبیت نیست، عصبیت آن است که قوم خویش را بر ظلم و ستم یاری کند.^۴

۱. من تعصب او تعصب له فقد خلع ربة الايمان من عنقه. (باب العصبية، ح ۱).

۲. من كان في قلبه حبة من خردل من عصبية بعثه الله يوم القيامة مع اعراب الجاهلية. (همان، ح ۳).

۳. من تعصب عصبه الله بعصاة من نار (همان، ح ۴).

۴. العصبية التي يائم عليها صاحبها ان يرى الرجل شرار قومه خيراً من خيار قوم آخرين وليس من العصبية ان يحب الرجل قومه ولكن من العصبية ان يعين قومه على الظلم. (همان، ح ۷).

تفکر کردن

(۱) امیرالمؤمنین (ع) فرمود: با تفکر دل خود را بیدار ساز و در شب، پهلوی از بستر خواب تهی کن، و از خدا و پروردگارت پروا پیشه کن.^۱

(۲) امام صادق (ع) فرمود: بهترین عبادت، همواره اندیشیدن درباره خدا و قدرت اوست.^۲

شرح: با توجه به این که اسلام، افراد را از تفکر در ذات و حقیقت خداوند نهی می کند، مقصود از اندیشیدن درباره خدا، تفکر در افعال بدیع و آثار شگفت انگیز صنع او و تأمل در اسرار نظام آفرینش است؛ چرا که با اندیشیدن در خلقت بشر از مشتی خاک می توان به عظمت و قدرت حق تعالی پی برد و دریافت که خلقت این دستگاه عظیم هستی یاه و بیهوده نیست و هدف بزرگی را تعقیب می کند و خداوند متعال همان گونه که بر آفرینش کائنات از عدم توانایی دارد، بر بعث و حشر آن ها در قیامت نیز تواناست.

علت نهی از تفکر در ذات و حقیقت باری تعالی نیز، آن است که خداوند متعال از گنجایش فکر و فهم بشر خارج است و انسان نمی تواند بر او احاطه علمی بیابد و تفکر در ذات خداوند، به جز سرگردانی و

۱. نه بالتفکر قلبك وجاف عن الليل جنبك واتق الله ربك. (باب التفکر، ح ۱).

۲. افضل العبادة ادمان التفکر فی الله وفي قدرته. (همان، ح ۳).

حیرت ثمری ندارد.

- (۳) امام رضا(ع) فرمود: عبادت به نماز و روزه بسیار نیست، همانا عبادت اندیشیدن در امر خداست.^۱
- (۴) امیرالمؤمنین(ع) فرمود: اندیشیدن انسان را به نیکی و انجام دادن آن فرامی‌خواند.^۲

تقوا

- (۱) امام باقر(ع) فرمود: مذاهب مختلف شما را از راه به در نبرد، به خدا سوگند که شیعه ما نیست، جز آنکه خدا را اطاعت کند.^۳
- شرح: در زمان امام باقر(ع)، بدعت‌گزاران و دین‌سازان گمراه، عقاید و افکار باطلی در میان مسلمین انتشار می‌دادند، که نمونه‌ای از آنها در روزگار ما هم در میان عوام دیده می‌شود، مانند عقیده به اینکه تنها قبول تشیع یا محبت امیرالمؤمنین - علیه السلام - یا امیدواری به خدا یا گریه برای امام حسین - علیه السلام - بدون هیچ طاعت و عبادت دیگر موجب سعادت و نجات است، امام باقر - علیه السلام - با یک جمله کوتاه، تمام رشته‌های این قبیل اوهام و خرافات را بر باد داده، شیعیان

۱. ليس العبادة كثرة الصلوة والصوم انما العبادة التفكير في امر الله عزوجل (همان، ح ۴).

۲. [ان] التفكير يدعوا الى البر والعمل به. (همان، ح ۵).

۳. لا تذهب بكم المذاهب فوالله ما شيعتنا الا من اطاع الله عزوجل. (باب الطاعة والتقوى،

خود را بیدار و هوشیار می کند و شاهراه حقیقت را پیش پای آنها می گذارد و می فرماید: افکار و عقاید باطل شما را منحرف نسازد، بدانید یگانه راه سعادت و نجات اطاعت خداست و بس. دیگر احادیث این بخش نیز شاهد بر این مدعاست.

(۲) امام باقر(ع) فرمود: خدا با هیچکس خویشی ندارد، محبوب ترین بندگان خدا و گرامی ترینشان نزد او با تقواترین و مطیع ترین آنهاست.^۱

و فرمود: هر که مطیع خدا باشد، دوست ما و هر که نافرمانی خدا کند، دشمن ماست، ولایت ما جز با عمل کردن و پارسایی ورزیدن به دست نیاید.

(۳) امیر المؤمنین(ع) می فرمود: عملی که با تقوا همراه باشد، کم نیست، چگونه عمل پذیرفته شده [دردرگاه الهی] کم باشد؟ (با آنکه خدای تعالی فرماید: «انما يتقبل الله من المتقين»، خدا فقط عمل مردم با تقوا را می پذیرد).^۲

تقیه

(۱) امام باقر(ع) فرمود: تقیه از دین من و دین پدرانم می باشد، و

۱. ليس بين الله وبين احد قرابة، احب العباد الى الله عزوجل [واكرمهم عليه] اتقاهم واعملهم بطاعته... من كان لله مطيعاً فهو لنا ولي ومن كان لله عاصياً فهو لنا عدو ما تنال ولايتنا الا بالعمل والورع. (همان، ح ۳).

۲. لا يقل عمل مع تقوى وكيف يقل ما يتقبل (همان، ح ۵).

کسی که تقیه ندارد ایمان ندارد.^۱

(۲) امام باقر(ع) فرمود: تقیه مربوط به موارد ضرورت است و تقیه کننده خود داناتر است که چه زمانی ضرورت پیش می‌آید.^۲

(۳) امام باقر(ع) می‌فرمود: چه چیز بهتر از تقیه چشم‌را روشن می‌کند؟ تقیه سپر مؤمن است.^۳

(۴) امام باقر(ع) فرمود: تقیه تنها برای جلوگیری از خونریزی وضع شده، پس هرگاه کار به خونریزی کشد، تقیه نباشد.^۴

(۵) امام صادق(ع) فرمود: هر چه این امر [ظهور امام قائم(ع)] نزدیک تر شود تقیه شدیدتر شود. [زیرا بدعت و ستم توسعه یابد و اظهار حق دشوارتر شود].^۵

(۶) امام صادق(ع) فرمود: تقیه سپری است خدایی میان او و مخلوقش.^۶

(۷) امام باقر(ع) فرمود: هرگاه [شیوه] فرمانروایی و حکومت، کودکانه [و از روی هوا و هوس] باشد با مردم در ظاهر معاشرت کنید و در باطن مخالف آنها باشید.^۷

۱. التقیة من دینی و دین آبائی ولا ایمان لمن لا تقیة له. (باب التقیة، ح ۱۲).

۲. التقیة فی کل ضرورة و صاحبها اعلم بها حین تنزل به. (همان، ح ۱۳).

۳. وای شیء اقر لعینی من التقیة ان التقیة جنة المؤمن. (همان، ح ۱۴).

۴. انما جعلت التقیة لیحقن بها الدم فاذا بلغ الدم فلیس تقیة (همان، ح ۱۶).

۵. کلماتقارب هذا الامر کان اشد للتقیة (همان، ح ۱۷).

۶. التقیة تُرْسُ الله بینہ و بین خلقه. (همان، ح ۱۹).

۷. خالطوهم بالبرائیة و خالفوهم بالجوانیة اذا كانت الامرۃ صبیانیة. (همان، ح ۲۰).

تکبر و برتری جویی

(۱) از امام صادق (ع) سؤال شد: کمترین درجه الحاد چیست؟

فرمود: کمترین درجه آن کبر است.^۱

(۲) امام باقر (ع) فرمود: عزت روپوش خدا و بزرگ منشی زیرپوش

خداست، پس هر کس به یکی از آنها دست درازی کند، خداوند در دوزخ سرنگونش کند.^۲

شرح: روپوش و زیرپوش استعاره است برای اختصاص عزت و

بزرگ منشی به خدای تعالی، چنان که روپوش و زیرپوش هر کسی مختص به خود اوست.

(۳) امام باقر (ع) فرمود: بزرگ منشی روپوش خداست و متکبر با

خدا منازعه می کند.^۳

(۴) امام صادق (ع) فرمود: هر که به سنگینی ذره ای تکبر در دل خود

داشته باشد، داخل بهشت نشود.^۴

(۵) امام باقر و امام صادق (ع) فرمودند: متکبران (در روز قیامت) به

صورت مور درآیند، و مردم آنها را پایمال کنند تا آن گاه که خدا از حساب

۱. سالت ابا عبدالله (ع) عن ادنی الاحاد، فقال: ان الکبر ادناه (باب الکبر، ح ۱).

۲. العز رداء الله والکبر ازاره فمن تناول شیئاً منه اکبه الله فی جهنم. (همان، ح ۳).

۳. الکبر رداء الله والمتکبر ینازع الله رداءه. (همان، ح ۴).

۴. لا یدخل الجنة من فی قلبه مثقال ذرة من کبر. (همان، ح ۶).

آنها فارغ شود.^۱

(۶) امام صادق (ع) فرمود: هیچ کس لاف بزرگی نزند، جز به سبب ذلتی که در خود می‌بیند.^۲

تواضع و فروتنی

(۱) امام صادق (ع) می‌فرمود: همانا دو فرشته در آسمان بر بندگان گماشته شده‌اند، که هر کس برای خدا تواضع کند، او را بالا برند و هر که تکبر کند خوار و بی‌مقدارش کنند.^۳

(۲) امام صادق (ع) فرمود: از تواضع این است که از نشستن در پایین مجلس راضی باشی و به هر که برخوردی سلام کنی و مجادله را ترك کنی، اگر چه حق با تو باشد، و دوست نداشته باشی که تو را به تقوا بستانند.^۴

(۳) امام صادق (ع) فرمود: در آنچه خدای عزوجل به داوود (ع) وحی فرمود، این بود: «ای داوود چنان که نزدیکترین مردم به خدا

۱. ان المتكبرين يجعلون في صور الذر يتوطاهم الناس حتى يفرغ الله من الحساب. (همان، ح ۱۱).

۲. ما من رجل تكبر او تجبر الا للذلة وجدها في نفسه. (همان، ح ۱۷).

۳. ان في السماء ملكين موكلين بالعباد، فمن تواضع لله رفعا ومن تكبر وضعاه (باب التواضع، ح ۲).

۴. من التواضع ان ترضى بالمجلس دون المجلس وان تسلم على من تلقى وان ترك المرأة وان كنت محقا وان لا تحب ان محمد على التقوى. (همان، ح ۶).

متواضعانند، دورترین مردم از خدا هم متکبرانند.^۱
(۴) امام رضا(ع) فرمود: تواضع آن است که به مردم عطا کنی آنچه را که دوست داری به تو عطا کنند.^۲

توبه

* (۱) حضرت باقر(ع) فرمود: توبه کننده از گناه همانند کسی است که گناه ندارد.^۳

(۲) حضرت صادق(ع) فرمود: همانا خداوند از توبه بنده مؤمنش شاد شود، چنانچه یکی از شما به گمشده خود که آن را پیدا کرده شاد گردد.^۴

(۳) حضرت صادق(ع) فرمود: همانا خداوند دوست دارد بنده ای که در فتنه [گناه] افتد و بسیار توبه کند و هر که این گونه نباشد [البته] بهتر است. (یعنی آن کس که خود را به گناه آلوده نکرده بهتر است از آنکه گناه کند و پس از آن توبه نماید).^۵

(۴) ابوالصباح کنانی گوید: از حضرت صادق(ع) درباره گفتار

۱. فیما اوحی الله عزوجل إلى داود(ع) یا داود کما ان اقرب الناس من الله المتواضعون كذلك ابعد الناس من الله المتکبرون. (همان، ح ۱۱).

۲. التواضع ان تعطی الناس من تحب ان تعطاء. (همان، ح ۱۳).

۳. التائب من الذنب کمن لا ذنب له. (باب التوبة، ح ۱۰).

۴. ان الله عزوجل یفرح بتوبة عبده المؤمن اذا تاب کما یفرح احدکم بضالته اذا وجدها. (همان، ح ۱۳).

۵. ان الله یحب العبد الفتن التواب ومن لم یکن ذلك منه کان افضل. (همان، ح ۹).

خدای «ای آنان که ایمان آورده‌اید، توبه کنید به سوی خدا توبه نصوح»
 پرسیدم، فرمود: یعنی بنده از گناه توبه کند و دیگر به آن باز نگردد.^۱
 (۵) امام باقر(ع) یا امام صادق(ع) درباره گفتار خدای متعال: «و آن
 کس که به او اندرزی از جانب پروردگارش بیاید»، فرمود: [مقصود از]
 اندرز و موعظه در این آیه توبه است.^۲
 (۶) حضرت باقر(ع) فرمود: همین که جان به اینجا رسید - و به
 گلولی خود اشاره فرمود - برای عالم و دانا توبه نباشد و برای نادان وقت
 توبه [باقی] است.^۳

توحید

(۱) زرارۀ گوید: از امام صادق(ع) درباره فرمودۀ خدای عزوجل:
 «فطرت الہی کہ مردم را بر آن آفریده است» پرسیدم، فرمود: [خداوند]
 همه را بر یگانه پرستی آفرید.^۴
 (۲) رسول خدا(ص) فرماید: هر نوزادی بر همین فطرت متولد

۱. سألت ابا عبد الله(ع) عن قول الله عزوجل «يا ايها الذين آمنوا توبوا الى الله توبة نصوحاً» قال:
 يتوب العبد من الذنب ثم لا يعود فيه. (همان، ح ۳).

۲. عن احدهما في قول الله عزوجل: «فمن جاءه موعظة من ربه فانتهى فله ما سلف» قال: الموعظة
 التوبة. (همان، ح ۲).

۳. اذا بلغت النفس هذه - واهوى بيسده الى حلقه - لم يكن للعالم توبة وكانت للجاهل توبة.
 (باب فيما اعطى الله عزوجل آدم(ع) وقت التوبة، ح ۳).

۴. سألت ابا عبد الله(ع) عن قول الله عزوجل «فطرة الله التي فطر الناس عليها» قال(ع): فطرهم
 جميعاً على التوحيد. (باب فطرة الخلق على التوحيد، ح ۳).

می شود؛ یعنی، خدای عزوجل را خالق خود می داند. همچنین است قول خدای تعالی: «اگر از آنها پرسی آسمانها و زمین را که آفریده؟ خواهند گفت: خدا».^۱

توکل

(۱) امام صادق (ع) فرمود: بی نیازی و عزت [به این سو و آن سو] در گردشند، پس چون به محل توکل برسند وطن گیرند.^۲
(۲) امام صادق (ع) فرمود: و هر که به خدا پناهنده گردد، خداوند او را پناه دهد.^۳

و فرمود: به هر که توکل دادند، بی نیازی و بندگی دادند.
(۳) امام صادق (ع) فرمود: خدا می فرماید: هر یک از بندگانم که بدون توجه به هیچ یک از مخلوقاتم به من پناهنده شود و من آن را از نیت او دریابم، حتی اگر آسمانها و زمین و هر چه در آنهاست آهنگ فریب و نیرنگ او را بکنند، من از میان آنها راه چاره ای برایش فراهم می آورم.^۴

۱. کل مولود یولد علی الفطرة یعنی المعرفة بان الله عزوجل خالقه كذلك قوله «ولئن سألتهم من خلق السموات والارض ليقولن الله». (همان، ح ۴).

۲. ان الغنى والعز یجولان فاذا ظفرا بموضع التوکل اوطنا. (باب التفویض الى الله والتوکل علیه، ح ۳).

۳. من اعتصم بالله عصمه الله. قال: من اعطى التوکل اعطى الکفاية (همان، ح ۴ و ۶).

۴. اوحى الله عزوجل الى داود (ع) ما اعتصم به عبد من عبادى دون احد من خلقى عرفت ذلك من نيته ثم تكبده السموات والارض ومن فيهن الا جعلت له المخرج من بينهن. (همان، ح ۱).

تهمت زدن و گمان بد بردن به برادر دینی

- (۱) حضرت صادق (ع) فرمود: همین که مؤمن به برادر [دینی] خود تهمت زند، ایمان از دلش زدوده شود، چون نمک در آب.^۱
- (۲) حضرت صادق (ع) می‌فرمود: هر کس به برادر دینی خود تهمت زند، احترامی میان آن دو به جا نماند.^۲
- (۳) امیرالمؤمنین (ع) فرمود: کار برادر دینی خود را به بهترین وجه آن حمل کن، تا آن گاه که کاری کند و راه توجیه را بر تو ببندد، و هیچ گاه به سخنی که از دهان برادرت بیرون آید، گمان بدمیر، در صورتی که برای آن سخن محمل خوبی می‌یابی.^۳
- شرح: مقصود این است که هرگاه گفتاری یا کرداری از برادر دینی سرزند که دارای دووجه است: یکی نیک و یکی بد، باید تا آنجا که مقدور انسان است، آن را بوجه نیک حمل کند، گرچه احتمال طرف دیگر را هم بدهد و تجسس و واریسی کردن هم جایز نیست و خداوند از آن نهی فرموده، مگر آن که راهی بر توجیه نیکوی آن به دست نیاوری.

۱. اذا اتهم المؤمن أخاه اثماً الايمان من قلبه كما ينمات الملح في الماء. (باب التهمة وسوء الظن، ح ۱).

۲. من اتهم أخاه في دينه فلا حرمة بينهما. (همان، ح ۲).

۳. ضع امر أخيك على أحسنه حتى يأتيك ما يغلبك منه ولا تظن بكلمة خرجت من أخيك سوءاً وانت تجد لها في الخير محملاً. (همان، ح ۳).



حسد

(۱) امام صادق (ع) فرمود: حسد ایمان را می خورد، چنانکه آتش هیزم را می خورد.^۱

(۲) رسول خدا (ص) فرمود: نزدیک است که حسد، بر [قضا و] قدر غلبه کند.^۲

(۳) امام صادق (ع) فرمود: آفت دین حسد است.^۳

(۴) امام صادق (ع) فرمود: مؤمن غبطه برد و حسد نبرد، ولی منافق حسد برد و غبطه نبرد.^۴

شرح: حسد آن است که نعمتی را که خدا به برادر دینی تو داده، برای

۱. ان الحسد یاکل الایمان کما تأکل النار الحطب. (باب الحسد، ح ۲).

۲. کاد الحسد ان یغلب القدر. (همان، ح ۴).

۳. آفة الدین الحسد. (همان، ح ۵).

۴. ان المؤمن یغبط ولا یحسد و المنافق یحسد ولا یغبط. (همان، ح ۷).

او نخواهی و از آن رنج ببری و آرزوی زوال آن را داشته باشی، چه مشابه آن نعمت به تو برسد و چه نرسد؛ ولی غبطه آن است که با نعمت او کاری نداشته باشی، و آرزو کنی که خودت هم نظیر آن نعمت را داشته باشی؛ حسد از نظر عقل و شرع مذموم و ناپسند است؛ زیرا حسد بیماری دل است و بدخواهی برادر مسلمان و ناراحتی از لطف و نعمت یزدان و اعتراض بر عدالت خدای تعالی و نظام احسن او و این ناراحتی چه بسا که موجب رنجوری و اختلال حواس و بیماری روحی حسود می‌شود، پس حسود دشمن جان خویشتن است؛ ولی غبطه و رقابت، ممدوح و مستحسن است و در آیات شریفه و اخبار و احادیث، گاهی از آن به مسابقه و گاهی به تنافس تعبیر شده است مانند آیه: «وفی ذلک فلیتنافس المتنافسون».

حسن ظن

(۱) رسول خدا(ص) فرمود: سوگند به خدایی که جز او شایسته پرستش نیست، هرگز به هیچ مؤمنی خیر دنیا و آخرت داده نشد، جز به سبب خوش بینی اش به خدا و امیدواری اش به او، و فرمود به خدایی که جز او شایان پرستش نیست، گمان هیچ بنده‌ای نسبت به خدا نیکو نشود، جز این که خدا همراه گمان بنده مؤمن خود باشد (هرگونه به او گمان برد، خدا با او رفتار کند) زیرا خدا کریم است و همه خیرات به دست اوست، او حیا می‌کند از اینکه بنده مؤمنش بدو گمان نیک برد و او

خلاف گمان و امید بنده رفتار کند، پس به خدا خوش بین باشید و به سویش رغبت کنید.^۱

(۲) امام صادق (ع) فرمود: حسن ظن به خدا این است که به غیر خدا امیدوار نباشی و جز از گناهانت نترسی.^۲

حق مؤمن بر برادرش و ادای آن

(۱) امام صادق (ع) فرمود: خدا به چیزی بهتر از اداء حق مؤمن عبادت نشود.^۳

(۲) امام باقر (ع) فرمود: از حق مؤمن بر برادر مؤمنش این است که گرسنگی او را سیر کند و عورتش را بپوشاند و از گرفتاری اش نجات بخشد و بدهی اش را بپردازد و چون بمیرد در میان خانواده و فرزندان او را جانشینی کند.^۴

(۳) امام صادق (ع) فرمود: از حق مؤمن بر مؤمن دوستی قلبی اوست و مواسات مالی و این که به جای او از خانواده اش سر پرستی کند

۱. والذی لا اله الا هو ما اعطى مؤمن قط خیر الدنیا والاخرة الا بحسن ظنه بالله ورجائه له ... والذی لا اله الا هو لا یحسن ظن عبده مؤمن بالله الا کان الله عند ظن عبده المؤمن لان الله کریم بیده الخیرات یتحبی ان یکون عبده المؤمن قد احسن به الظن ثم یخلف ظنه ورجائه فاحسنوا بالله الظن وارغبوا الیه . (باب حسن الظن بالله عزوجل ، ح ۲) .

۲. حسن الظن بالله ان لا ترجو الا الله ولا تخاف الا ذنبک . (همان ، ح ۴) .

۳. ما عبد الله بشئ افضل من اداء حق المؤمن . (باب حق المؤمن علی اخیه واداء حقه ، ح ۴) .

۴. من حق المؤمن علی اخیه المؤمن ان یشبع جوعته ویواری عورته ویفرج عنه کریمه ویقضى دینه فاذا مات خلفه فی اهله وولده . (همان ، ح ۱) .

و در برابر کسی که به او ستم کند یاری اش کند.^۱

حق همسایگی

(۱) رسول خدا(ص) فرمود: همسایه مانند خود انسان است که نه زیان به او رسد و نه گناهکار شود و احترام همسایه مانند احترام مادر است.^۲

(۲) امام صادق(ع) فرمود: خوش رفتاری با همسایه روزی را زیاد می‌کند.^۳

(۳) امام صادق(ع) فرمود: خوش رفتاری با همسایه در عمرها بیفزاید و خانه‌ها را آباد کند.^۴

(۴) امام موسی بن جعفر(ع) فرمود: خوش رفتاری با همسایه تنها این نیست که از آزار همسایه خودداری کنی، بلکه شکیبایی بر آزار اوست.^۵

(۵) امام صادق(ع) فرمود: بدانید کسی که با همسایه‌اش خوش رفتاری نکند از ما نیست.^۶

(۶) امام صادق(ع) می‌فرمود: مؤمن کسی است که همسایه‌اش از

۱. ان من حق المؤمن على المؤمن المودة له في صدره والمواساة له في ماله والخلف له في اهله والنصرة له على من ظلمه. (همان، ح ۷).

۲. ان الجار كالنفس غير مضار ولا آثم وحرمة الجار كحرمة امه. (باب حق الجوار، ح ۲).

۳. حسن الجوار يزيد في الرزق. (همان، ح ۳).

۴. حسن الجوار يعمر الديار ويزيد في الاعمار. (همان، ح ۸).

۵. ليس حسن الجوار كف الاذى ولكن حسن الجوار صبرك على الاذى. (همان، ح ۹).

۶. اعلموا انه ليس منا من لم يحسن مجاورة من جاوره (همان، ح ۱۱).

ستم و آزار او آسوده باشد.^۱

(۷) رسول خدا(ص) فرموده: هر چهل خانه همسایه باشند، از برابر، و از پشت سر، و از راست و چپ (یعنی از چهار طرف تا چهل خانه همسایه هستند).^۲

حلم و خویشتن داری

(۱) امام سجّاد(ع) فرمود: من مردی را دوست دارم که هنگام غضب، بردباری اش او را دریابد.^۳

(۲) امام صادق(ع) فرمود: بردباری برای یاری [مرد بردبار] کافی است و فرمود: اگر بردبار نیستی، خود را به بردباری وادار.^۴

* (۳) امام باقر(ع) فرمود: خداوند شخص با حیای خویشتن دار و پاکدامن و پاکی جو را دوست دارد.^۵

حیا

(۱) امام صادق(ع) فرمود: حیا از ایمان است و جایگاه ایمان

۱. المؤمن من آمن جاره بوائقه (ای ظلمه و غشمه). (همان، ح ۱۲).

۲. کل اربعین دارا جیران: من بین بدیه و من خلفه و عن یمنه و عن شماله. (باب حد الجوار، ح ۱).

۳. انه لیعجبنی الرجل ان یدرکه حلمه عند غضبه. (باب الحلم، ح ۳).

۴. کفی بالحلم ناصراً و قال اذا لم تکن حلیماً فتحلّم. (همان، ح ۶).

۵. ان الله یحب الحیی الحلیم العقیف المتعفف. (همان، ح ۸).

بهشت است.^۱

(۲) امام باقر یا امام صادق - علیهما السلام - فرمود: حیا و ایمان همراه و همدوش هم هستند و چون یکی از آن دو رفت، دیگری هم در پی آن برود.^۲

(۳) امام صادق (ع) فرمود: کسی که شرم و حیا ندارد، ایمان ندارد.^۳

(۴) رسول خدا (ص) فرمود: حیا دو گونه است: حیای عقل و حیای حماقت، حیای عقل، علم است، و حیای حماقت، نادانی.^۴

(۵) امام صادق (ع) فرمود: هر کس کم رو باشد، کم دانش است (زیرا از پرسیدن شرم می‌کند و مشکلات علمی اش حل نمی‌شود).^۵

۱. الحياء من الايمان والايمان فى الجنة. (باب الحياء، ج ۱).

۲. عن احدهما - عليهما السلام - الحياء والايمان مقرونان فى قرن فاذا ذهب احدهما تبعه صاحبه. (همان، ح ۴).

۳. لا ايمان لمن لا حياء له. (همان، ح ۵).

۴. الحياء حيائان حياء عقل و حياء حمق، فحياء العقل هو العلم و حياء الحمق هو الجهل. (همان، ح ۶).

۵. من رق وجهه رق علمه. (همان، ح ۳).



خاموشی و حفظ زبان

(۱) امام رضا(ع) فرمود: همانا خاموشی یکی از درهای حکمت است؛ همانا خاموشی محبت می آورد و راهنمای هرامر خیری می باشد (زیرا انسان با تفکر به هر خیری می رسد و خاموشی زمینه بسیار خوبی برای تفکر است).^۱

(۲) امام باقر(ع) فرمود: شیعیان ما بی زبانند (کم گوی و گزیده گویند).^۲

(۳) رسول خدا(ص) فرمود: زیانت را جز از خیر، خاموش دار.^۳

(۴) رسول خدا(ص) فرمود: نجات مؤمن در نگهداشتن زبانش

باشد.^۴

۱. ان الصمت باب من ابواب الحکمة ان الصمت یکسب المحبة انه دلیل علی کل خیر. (باب الصمت وحفظ اللسان، ح ۱).

۲. انما شیعتنا الخرس (همان، ح ۲).

۳. فاصمت لسانک الامن خیر. (همان، ح ۵).

۴. نجات المؤمن [فی] حفظ لسانه. (همان، ح ۹).

- (۵) امام باقر(ع) فرمود: ابوذر - رحمة الله - می گفت: ای دانشجو! همانا این زبان کلید خیر و کلید شر است، پس همچنان که بر طلا و نقره ات مهر می زنی، بر زبانت هم مهر بزن.^۱
- (۶) امام صادق(ع) فرمود: روزی نیست جز آن که هر عضوی از اعضای تن در برابر زبان فروتنی کند و بگوید: تو را به خدا سوگند! مبدا به سبب تو عذاب بینیم.^۲
- (۷) رسول خدا(ص) فرمود: کسی که سخنش را از عملش بشمارد، خطاهایش زیاد شود و عذابش فرا رسد.^۳
- (۸) رسول خدا(ص) فرمود: اگر در چیزی نحسی باشد، در زبان است.^۴
- (۹) رسول خدا(ص) فرمود: هر که سخنش را از کردارش بداند، سخن گفتنش کم شود، مگر درباره آنچه برایش سودمند باشد.^۵

خودبینی و عجب

- (۱) حضرت صادق(ع) فرمود: همانا خدا دانست که ارتکاب گناه

۱. کان ابوذر - رحمه الله - يقول: يا مبتغى العلم ان هذا اللسان مفتاح خير ومفتاح شر فاختم على لسانك كما تختم على ذهبك وورقك. (همان، ح ۱۰).

۲. ما من يوم الا وكل عضو من أعضاء الجسد يكفر اللسان يقول: نشدتك الله ان نعذب فيك. (همان، ح ۱۲).

۳. من لم يحسب كلامه من عمله كثرت خطاياه وحضر عذابه. (همان، ح ۱۵).

۴. ان كان في شيء شؤم ففى اللسان. (همان، ح ۱۷).

۵. من رأى موضع كلامه من عمله قل كلامه الا فيما يعنيه. (همان، ح ۱۹).

حرف «خ» ۶۷۱

برای مؤمن از خودبینی بهتر است و اگر چنین نبود هرگز مؤمنی به گناهی دچار نمی شود.^۱

(۲) حضرت صادق(ع) فرمود: هر که را خودبینی فرا گیرد، هلاک شود.^۲

خوش خلقی

(۱) امام باقر(ع) فرمود: کامل ترین مردم از لحاظ ایمان خوش خلق ترین آنهاست.^۳

(۲) رسول خدا(ص) فرمود: روز قیامت در ترازوی کسی چیزی بهتر از حسن خلق گذاشته نمی شود.^۴

(۳) رسول خدا(ص) فرمود: آن که خلق نیکو دارد پاداش روزه گیر شب زنده دار دارد.^۵

(۴) امام صادق(ع) فرمود: خدای تبارک و تعالی به یکی از پیغمبرانش وحی فرمود: که خوش خلقی گناه را آب می کند، چنان که خورشید یخ را آب می کند.^۶

۱. ان الله علم ان الذنب خیر للمؤمن من العجب ولولا ذلك ما ابتلى مؤمن بذنب ابدا. (باب العجب، ح ۱).

۲. من دخله العجب هلك. (همان، ح ۲).

۳. ان اكمل المؤمنين ايمانا احسنهم خلقا، (باب حسن الخلق، ح ۱).

۴. ما يوضع في ميزان امرئ يوم القيامة افضل من حسن الخلق. (همان، ح ۲).

۵. ان صاحب الخلق الحسن له مثل اجر الصائم القائم. (همان، ح ۵).

۶. اوحى الله تبارك وتعالى الى بعض انبيائه الخلق الحسن يميث الخطيئة كما ميث الشمس الجليلد. (همان، ح ۹).

(۵) امام صادق (ع) فرمود: اخلاق بخششی است که خدای عزوجل به مخلوقش عطا می‌کند و بخشی از آن غریزی و فطری و برخی از آن [وابسته به] نیت [آدمی] است (یعنی با تصمیم و اکتساب و تمرین حاصل می‌شود و غریزه و فطرت ثانوی می‌گردد).^۱

(۶) یکی از اصحاب به امام صادق (ع) عرض کرد: تعریف حسن خلق چیست؟ فرمود: این که فروتنی کنی و خوش سخن باشی و با برادرت با خوشرویی برخورد کنی.^۲

خوش رفتاری با پدر و مادر

(۱) ابوولاد حنّاط (گندم فروش) گوید: از امام صادق (ع) از قول خدای عزوجل: «وبه والدین احسان کنید» (اسراء (۱۷) آیه ۲۳) پرسیدم که این احسان چیست؟

فرمود: احسان این است که به خوشی با آنها یار باشی و آنها را وانداری که آنچه را نیاز دارند از تو بخواهند و اگر چه توانگر باشند (یعنی حوائج آنها را نگفته فراهم کنی) (مگر نیست که خدا - عزوجل - می‌فرماید: «به احسان کردن نرسید تا آنکه از آنچه دوست دارید انفاق کنید» (آل عمران (۳) آیه ۹۲) گوید: سپس امام صادق (ع) فرمود: واما قول خدا - عزوجل - : «اگر چنانچه یکی از آنها یا هر دو نزد تو به دوران پیری

۱. ان الخلق منیحة ینحها الله عزوجل خلقه فممنه سجة وممنه نية. (همان، ح ۱).

۲. قلت له ما حد حسن الخلق قال تلین جناحك وتطیب كلامك وتلقى اهلك ببشر حسن.

(باب حسن البشر، ح ۴).

رسیدند به آنها اف مگو و با آنها درشتی مکن» (اسراء (۱۷) آیه ۲۳) فرمود: یعنی اگر تو را به تنگ آوردند به آنها مگو اف و اگر تو را زدند با آنها درشتی مکن، فرمود: «و به آنها با احترام سخن بگو» فرمود: یعنی اگر تو را زدند به آنها بگو: خدا شما را بیامرزد، این است گفتار کریمانه و محترمانه، فرمود: «از روی مهربانی در برابر آنها زبونی و فروتنی کن» فرمود: یعنی چشم به آنها خیره مکن و جز با مهر و دلسوزی به آنها نگاه مینداز و آواز خود را بر آواز آنها میفراز، و دست بالای دست آنها مدار و بر آنها پیشی مگیر.^۱

(۲) رسول الله - صلی الله علیه وآله - فرمود: پدر و مادرت را فرمان برو به آنها نیکی کن، زنده باشند یا مرده، و اگر دستور دادند که از همسر و دارایی ات دوری گزین، این کار را بکن که از ایمان است.^۲

(۳) مردی از رسول خدا - صلی الله علیه وآله - پرسید: حق پدر بر

۱. عن ابی ولاد الخنات قال: سألت ابا عبد الله (ع) عن قول الله عز وجل: «وبالوالدين احسانا» ما هذا الاحسان؟ فقال: الاحسان ان تحسن صحبتهم وان لا تكلفهما ان يسألاك شيئاً مما يحتاجان اليه وان كانا مستغنيين، اليس يقول الله عز وجل: «لن تنالوا البر حتى تنفقوا مما تحبون».

قال: ثم قال ابو عبد الله (ع): «واما قول الله عز وجل: «اما يبلغن عندك الكبر احدهما او كلاهما فلا تقل لهما اف ولا تنهرهما» قال: ان اضجرأك فلا تقل لهما اف ولا تنهرهما ان ضرباك، قال: «وقل لهما قولاً كريماً» قال: ان ضرباك فقل لهما: غفر الله لكما فذلك منك قول كريم.

قال: «واخفض لهما جناح الذل من الرحمة» قال: لا تملأ عينيك من النظر اليهما الا برحمة ورقة ولا ترفع صوتك فوق اصواتهما ولا يدك فوق ايديهما ولا تقدم قدامهما. (باب البر بالوالدين، ح ۱).

۲. ووالديك فاطمهما وبرهما حين كانا او ميتين و ان امرأك أن تخرج من اهلك ومالك فافعل فان ذلك من الايمان. (همان، ح ۲).

فرزندش چیست؟ فرمود: او را به نامش نخواند و جلوش راه نرود و پیش از او نشیند و باعث دشنام او نشود (کاری نکند که مردم پدرش را دشنام دهند).^۱

(۴) امام صادق (ع) فرمود: چه چیز مانع می‌شود که مردی از شما به پدر و مادرش در حیات و مرگشان نیکی کند: از جانب آنها نماز بخواند و صدقه و حج گذارد و روزه بگیرد، تا آنچه کرده [ثوابش] به ایشان برسد و خود نیز همان را دریافت دارد. تا خداوند به سبب نیکی و صله او خیر فراوانی روزی‌اش کند.^۲

(۵) مردی به امام صادق (ع) عرض کرد: پدر و مادر من مخالف [شیعه] می‌باشند، حضرت فرمود: با آنها خوش رفتاری کن، چنان که با مسلمانهای دوست ما خوش رفتاری می‌کنی.^۳

(۶) امام باقر (ع) فرمود: همان بنده‌ای نسبت به پدر و مادر خویش در زمان حیاتشان نیکوکار است، سپس آنها می‌میرند و او بدهی آنها را نمی‌پردازد و برای آنها آمرزش نمی‌خواهد، لذا خدا او را [نسبت به والدین] عاق و نافرمان محسوب می‌کند و بنده دیگر در زمان حیات پدر و مادر خود عاق آنها است و نسبت به آنها نیکی نمی‌کند، ولی چون

۱. سأل رجل عن رسول الله (ص) ما حق الوالد علی ولده؟ قال لا یسمیه باسمه ولا یمشی بین یدیه ولا یجلس قبله ولا یستسب له. (همان، ح ۵).

۲. ما یمنع الرجل منکم ان یر والدیه حیین ومیتین، یصلی عنهما ویصدق عنهما ویحج عنهما ویصوم عنهما فیکون الذی صنع لهما وله مثل ذلك فیزیده الله عزوجل بیره وصلته خیراً کثیراً. (همان، ح ۷).

۳. رجلاً یقول لابی عبد الله (ع): ان لی ابوین مخالفین فقال (ع) برهما کما تبر المسلمین ممن یتولانا. (همان، ح ۱۴).

درگذشتند، بدهی آنها را می پردازد و برای آنها آمرزش می خواهد و خداوند او را نیکوکار محسوب می نماید.^۱

خیر خواهی برای مؤمنان

(۱) حضرت صادق (ع) فرمود: بر مؤمن واجب است که در حضور و غیاب خیر خواه مؤمن باشد.^۲

(۲) رسول خدا (ص) فرمود: هر مردی از شما باید خیر خواه برادرش باشد، همان گونه که خیر خواه خویشان است.^۳

(۳) رسول خدا (ص) فرمود: بزرگترین مردم از لحاظ مرتبه نزد خدا در روز قیامت کسی است که برای خیر خواهی مردم در زمین، بیشتر دوندگی کند.^۴

(۴) رسول خدا (ص) فرمود: هر که در پی انجام حاجت برادر دینی خود برود، ولی برای او خیر اندیشی نکند، به خدا و رسولش خیانت کرده است.^۵

۱. ان العبد لیكون باراً بوالديه فی حیاتهما ثم بموتان فلا یقضی عنهما دیونهما ولا یستغفر لهما فیکتبه الله عاقاً وانه لیكون عاقاً لهما فی حیاتهما غیر بار بهما فاذا ماتا قضی دینهما واستغفر لهما فیکتبه الله عزوجل باراً. (همان، ح ۲۱).

۲. یجب للمؤمن علی المؤمن النصیحة له فی المشهد والمغیب. (باب نصیحة المؤمن، ح ۲).

۳. لینصح الرجل منکم اخاه کنصیحته لنفسه. (همان، ح ۴).

۴. ان اعظم الناس منزلة عندالله یوم القیامة امشاهم فی ارضه بالنصیحة لخلقه. (همان، ح ۵).

۵. من سعی فی حاجة لایخیه فلم ینصححه فقد خان الله ورسوله. (باب من لم یناصح اخاه المؤمن، ح ۱).

(۵) امام صادق (ع) فرمود: هر که با برادر (دینی) خود مشورت کند؛
و او نظر خالص و بی غرضانه‌ای به او ارائه ندهد، خداوند عقل و تدبیرش
را از او بگیرد.^۱

۱. من استشار أخاه فلم يحضه محض الرأي سلبه الله عز وجل رأيه. (همان، ح ۵).



دروغ گفتن

(۱) امام سجاد (ع) فرمود: از دروغ کوچک و بزرگ - چه جدی و چه شوخی - پرهیزید، زیرا کسی که در چیز کوچک دروغ گفت، به دروغ بزرگ نیز جرأت پیدا کند.^۱

(۲) امام باقر (ع) فرمود: خدا برای بدی قفلهایی قرار داده، و کلیدهای آنها را شراب قرار داده و دروغ بدتر از شراب است.^۲

(۳) امام باقر (ع) فرمود: دروغ ویران کننده ایمان است.^۳

(۴) امام باقر (ع) فرمود: اولین کسی که دروغ را تکذیب کند، خداوند است، سپس دو فرشته که با او هستند، سپس خود شخص که به

۱. اتقوا الکذب الصغیر و الکبیر فی کل جد و هزل فان الرجل اذا کذب فی الصغیر اجترى علی الکبیر. (باب الکذب، ح ۲).

۲. ان الله عزوجل جعل للشر اقفالاً وجعل مفاتيح تلك الاقفال الشراب والکذب شر من الشراب. (همان، ح ۳).

۳. ان الکذب هو خراب الايمان. (همان، ح ۴).

دروغ‌گویی خودواقف است.^۱

دشنام‌گویی

(۱) رسول خدا(ص) فرمود: دشنام‌گوی مؤمن مانند کسی است که در پرتگاه هلاکت است.^۲

(۲) رسول خدا(ص) فرمود: دشنام‌گویی به مؤمن نافرمانی و تبه‌کاری است.^۳

(۳) رسول خدا(ص) فرمود: به مردم دشنام مدهید، تا میان آنان دشمنی ایجاد نشود.^۴

(۴) امام موسی کاظم(ع) فرمود: درباره‌ی دو مردی که به هم دشنام دهند، فرمود: آن که دشنام آغاز کند ستمکارتر است، و گناه او و گناه رفیقش به گردن اوست تا زمانی که از ستم دیده معذرت بخواهد.^۵

(۵) امام باقر(ع) فرمود: لعنت چون از دهان کسی بیرون آید [در هوا] مردد ماند، پس اگر جایی پیدا کرد [در آن قرار گیرد] و گرنه به

۱. ان اول من يكذب الكذاب الله عزوجل ثم الملكان اللذان معه ثم هو يعلم انه كاذب. (همان، ح ۶).

۲. سباب المؤمن كالمشرف على الهلكة. (باب السباب، ح ۱).

۳. سباب المؤمن فسوق. (همان، ح ۲).

۴. لا تسبوا الناس فتكتسبوا العداوة بينهم. (همان، ح ۳).

۵. في رجلين يتسابان قال البادي منهما اظلم ووزره ووزر صاحبه عليه ما لم يعتذر الى المظلوم. (همان، ح ۴).

گوینده برگردد.^۱

(۶) امام باقر(ع) فرمود: هیچ انسانی رو در روی مؤمنی به او طعن نزند، جز این که به بدترین مرگها بمیرد، و سزاوار است، که روی خیر [و سعادت] را نبیند.^۲

دعا

دعا برای برادران دینی در پشت سر آنان

(۱) حضرت باقر(ع) فرمود: دعایی که بیشتر امید استجابت آن می رود و زودتر به اجابت می رسد، دعا در پشت سر برادر دینی است.^۳

(۲) امام صادق(ع) فرمود: دعای انسان در غیاب برادر [دینی] اش روزی را فراوان کند و از [امور] نامطلوب جلوگیری کند.^۴

(۳) امام باقر(ع) فرمود: چیزی نزد خدا بهتر از این نیست که از آنچه نزد اوست از او درخواست شود و کسی نزد خدا مغبوض تر نیست از آن کس که از عبادت او تکبر ورزد [و سرپیچی کند] و از آنچه نزد اوست

۱. ان اللعنة اذا خرجت من في صاحبها ترددت بينهما فان وجدت مساعداً والارجعت على صاحبها. (همان، ح ۷).

۲. ما من انسان يطعن في عين مؤمن الامات بشر ميبة وكان قمنا ان لا يرجع الى خبير. (همان، ح ۹).

۳. او شك دعوة واسرع اجابة دعاء المرء لآخيه بظهر الغيب. (باب الدعاء للاخوان بظهر الغيب، ح ۱).

۴. دعاء المرء لآخيه بظهر الغيب يدر الرزق ويدفع المكروه. (همان، ح ۲).

درخواست نکند.^۱

(۴) حضرت صادق(ع) فرمود: هر که از فضل خدا درخواست نکند، نیازمند و فقیر گردد.^۲

(۵) حضرت صادق(ع) فرمود: پیوسته دعا کنید؛ زیرا به هیچ چیز مانند آن به خدا نزدیک نشوید.^۳

دعا، سلاح مؤمنان

(۶) رسول خدا - صلی الله علیه وآله - فرمود: دعا سلاح مؤمن و ستون دین و نور آسمانهاست.^۴

(۷) امیرالمؤمنین - علیه السلام - فرمود: دعا کلیدهای نجات و گنجینه‌های رستگاری است و بهترین دعا آن دعایی است که از سینه‌ای پاک و دلی پرهیزکار بر آید.^۵

(۸) امیرالمؤمنین - علیه السلام - فرمود: دعا سپر مؤمن است و هرگاه دری را بسیار کوبیدی، به روی تو باز شود.^۶

۱. ما من شيء افضل عند الله عزوجل من ان يسأل ويطلب مما عنده وما احد ابغض الى الله عزوجل ممن يستكبر عن عبادته ولا يسأل ما عنده. (باب فضل الدعاء والحث عليه، ح ۲).

۲. من لم يسأل عزوجل من فضله [فقد] افتقر. (همان، ح ۴).

۳. عليكم بالدعاء فانكم لا تقرّبون بمثله (همان، ح ۶).

۴. الدعاء سلاح المؤمن وعمود الدين ونور السماوات والارض. (باب ان الدعاء سلاح المؤمن، ح ۱).

۵. الدعاء مفاتيح النجاح ومقاليد الفلاح وخير الدعاء ما صدر عن صدر نقي وقلب نقي. (همان، ح ۲).

۶. الدعاء ترس المؤمن ومتى تكثر قرع الباب يفتح لك. (همان، ح ۴).

- (۹) حضرت رضا - علیه السلام - همیشه به اصحاب خود می فرمود: پیوسته ملازم سلاح پیامبران باشید و آن دعاست.^۱
- (۱۰) حضرت صادق - علیه السلام - فرمود: دعا از نیزه نافذتر است.^۲

دعا، دفع کننده بلا و قضا

- (۱۱) حضرت صادق (ع) فرمود: دعا قضایی را که از آسمان نازل گردیده، و به سختی استوار گشته، باز گرداند.^۳
- (۱۲) امام سجاد (ع) فرمود: همانا دعا و بلا تا روز قیامت با هم رفاقت کنند، و همانا دعا، بلایی را که به سختی استوار شده برگرداند.^۴
- (۱۳) امام سجاد (ع) فرمود: دعا، بلا را دفع کند، چه نازل شده باشد و چه نازل نشده باشد.^۵

ثمرات دعا

- (۱۴) حضرت صادق (ع) فرمود: پیوسته دعا کن؛ زیرا درمان هر دردی دعاست.^۶

۱. علیکم سلاح الانبیاء فقیل وما سلاح الانبیاء؟ قال: الدعاء. (همان، ح ۵).
۲. ان الدعاء انفذ من السنان. (همان، ح ۶).
۳. ان الدعاء یرد القضاء وقد نزل من السماء وقد ابرم ابراما. (باب ان الدعاء یرد البلاء والقضاء، ح ۳).
۴. ان الدعاء والبلاء لیترافقان الی یوم القيمة ان دعا لیرد البلاء وقد ابرم ابراما. (همان، ح ۴).
۵. الدعاء یدفع البلاء النازل وما لم ینزل. (همان، ح ۵).
۶. علیک بالدعاء فانه شفاء من کل داء. (باب ان الدعاء شفاء من کل داء، ح ۱).

(۱۵) حضرت صادق(ع) فرمود: دعامخزن و گنجینه اجابت است، چنانچه ابر مخزن باران است.^۱

(۱۶) حضرت صادق(ع) فرمود: دعا در حال راحتی و آسایش، نیازمندیهای زمان گرفتاری را برآورده می‌سازد.^۲

(۱۷) حضرت صادق(ع) فرمود: هر که را خوش آید که دعایش در حال سختی به اجابت برسد، باید در حال راحتی و آسایش بسیار دعا کند.^۳

(۱۸) حضرت صادق(ع) فرمود: هرگاه دعا کردی، گمان کن که حاجتت بر در خانه است.^۴

(۱۹) حضرت صادق(ع) فرمود: خداوند دعایی را که از دل غافل بر آید، اجابت نکند؛ پس هرگاه دعا کردی، از عمق دل دعا کن و یقین داشته باش که اجابت شود.^۵

(۲۰) حضرت صادق(ع) فرمود: همانا چون بنده دعا کند، خداوند پیوسته در پی حاجت او باشد، مادامی که آن بنده شتاب نکند.^۶

(۲۱) حضرت باقر(ع) فرمود: به خدا سوگند هیچ بنده‌ای در

۱. الدعاء كهف الاجابة كما ان السحاب كهف المطر. (باب ان من دعا استجيب له، ح ۱).

۲. ان الدعاء في الرخاء يستخرج الحوائج في البلاء. (باب التقدم في الدعاء، ح ۳).

۳. من سره ان يستجاب له في الشدة فليكثر الدعاء في الرخاء. (همان، ح ۴).

۴. اذا دعوت فظن ان حاجتك بالباب. (باب اليقين في الدعاء، ح ۱).

۵. ان الله عزوجل لا يستجيب دعاء بظهر قلب ساء فاذا دعوت فاقبل بقلبك ثم استيقن بالاجابة (باب الاقبال على الدعاء، ح ۱).

۶. ان العبد اذا دعا لم يزل الله تبارك و تعالى في حاجته ما لم يستعجل. (باب الالاحاق في الدعاء والتلبث، ح ۱).

دعا به درگاه خدا پافشاری و اصرار نکند، جز آن که حاجتش را بر آورد.^۱

(۲۲) حضرت رضا(ع) فرمود: یک دعای بنده در پنهانی، برابر با هفتاد دعای آشکار اوست.^۲

(۲۳) حضرت باقر(ع) فرمود: پدرم هر گاه که به درگاه خداوند حاجتی داشت، در این ساعت آن را می خواست، یعنی اول ظهر (هنگام زوال، که خورشید از میانه آسمان به طرف مغرب متمایل شود).^۳

(۲۴) رسول خدا(ص) فرمود: بهترین وقتی که در آن خدا را بخوانید (و به درگاهش دعا کنید) سحرها است: و این آیه را که درباره گفتار حضرت یعقوب(ع) است تلاوت فرمود: «گفت به زودی برای شما از پروردگار خود آمرزش خواهم» (یوسف «۱۲» آیه ۹۸) فرمود: (دعا کردن برای آنها را) به سحرگاه تأخیر انداخت (و موقوف به وقت سحر کرد).^۴

(۲۵) از حضرت باقر(ع) درباره آیه: «پس فروتن نشدند برای پروردگار خویش و زاری نکردند» (مؤمنون «۲۳» آیه ۷۶) سؤال شد، فرمود: «استکانت» همان فروتنی است، و تضرع، بلند کردن

۱. واللّه لا یبلغ عبد مؤمن علی الله عزوجل فی حاجته الا قضاها له. (همان، ح ۳).

۲. دعوة العبد سرا دعوة واحدة تعدل سبعین دعوة علانية. (باب اخفاء الدعاء، ح ۱).

۳. کان ایی اذا كانت له الى الله حاجة طلبها فی هذه الساعة، یعنی زوال الشمس. (باب الاوقات والحالات التي ترجی فیها الاجابة، ح ۴).

۴. خیر وقت دعوتكم الله عزوجل فيه الاسحار وتلا هذه الآية فی قول یعقوب(ع): «سوف استغفر لكم ربی»، [و] قال اخرهم الى السحر. (همان، ح ۶).

هر دو دست و زاری کردن به دانهاست.^۱

اجتماع برای دعا و عمومیت دادن به آن

(۲۶) حضرت صادق(ع) فرمود: هیچ‌گاه چهار نفر با هم اجتماع نکرده‌اند که برای مطلبی به درگاه خدا دعا کنند، جز این که به اجابت آن دعا از هم جدا شده‌اند.^۲

(۲۷) امام صادق(ع) فرمود: دعا کننده و آمین گو، در مزد و اجر شریکند.^۳

(۲۸) رسول خدا(ص) فرمود: هرگاه یکی از شماها دعا کند، پس آن را عمومیت دهد، (و همه را دعا کند) زیرا که آن به اجابت نزدیک تر است.^۴

(۲۹) به امام صادق(ع) عرض شد: دعای مردی مستجاب می شود و سپس به تأخیر می افتد؟ فرمود: آری تا بیست سال (ممکن است تأخیر افتد).^۵

(۳۰) حضرت صادق(ع) فرمود: میان گفته خدا [که به موسی و

۱. سأل ابا جعفر(ع) عن قول الله عز وجل: «فما استكانوا للربهم وما ينضرعون» قال الاستكانة هي الخضوع والتضرع رفع اليدين والتضرع بهما. (باب الرغبة والرهبة، ح ۶).

۲. ما اجتمع اربعة رهط قط على امر واحد فدعوا [الله] الا تفرقوا عن اجابة. (باب الاجتماع في الدعاء، ح ۲).

۳. الداعي والمؤمن في الاجر شريكان. (همان، ح ۴).

۴. اذا دعا احدكم فليعم فانه اوجب للدعاء. (باب العموم في الدعاء، ح ۱).

۵. قلت لابي عبدالله(ع) يستجاب للرجل الدعاء ثم يؤخر؟ قال: نعم عشرين سنة. (باب من ابطأت عليه الاجابة، ح ۴).

هارون در مقابل دعا برای نابودی فرعون و پیروانش فرمود: [«هر آینه دعای شما به اجابت رسید (یونس «۱۰» آیه ۸۹) تا نابودی فرعون چهل سال طول کشید.^۱»

دل آدمی و حالات آن

(۱) امام صادق (ع) فرمود: به درستی که ساعتی از شب و روز بر دل بگذرد، که نه در آن کفر است و نه ایمان و مانند پارچه ای کهنه است، سپس فرمود: آیا تو در نفس خودت چنین چیزی را درک نکرده ای؟ فرمود: سپس به دست خداست که هر طور بخواهد نقطه ای از کفر یا ایمان بر دل زند.^۲

(۲) امام موسی کاظم (ع) فرمود: خداوند دل‌های مؤمنان را پیچیده و بسته به ایمان آفریده (یعنی مانند نامه لوله کرده و خانه بسته که جز نویسنده نامه و صاحبخانه کسی نداند که چه در آن است) و هنگامی که بخواهد آنچه در آن است بدرخشد، به باران حکمت آبیاری اش کند، و بذر علم در آن بکارد، و زارع و سرپرست آن پروردگار جهانیان است.^۳

۱. کان بین قول الله عزوجل: «قد اجیبت دعوتکما» و بین اخذ فرعون اربعین عاماً. (همان، ح ۵).

۲. ان القلب لیكون الساعة من الليل والنهار ما فيه کفر ولا ایمان کالثوب الخلق، قال ثم قال لی اما تجدد ذلك من نفسك قال ثم تكون النکته من الله فی القلب بما شاء من کفرو ایمان. (باب سهو القلب، ح ۱).

۳. ان الله خلق قلوب المؤمنین مطویه مبهمة علی الايمان فاذا اراد استنارة ما فیها نضحها بالحكمة

(۳) حضرت صادق (ع) فرمود: گاهی مردی را می بینی که در سخنوری در یک لام یا واو خطا نکند و خطیبی زبردست است، ولی دلش از شب تاریک و ظلمانی تاریکتر و سیاهتر است و گاهی مردی را می یابی که نمی تواند آنچه را که در دل دارد به زبان آورد، اما دلش مانند چراغ نورافشانی کند.^۱

(۴) حضرت باقر (ع) فرمود: دلها سه گونه اند: دل وارونه، که هیچ خیری را در خود جا ندهد و آن دل کافر است، و دلی که در آن نقطه سیاهی است، و خوبی و بدی در آن با هم در کشمکش باشند، پس هر کدام از آنها هم سنخ دل باشد بر دیگری چیره گردد، و دلی باز و گشاده که در آن چراغهایی است تابناک و نورش تا روز رستاخیز خاموش نگردد و آن دل مؤمن است.^۲

(۵) حضرت باقر (ع) فرمود: همانا این دلها گاهی سخت شود، و گاهی نرم و هموار گردد.^۳

(۶) حضرت صادق (ع) فرمود: هیچ قلبی نیست جز آنکه دو گوش دارد بر سر یکی از آن دو فرشته ای است راهنما و بر سر دیگری شیطانی

وزرعها بالعلم زارعها والقيم عليها رب العالمين . (همان، ح ۳).

۱. تجرد الرجل يخطيء بلام ولا واو خطيباً مصقعا ولقلبه اشد ظلمة من الليل المظلم وتجد الرجل لا يستطيع بعبر عما في قلبه بلسانه و قلبه يزهر كما يزهر المصباح . (باب في ظلمة قلب المنافق، ح ۱).

۲. القلوب ثلاثة قلب منكوس لا يعي شيئاً من الخير وهو قلب الكافر وقلب فيه نكتة سوداء فالخير والشر فيه يعتلجان فايهما كانت منه غلب عليه وقلب مفتوح فيه مصابيح تزهو ولا يطفأ نوره الى يوم القيامة وهو قلب المؤمن . (همان، ح ۳).

۳. انما هي القلوب مرة تصعب ومرة تسهل . (باب في تنقل احوال القلب، ح ۱).

است فتنه انگیز، این فرمانش دهد و آن بازش دارد، شیطان به گناهان فرمانش دهد، و فرشته از آنها بازش دارد.^۱

(۷) حضرت باقر(ع) فرمود: چیزی تباه کننده تر از گناه برای قلب نیست، قلب مرتکب گناهی می شود و بر آن اصرار می ورزد تا اینکه بر آن سیطره می یابد.^۲

دنیا

(۱) رسول خدا(ص) فرمود: دنیا خانه کسی است که خانه ندارد و آنکه عقل ندارد، برای دنیا جمع می کند.^۳

(۲) امام باقر(ع) فرمود: هر روز فرشته ای ندا در می دهد که: [ای آدمیزاد! به دنیا آی برای مردن و گردآوری کن برای نابودی و بساز برای خرابی].^۴

(۳) رسول خدا(ص) می فرمود: مرا با دنیا چه کار؟ حکایت من و دنیا حکایت سواری است که در روز گرمی درختی برایش به پا شده و او در زیر آن درخت خواب کوتاهی می کند و سپس کوچ می نماید و درخت

۱. ما من قلب الا وله اذنان على احدهما ملك مرشد وعلى الاخرى شيطان مفتن هذا يامرهم وهذا يزجرهم. (باب ان للقلب اذنين، ح ۱).

۲. ما من شيء افسد للقلب من خطيئة ان القلب ليواقع الخطيئة فما تزال به حتى تغلب عليه (باب الذنوب، ح ۱).

۳. الدنيا دار من لا دار له ولها يجمع من لا عقل له. (باب ذم الدنيا، ح ۸).

۴. ملك ينادي كل يوم ابن آدم لد الموت واجمع للفناء وابن للخراب. (همان، ح ۱۴).

را و اومی گذارد.^۱

(۴) امام صادق (ع) فرمود: در کتاب علی - صلوات الله علیه - آمده است که: حکایت دنیا، حکایت مار است، که دست مالیدن به آن بسیار نرم و خوشایند است، در حالی که زهر کشنده‌ای در درون دارد، مرد عاقل از آن پرهیزد، و کودک نادان بدان متمایل گردد.^۲

(۵) امام صادق (ع) فرمود: دنیا مانند آب دریاست که هر چه شخص تشنه از آن بیشتر بیاشامد، تشنگی اش بیشتر شود، تا آنکه او را بکشد.^۳

(۶) امام رضا (ع) فرمود: عیسی بن مریم - صلوات الله علیه - به حواریین گفت: ای بنی اسرائیل! بر آنچه، از دنیا، از دست شما رفت، افسوس مخورید، چنانکه اهل دنیا چون به دنیای خود رسند بر دین از دست داده افسوس نخورند.^۴

دورویی و نفاق

(۱) امام صادق (ع) فرمود: هر که با مسلمان به دو چهره، و دو زبان

۱. مالی وللدنیا انما مثلی ومثلها کمثل الراکب رفعت له شجرة فی یوم صائف فقال تحتها ثم راح وترکها. (همان، ح ۱۹).

۲. ان فی کتاب علی صلوات الله علیه انما مثل الدنیا کمثل الحیة ما الین مسها و فی جوفها السم الناقع یحذرھا الرجل العاقل ویهوی الیها الصبی الجاهل. (همان، ح ۲۲).

۳. مثل الدنیا کمثل ماء البحر كلما شرب منه العطشان ازداد عطشاً حتی یقتله. (همان، ح ۲۴).

۴. قال عیسی بن مریم - صلوات الله علیه - للحواریین: یا بنی اسرائیل لا تأسوا علی ما فاتکم من الدنیا کما لا یأسی اهل الدنیا علی ما فاتهم من دینهم اذا اصابوا دنیاهم. (همان، ح ۲۵).

برخورد کند، روز قیامت در حالی بیاید که برای او دو زبان آتشین باشد.^۱

شرح: مقصود کسانی هستند که برای جلب نفع دنیوی، نزد هر کس مطابق تمایلات او سخن گویند و به اصطلاح معروف نان به نرخ روز خورند، که این کار باعث حق کشی های فراوان می گردد و عین نفاق است.

(۲) حضرت باقر(ع) فرمود: چه بد بنده ای است آن بنده دو رو و دو زبان، که در حضور برادرش او را ستایش کند و در پشت سر او را بخورد [و از او بدگویی کند] اگر دارا شود (و ثروتی به چنگ آورد) بر او رشک برد، و اگر گرفتار شود، دست از یاری او بردارد.^۲

شرح: مقصود از اینکه حضرت فرمود: «در پشت سر او را بخورد» یعنی غیبت او را کند، چنانچه خدای تعالی فرماید: «و غیبت نکند برخی از شما برخی دیگر را؛ آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خویش را بخورد؟ همانا آن را ناخوش دارید. (حجرات «۴۹» آیه ۱۲).

(۳) خدای تبارک و تعالی به عیسی بن مریم فرمود: ای عیسی! باید که زیانت در پنهانی و آشکار یکی باشد، و همچنین قلب تو. همانا من تو را از نفس خودت می ترسانم و همین بس که من [بر حال تو] آگاهم. دو

۱. من لقی المسلمین بوجهین ولسانین جاء یوم القیامة وله لسانان من نار. (باب ذی اللسانین، ح ۱).

۲. بس العبد یكون ذا وجهین وذا لسانین یطری اخاه شاهد ویأکله غائباً ان اعطى حسده وان ابتلی خذله. (همان، ح ۲).

زبان در یک دهان نشاید، و دو شمشیر در یک غلاف نگنجد، و دو دل در یک سینه نباشد، نهاد انسان نیز این چنین است [که دو عقیده مخالف، در یک ذهن نتواند جایگیر شود].^۱

دوری از گناه

- (۱) امام صادق(ع) فرمود: بر شما باد به ورع، زیرا بدانچه نزد خدا هست جز با ورع نتوان رسید.^۲
- (۲) امام صادق(ع) فرمود: کوشش بدون ورع سود نبخشد.^۳
- (۳) امام باقر(ع) فرمود: سخت‌ترین عبادت ورع است.^۴
- (۴) از حضرت صادق(ع) سؤال شد: مرد با ورع کیست؟ فرمود: آنکه از حرامهای خدا دوری گزیند.^۵
- (۵) امام صادق(ع) فرمود: در ضمن آنچه خدای عزوجل با موسی(ع) مناجات فرمود، این بود که فرمود: ای موسی! تقرب جویندگان به چیزی مانند پرهیز از محرماتم، به من تقرب نجسته‌اند؛

۱. قال الله تبارك و تعالی لمیسی بن مریم(ع): یا عیسی لیکن لسانک فی السر والعلانیة لساناً واحداً وكذلك قلبک انی احذرك نفسک وکفی بی خبیراً لا یصلح لسانان فی فم واحد ولا سیفان فی غمد واحد ولا قلبان فی صدر واحد وكذلك الاذهان. (همان، ح ۳).

۲. علیکم بالورع فانه لا ینال ما عند الله الا بالورع. (باب الورع، ح ۳)

۳. لا ینفع اجتهد لا ورع فیه. (همان، ح ۴).

۴. ان اشد العبادۃ الورع، (همان، ح ۵).

۵. سألت ابا عبد الله(ع) عن الورع من الناس فقال الذی یتورع عن محارم الله عزوجل. (همان، ح ۸).

همانا من اقامت در بهشتهای جاودان را به آنها مباح سازم و کس دیگری را در این کار با آنها شریک نگردانم.^۱

دوستی دنیا و حرص بر آن

(۱) حضرت صادق (ع) فرمود: ریشه و سرهر خطا کاری دوستی دنیاست.^۲

توضیح: باید دانست که دنیا و دوستی آن به خودی خود مذموم نیست، آنچه مذموم است دنیایی است که انسان را از کسب کمالات و تحصیل آخرت باز دارد و او را به مهالک اندازد و گرنه وسیلهٔ بسیاری از سعادت‌ها همین دنیا و دوستی آن است، دنیاست که محل نزول فرشتگان رحمت و خانهٔ پیمبران و جای تجارت اولیای خدا بوده (چنانچه امیرالمؤمنین (ع) به آن اشاره فرموده) و روی همین اصل پیمبران و ائمه اطهار از خدای تعالی طول عمر و ماندن در دنیا را طالب بودند، چنانچه در کلام سیدالساجدین (ع) است که از خدا طول عمر می خواهد تا در راه طاعتش صرف نماید و البته چنین دنیایی عین آخرت است، چنانچه در روایت صحیح از ابن ابی یعفور حدیث نقل است که گوید: به حضرت صادق (ع) عرض کردم که ما دنیا را دوست داریم، فرمود: دنیا را برای چه می خواهی؟ عرض کردم: می خواهم به وسیلهٔ آن تزویج کنم و حج به

۱. قال الصادق (ع): فیما ناجی الله عزوجل به موسی (ع): یا موسی ما تقرب الی المتقربون بمثل الورع عن محارمی فانی ابیهم جنات عدن لا اشرك معهم احدا (اجتناب المحارم، ح ۳).

۲. راس کل خطیئة حب الدنيا. (باب حب الدنيا، ح ۱).

جای آورم و برنان خورهای خود انفاق کنم، و به برادران دینی خود برسانم و صدقه بدهم، فرمود: این از دنیا نیست (بلکه) این آخرت است، پس به طور کلی آنچه از اخبار و آیات استفاده می‌شود آن است که اگر دوستی دنیا باعث فراموشی آخرت و تن‌پروری و واگذارن دستورات الهی و حرص بر لذت و شهوت گناهان و امثال اینها باشد، مذموم است، ولی اگر آدمی دنیا را برای درک سعادت و کسب کمالات و آخرت بخواهد، مذموم نیست، بلکه ممدوح است.

(۲) حضرت صادق(ع) فرمود: شیطان پسر آدم را به هر گناه و لغزشی وای می‌دارد، پس چون ناتوان و عاجز شود در کنار مال کمین می‌کند، و چون آدمی بدان جا رسد، گریانش را می‌گیرد.^۱

(۳) رسول خدا(ص) فرمود: درهم و دینار [و دوستی آنها] کسانی را که پیش از شما بودند، هلاک کردند و هلاک‌کننده شما نیز همین دو چیز است.^۲

(۴) امام صادق(ع) فرمود: خداوند دری از دنیا بر بنده نگشاید، جز اینکه همانند آن دری از حرص بر او بگشاید.^۳

(۵) امام صادق(ع) فرمود: دورترین حالی که بنده از خدا دارد، این است که اندوهی جز شکم و غریزه جنسی نداشته باشد.^۴

(۶) و نیز آن حضرت(ع) فرمود: هر که بیشتر به دنیا آلوده است،

۱. ان الشیطان یدیر ابن آدم فی کل شیء فاذا اعیاه چشم له عندالمال فاخذ برقبته. (همان، ح ۴).

۲. ان الدینار والدرهم اهلکا من کان قبلکم وهما مهلکاکم. (همان، ح ۶).

۳. ما فتح الله علی عبد بابا من امرالدنیا الا فتح الله علیه من الحرص مثله. (همان، ح ۱۲).

۴. ابعد ما یکون العبد من الله عزوجل اذا لم یهمه الابطنه وفرجه. (همان، ح ۱۴).

هنگام جدایی از آن حسرت و افسوسش سخت تر است.^۱
(۷) حضرت صادق(ع) می فرماید: هر که به دنیا دل بندد، به سه خصلت دل بسته است، اندوهی که پایان ندارد، و آرزویی که به چنگ نیاید و امیدی که به دان نرسد.^۲

دوستی و دشمنی برای خدا

(۱) امام صادق(ع) فرمود: هر که برای خدا دوستی و دشمنی کند و [از دارایی خود] بخشش نماید، از کسانی است که ایمانش کامل است.^۳

(۲) از امام صادق(ع) سؤال شد: آیا حب و بغض از ایمان است؟ فرمود: مگر ایمان چیزی جز حب و بغض است.^۴

(۳) امام باقر(ع) فرمود: هر گاه خواهی بدانی در تو خیری هست، به قلب خود نظر کن، اگر اهل طاعت خدا را دوست و اهل معصیت خدا را دشمن دارد، در تو خیر است، و خدا هم تو را دوست دارد، و اگر اهل طاعت خدا را دشمن و اهل معصیت خدا را دوست دارد، در تو خیر

۱. من کثر اشتباکه بالدنيا كان اشد حسرة عند فراقها. (همان، ح ۱۶).

۲. من تعلق قلبه بالدنيا تعلق قلبه بثلاث خصال، هم لا يفنى، وامل لا يدرك، ورجاء لا ينال (همان، ح ۱۷).

۳. من احب لله وابغض لله واعطى لله فهو من كمل ايمانه. (باب الحب فى الله، ح ۱).

۴. سألت ابا عبد الله(ع) عن الحب والبغض امن الايمان هو؟ فقال: وهل الايمان الا الحب والبغض. (همان، ح ۵).

نیست و خدا دشمنت دارد و آدمی با کسی [همراه] است که او را دوست می‌دارد.^۱

(۴) امام صادق(ع) فرمود: هر که برای دین دوستی و دشمنی نمی‌کند، دین ندارد.^۲

دیدار برادران

(۱) امام صادق(ع) فرمود: هر که برای خدا از برادرش دیدن کند، خداوند فرماید: مرا دیدن کردی و ثوابت بر من است و به ثوابی جز بهشت برایت خرسند نیستم.^۳

(۲) حضرت صادق(ع) فرمود: به خاطر خدا به دیدار مؤمن رفتن، از آزاد ساختن ده بنده مؤمن بهتر است.^۴

(۳) امیرالمؤمنین(ع) فرمود: دیدار برادران غنیمت بزرگی است، اگر چه اندک باشند [یعنی اگر چه این گونه برادران کمیابند].^۵

۱. اذا اردت ان تعلم ان فيك خيرا فانظر الى قلبك فان كان يحب اهل طاعة الله ويغض اهل معصيته ففبك خير والله يحبك وان كان يبغض اهل طاعة الله ويحب اهل معصيته فليس فيك خير والله يبغضك والمرء مع من احب. (همان، ح ۱۱).

۲. كل من لم يحب على الدين ولم يبغض على الدين فلا دين له. (همان، ح ۱۶).

۳. من زار اخاه في الله قال الله عز وجل: اياي زرت وثوابك علي ولست ارضى لك ثوابا دون الجنة. (باب زيارة الاخوان، ح ۴).

۴. لزيارة المؤمن في الله خير من عتق عشر رقاب مؤمنات. (همان، ح ۱۳).

۵. لقاء الاخوان مغنم جسيم وان قلوا. (همان، ح ۱۶).

دین، عطیهٔ خاص الهی

- (۱) امام باقر(ع) فرمود: همانا خدا دنیا را به کسی که او را دوست می‌دارد و آنکه او را دشمن می‌دارد عطا کند، ولی دینش را جز به آنکه دوستش دارد عطا نکند.^۱
- (۲) امام باقر(ع) فرمود: سلامتی دین و صحت تن، از مال و ثروت بهتر است.^۲

۱. ان الله يعطى الدنيا من يحب ويبغض ولا يعطى دينه الا من يحب . (باب ان الله انما يعطى الدين من يحبه، ح ۲).

۲. سلامة الدين وصحة البدن خير من المال . (باب سلامة الدين، ح ۳).



ذکر خدا

(۱) امام صادق (ع) می فرمود: شیعیان ما آنهایی هستند که هرگاه تنها باشند، بسیار یاد خدا کنند.^۱

(۲) رسول خدا (ص) فرمود: هر که خدا را بسیار یاد کند، خدا او را دوست دارد و هر که خدا را بسیار یاد کند، برای او دو برات [منشور آزادی] نوشته شود: یکی برات نجات از دوزخ و دیگری برات رهایی از نفاق.^۲

(۳) امام صادق (ع) فرمود: هر که خدا را بسیار یاد کند، خداوند او را در بهشتش، در کنف رحمت خود جا دهد.^۳

(۴) نیز فرمود: خداوند فرماید: هر که به سبب یاد من از درخواست

۱. شیعتنا الذین اذا خلوا ذکرُوا اللهَ کثیراً. (باب ذکر الله عزوجل کثیراً، ح ۲).

۲. من اکثر ذکر الله عزوجل احبه الله ومن ذکر الله کثیراً کتبت له براتان: براءة من النار و براءة من النفاق. (همان، ح ۳).

۳. من اکثر ذکر الله عزوجل اظله الله فی جنته. (همان، ح ۵).

چیزی از من غافل شود (به طوری که درخواست خود را فراموش کند)
به او چیزی عطا کنم برتر از آنچه که به درخواست کننده از من عطا
می‌کنم.^۱

(۵) نیز می‌فرمود: خداوند فرموده: هر که مرا در نهانی یاد کند من
او را آشکارا یاد کنم.^۲

۱. ان الله عزوجل يقول: من شغل بذكری عن مسألتی اعطيته افضل ما اعطی من سألنی
(باب الاشتغال بذكر الله عزوجل، ح ۱).

۲. قال الله عزوجل: من ذكرنی سرا ذكرته علانية. (باب ذكر الله عزوجل فی السر، ح ۱).



راستگویی و ادای امانت

(۱) امام صادق (ع) فرمود: هر که زبانش راست باشد، کردارش پاک است.^۱

(۲) امام باقر (ع) فرمود: پیش از یاد گرفتن حدیث، راستگویی بیاموزید.^۲

(۳) امام صادق (ع) فرمود: نخستین کسی که شخص راستگو را تصدیق می کند، خداوند است که به راستگویی او واقف است و خودش هم خود را تصدیق می کند و می داند راستگوست.^۳

(۴) امام باقر (ع) فرمود: همانا مرد [پیوسته] راست می گوید، تا آنکه خداوند او را صدیق (بسیار راستگو) محسوب می دارد.^۴

۱. من صدق لسانه زکی عمله. (باب الصدق واداء الامانة، ح ۳).

۲. تعلموا الصدق قبل الحديث. (همان، ح ۴).

۳. ان الصادق اول من یصدقہ اللہ عزوجل یعلم انه صادق وتصدقہ نفسه تعلم انه صادق. (همان، ح ۶).

۴. ان الرجل لیصدق حتی یکتبه اللہ صدیقاً. (همان، ح ۸).

- (۵) امام صادق (ع) فرمود: خداوند هیچ پیغمبری را مبعوث نفرمود، جز با راستگویی و ادای امانت نسبت به نیکوکار و بدکردار.^۱
- شرح: مراد این است که هر پیغمبری راستگو و امانت دار بوده و یا آنکه - علاوه بر آن - اگر صاحب شریعت بوده این دو صفت در برنامه شریعت او نیز بوده است.
- (۶) امام صادق (ع) فرود: همانا علی نزد رسول خدا - صلی الله علیه و آله - به سبب راستگویی و ادای امانت به آن مقام رسید.^۲
- (۷) امام صادق (ع) فرمود: به روزه و نماز مردم فریفته مشوید، زیرا انسان به نماز و روزه شیفته می شود، تا آنجا که اگر ترك کند، به هراس می افتد، ولی آنها را به هنگام راستگویی و ادای امانت بیازماید.^۳
- شرح: گاهی ترس از نارضایتی و اعتراض مردم یا انگیزه های دنیوی دیگر، موجب می شود که انسان بر نماز و روزه مداومت کند و آنها را ترك ننماید، پس نماز و روزه معیار کامل و همیشگی صلاح و ترس از خدا نیست.

رضا به قضا

- (۱) امام صادق (ع) فرمود: داناترین مردم به خدا، راضی ترین

۱. ان الله عزوجل لم يبعث نبيا الا بصدق الحديث واداء الامانة الى البر والفاجر. (همان، ح ۱)

۲. فان عليا (ع) انما بلغ به عند رسول الله (ص) بصدق الحديث واداء الامانة. (همان، ح ۵).

۳. لا تغتروا بصلاتهم ولا بصيامهم فان الرجل ربما لهج بالصلاة والصوم، حتى لو تركه استوحش ولكن اختبروهم عند صدق الحديث واداء الامانة. (همان، ح ۲).

آنهاست به قضای الهی.^۱

(۲) علی بن الحسین (ع) می فرمود: صبر و راضی بودن از خدا، پایه و اساس اطاعت خداست.^۲

(۳) حضرت صادق (ع) فرمود: خداوند فرماید: بنده مؤمنم را به هر حالتی که بگردانم، برایش خیر است، پس باید به قضای من راضی باشد و بر بلای من صبر کند و نعمتهایم را سپاس گزارد تا [نام] او را - ای محمد - در زمره صدیقان درگاهم ثبت کنم.^۳

(۴) امام سجّاد (ع) فرمود: بالاترین درجه یقین پست ترین درجه رضاست.^۴

(۵) امام صادق (ع) فرمود: رسول خدا - صلی الله علیه وآله - هیچ گاه درباره چیزی که رخ داده و سپری شده بود، نمی فرمود: کاش غیر این می بود.^۵

روا کردن حاجت مؤمن

(۱) امام صادق (ع) فرمود: روا ساختن حاجت مؤمن از آزاد کردن

۱. ان اعلم الناس بالله ارضاهم بقضاء الله عزوجل. (باب الرضا بالقضاء، ح ۲).

۲. الصبر والرضا عن الله رأس طاعة الله. (همان، ح ۳).

۳. قال الله عزوجل: عبدی المؤمن لا اصرفه فی شیء الا جعلته خیراً له فلیرض بقضائی ولیصبر

على بلائی ولیشکر نعمائی اکتبه یا محمد من الصدیقین عندی (همان، ح ۶).

۴. واعلى درجة یقین ادنی درجة الرضا. (همان، ح ۱۰).

۵. لم یکن رسول الله (ص) یقول لشیء قد مضى لو کان غیره. (همان، ح ۱۳).

هزار بنده، در راه خدا بهتر است و در روایتی آمده است که بهتر از بیست حج است.^۱

(۲) امام صادق (ع) فرمود: هر مسلمانی که حاجت مسلمانی را روا کند، خدای تبارک و تعالی به او خطاب کند که: ثواب تو به عهده من است و به چیزی جز بهشت برایت راضی نباشم.^۲

(۳) امام صادق (ع) فرمود: در نیکی رساندن به برادران خود، با یکدیگر مسابقه گذارید و اهل نیکی باشید، زیرا بهشت دارای دری است به نام معروف [نیکی و احسان] و جز کسی که در زندگی دنیا نیکی کرده، داخل آن نشود.^۳

(۴) امام موسی کاظم (ع) می فرمود: همانا از برای خدا در زمین، بندگان است که برای حاجات مردم کوشش می کنند، اینان روز قیامت در امانند و هر که به مؤمنی شادی رساند، خدا روز قیامت دلش را شاد سازد.^۴

(۵) امام صادق (ع) فرمود: برای اعتماد داشتن مرد به برادرش همین بس که حاجتش را به سوی او برد.^۵

۱. قضاء حاجة المؤمن خير من عتق الف رقبة. (باب قضاء حاجة المؤمن، ح ۳).

۲. ما قضی مسلم لمسلم حاجة الا ناداه الله تبارک و تعالی على ثوابك ولا ارضى لك بدون الجنة. (همان، ح ۷).

۳. تنافسوا فی المعروف لاخوانکم وكونوا من اهلہ فان للجنة بابا يقال له المعروف لايدخله الا من اصطنع المعروف فی الحياة الدنيا. (همان، ح ۱۰).

۴. ان لله عبادا فی الارض یسعون فی حوائج الناس هم الامنون يوم القيامة (باب السعی فی حاجة المؤمن، ح ۲).

۵. کفی بالمرء اعتمادا على اخیه ان ينزل به حاجته. (همان، ح ۸).

(۶) امام صادق(ع) فرمود: خداوند فرماید: مردم عیال مانند (زیرا ضامن روزی ایشانم) و محبوب‌ترینشان نزد من کسی است که نسبت به آنها مهربان‌تر و در راه حوایجشان کوشا تر باشد.^۱

(۷) امام صادق(ع) فرمود: کسی از کمک به برادر مسلمان خود و کوشش در آن دست بردارند و ترك همدردی و همکاری نکنند، جز اینکه گرفتار کمک کردن به کسی گردد که گناهکار است و برای این یاری کردن نیز اجری نبرد.^۲

روزی بسنده

(۱) رسول خدا(ص) فرمود: خوشا به حال آن که مسلمان بوده و زندگی‌اش به قدر کفاف باشد.^۳

(۲) رسول خدا(ص) فرمود: بار خدایا! به محمد و آل محمد و دوستان آنها، پاکدامنی، و به مقدار کفاف، روزی عطا کن.^۴

(۳) رسول خدا(ص) فرمود: آنچه کم باشد و کفایت کند، بهتر است

۱. قال الله عز وجل: الخلق عیالی فاحبهم الی الطفهم بهم و اسعاهم فی حوائجهم. (همان، ح ۱۰).

۲. لم یدع رجل معونة اخیه المسلم حتی یسعی فیها ویواسیه الا ابتلی بمعونة من یاتم ولا یوجر. (باب من استعان به اخوه فلم یعنه، ح ۳).

۳. طوبی لمن اسلم وکان عیشة کفافا. (باب الکفاف، ح ۲).

۴. اللهم ارزق محمداً و آل محمد و من احب محمداً و آل محمد العفاف و الکفاف. (همان، ح ۳).

از آنچه فراوان باشد و دل را مشغول سازد.^۱

ریاست طلبی

(۱) امام موسی کاظم (ع) فرمود: بودن دو گرگ درنده در میان گله گوسفندی که شبانان آن هر یک به سویی رفته اند، زیان بخش تر از ریاست نسبت به دین مسلمان نیست. [ریاست طلبی از دو گرگ درنده به دین مسلمان بیشتر زیان رساند].^۲

(۲) امام صادق (ع) فرمود: هر که ریاست طلبد هلاک شود.^۳

(۳) حضرت صادق (ع) می فرمود: پرهیز از این رؤسای که ریاست را به خود می بندند، زیرا به خدا سوگند که کفشها در پس مردی صدا نکند، جز آنکه هلاک شود و هلاک کند.^۴

(۴) امام صادق (ع) فرمود: کسی که ریاست را به خود بندد، ملعون است؛ کسی که به آن همت گمارد، ملعون است؛ کسی که به فکر آن باشد، ملعون است.^۵

۱. ان ما قل وكفى خير مما كثر والهي (همان، ح ۴).

۲. ما ذنبان ضاریان فی غنم قد تفرق رعاؤها باضر فی دین المسلم من الرئاسة. (باب طلب الرئاسة، ح ۱).

۳. من طلب الرئاسة هلك. (همان، ح ۲).

۴. ایاکم وهؤلاء الرؤساء الذین یترأسون فوالله ما حفقت النعال خلف رجل الا هلك واهلك. (همان، ح ۳).

۵. ملعون من ترأس، ملعون من هم بها، ملعون من حدث بها نفسه. (همان، ح ۴).

ریا کاری

(۱) امام صادق(ع) فرمود: وای بر تو ای عباد! از ریا پرهیز، که هر کس برای غیر خدا کار کند، خدا او را به کسی که برایش کار کرده واگذارد.^۱

(۲) امام صادق(ع) فرمود: هر گونه ریایی شرك است، هر که برای مردم کار کند، پاداشش به عهده مردم است و هر که برای خدا کار کند، ثوابش بر خداست.^۲

(۳) امیرالمؤمنین(ع) فرمود: ریا کار سه نشانه دارد: چون مردم را ببیند [در عبادت] به نشأت آید، و هر گاه تنها باشد کسل شود، و دوست دارد که در هر کاری او را بستانند.^۳

(۴) حضرت صادق(ع) می‌فرمود: خدای فرماید: من بهترین شریکم [پس ای بنده! دیگری را در عبادت شریک من مساز]؛ زیرا هر کس در عملی که انجام می‌دهد، دیگری را شریک من سازد، از او جز عملی که خالص برای من باشد، نپذیرم.^۴

۱. ويليک يا عباد اياک والرياء فانه من عمل لغير الله وکلّه الله الی من عمل له. (باب الرياء، ح ۱).

۲. کل رياء شرك انه من عمل للناس کان ثوابه علی الناس ومن عمل لله کان ثوابه علی الله. (همان، ح ۳).

۳. ثلاث علامات للمرائی: ينشط اذا رأى الناس، ويكسل اذا کان وحده، ويحب ان یحمد فی جمیع اموره. (همان، ح ۸).

۴. قال الله عزوجل انا خير شريك من اشرك معی غیری فی عمل عمله لم اقبله الا ما کان لی خالصاً. (همان، ح ۹).

حرف «ر» ۱۰۱۱

(۵) امام صادق (ع) فرمود: هر کس عملی را که خدا دوست می دارد به مردم نشان دهد و عملی را به خدا نشان دهد که او ناپسند می دارد، خداوند را در حالی ملاقات کند که او را دشمن دارد.^۱

۱. من اظهر للناس اما يحب الله وبارز الله بما كرهه لقي الله وهو ماقت له. (همان، ح ۱۰).



زبان و آفات آن

(۱) امام صادق(ع) فرمود: به راستی مبعوض ترین خلق خدا بنده ای است که مردم از زبانش هراسان باشند.^۱

(۲) امیرالمؤمنین(ع) فرمود: از مجادله و ستیزه پرهیزید که دل‌های دوستان و برادران را بیمار کند و نفاق به بار آرد. (زیرا سلامتی دل به صفا و صمیمیت است و بیماری اش به کینه و اندوه و پریشانی خاطر، که بر اثر مجادله و ستیزه پدید آید و بین دوستان جدایی افتد).^۲

(۳) امام صادق(ع) فرمود: نه با شخص بردبار مجادله کن و نه با شخص بی خرد؛ زیرا بردبار دشمنت دارد و بی خرد آزارت رساند.^۳

(۴) رسول خدا(ص) فرمود: جبرئیل نزد من نمی آمد، جز آنکه

۱. ان ابغض خلق الله عبد اتقى الناس لسانه. (باب السفه، ح ۴).

۲. اياكم والمراء والخصومة فانهما يمرضان القلوب على الاخوان وينبت عليهما النفاق. (باب المراء والخصومة، ح ۱).

۳. لا تمارين حليما ولا سفيها فان الحليم يقلبك والسفيه يؤذك. (همان، ح ۴).

- می گفت: ای محمد! از بغض و دشمنی مردم پرهیز.^۱
- (۵) رسول خدا(ص) فرمود: از کشمکش و ستیزه با مردم پرهیز.^۲
- (۶) امام صادق(ع) فرمود: از دشمنی ورزیدن پرهیزید که پدید آورنده گناه و آزار و غرامت و آشکار کننده زشتی و عیب است.^۳
- (۷) امام صادق(ع) فرمود: از دشمنی با یکدیگر پرهیزید، زیرا دشمنی دل را به سختی مشغول کند، و موجب نفاق شود و کینه ها پدید آورد.^۴
- (۸) رسول خدا(ص) فرمود: آن اندازه که جبرئیل درباره دوری گزیدن از دشمنی با مردم به من سفارش کرد، درباره چیز دیگری سفارش نکرد.^۵
- (۹) امام صادق(ع) فرمود: هر که دشمنی بکارد، کاشته خود را درو کند.^۶

زهد

- (۱) حضرت صادق(ع) فرمود: همه خیرات و نیکیها در خانه ای

۱. ما کاد جبرئیل (ع) یأتیینی إلا قال یا محمد اتق شحنا الرجال وعداوتهم. (همان، ح ۵).
۲. ایاک وملاحاة الرجال. (همان، ح ۶).
۳. ایاکم والمشاراة فانها تورث المعرة وتظهر المعورة. (همان، ح ۷).
۴. ایاکم والخصومة فانها تشغل القلب وتورث النفاق وتکسب الضغائن. (همان، ح ۸).
۵. ما عهد الی جبرئیل (ع) فی شیء ما عهد الی فی معاداة الرجال. (همان، ح ۱۱).
۶. من زرع العداوة حصده ما بذر. (همان، ح ۱۲).

- نهاده شد و کلیدش را زهد و بی رغبتی به دنیا قرار داده‌اند.^۱
- (۲) رسول خدا(ص) فرمود: مرد شیرینی ایمان را در قلبش احساس نکند، تا آنکه باکش نباشد که چه کسی دنیا را می‌خورد.^۲
- (۳) امام صادق(ع) فرمود: شناختن شیرینی ایمان بردلهای شما حرام است، تا آن‌گاه که به دنیا بی رغبت شود.^۳
- (۴) علی(ع) فرمود: از خلقیاتی که انسان را در امر دین یاری می‌کند، زهد ورزیدن نسبت به دنیا است.^۴
- (۵) امیرالمؤمنین(ع) فرمود: علامت مشتاق به ثواب آخرت بی رغبتی نسبت به خوشی و عیش دنیای نقد است؛ همانا بی رغبتی زاهد نسبت به دنیا از آنچه خداوند در دنیا بهره‌ او ساخته، کاهش ندهد، اگر چه زهد ورزد، و حرص شخص حریص بر خوشی و عیش دنیای نقد، برایش فزونی نیاورد اگر چه حرص ورزد پس فریب خورده و زیانکار کسی است که از بهره آخرت خود محروم ماند.^۵

۱. جعل الخیر کله فی بیت وجعل مفتاحه الزهد فی الدنیا. (باب ذم الدنیا والزهد فیها، ح ۲).
 ۲. لا یجد الرجل حلاوة الايمان فی قلبه حتی لا یتالی من اكل الدنیا. (همان جا).
 ۳. حرام علی قلوبکم ان تعرف حلاوة الايمان حتی تزهد فی الدنیا. (همان جا).
 ۴. ان من اعون الاخلاق علی الدین الزهد فی الدنیا. (همان، ح ۳).
 ۵. ان علامة الراغب فی ثواب الآخرة زهده فی عاجل زهرة الدنیا اما ان زهد الزاهد فی هذه الدنیا لا یتقصه مما قسم الله عزوجل له فیها وان زهد وان حرص الحریص علی عاجل زهرة [الحياة] الدنیا لا یتزیده فیها وان حرص، فالمغبون من حرم حظهم من الآخرة. (همان، ح ۶).



ستایش پروردگار

(۱) محمد بن مروان گوید: به حضرت صادق (ع) عرض کردم، چه عملی به درگاه خدای متعال محبوب ترین همه اعمال است، فرمود: این که او را ستایش کنی.^۱

(۲) حضرت صادق (ع) فرمود: هر که صبح از خواب برخیزد و چهار بار بگوید: «الحمد لله رب العالمین»، هر آینه شکر آن روزش را ادا کرده و هر که چون شب فرا رسید چنین کند، شکر شبش را ادا کرده است.^۲

ستایش خداوند، پیش از دعا

(۱) حضرت صادق (ع) فرمود: هرگاه خواهی دعا کنی پس خدا را

۱. قلت لابی عبدالله (ع): ای الاعمال احب الی الله عزوجل؟ فقال: ان تحمده. (باب التحمید والتمجید، ح ۲).

۲. من قال اربع مرات اذا اصبح الحمد لله رب العالمین فقد ادى شکر یومه ومن قالها اذا امسى فقد ادى شکر لیلته. (همان، ح ۵).

تمجیدکن و او را حمد و سپاس و تسبیح و تهلیل (لا اله الا الله) و ثنا بگوی و بر محمد (ص) و آل او صلوات فرست، سپس درخواست کن تا به تو داده شود.^۱

شرح: علامه مجلسی (ره) گوید: گاهی گفته شود که تمجید گفتن «الله اکبر» است: و تمجید «الحمد لله» است و تسبیح «سبحان الله» است: و تهلیل «لا اله الا الله» است و ثنا آن است که نعمتهایی که خداوند بر بنده عطا فرموده بشمارد: ولی دور نیست که معانی اینها را تعمیم دهیم که شامل گردد هر چه را به این معانی برسانند و اختصاص به این الفاظ مخصوص نداشته باشد، چنانچه تمجید بر «لا حول ولا قوة الا بالله» نیز اطلاق شده است.

(۲) حضرت صادق (ع) فرمود: هر که دوست می‌دارد که دعایش به اجابت رسد، باید کسب خود را پاک و حلال کند.^۲

سخن چینی

(۱) رسول خدا (ص) به اصحاب خود فرمود: آیا خبر ندهم که بدترین شما کیست؟ عرض کردند: چرا یا رسول الله؟ فرمود: آنان که به سخن چینی روند و میان دوستان جدایی افکنند، و برای مردمان پاکدامن

۱. اذا اردت ان تدعو فمجد الله عز وجل واحمده وسبحه وهلل واثن عليه وصل على محمد النبي وآله ثم سل تعط. (باب الثناء قبل الدعاء، ح ۵).

۲. من سره ان يستجاب له دعوته فليطب مكسبه. (همان، ح ۹).

عیب جوئی کنند.^۱

(۲) امام باقر(ع) فرمود: بهشت بر دروغ پردازان سخن چینی کننده حرام است.^۲

سرزنش

(۱) حضرت صادق(ع) فرمود: هر که مؤمنی را سرزنش کند، خدا او را در دنیا و آخرت سرزنش کند.^۳

(۲) حضرت صادق(ع) فرمود: هر که مؤمنی را به گناهی سرزنش کند، نمیرد تا اینکه آن را مرتکب گردد.^۴

سفاهت و بی خردی

(۱) حضرت صادق(ع) فرمود: به راستی که بی خردی خوی پستی است، صاحب آن بر زیر دستش گردن فرازی کند، و بر بالادست خود زبونی کند.^۵

۱. الا انیثمکم بشرارکم؟ قالوا: بلی یا رسول الله، قال: المشاؤون بالنميمة، المفرقون بين الاحبة. (باب النميمة، ح ۱).

۲. محرمة الجنة على القتاتین المشائین بالنميمة. (همان، ح ۲).

۳. من انب مؤمنا انه الله فی الدنيا والاخرة. (باب التعبير، ح ۱).

۴. من غیر مؤمنا بذنب لم یمت حتی یرکبه. (همان، ح ۳).

۵. ان السفه خلق لئیم یستطیل علی من [هو] دونه ویخضع لمن [هو] فوقه (باب السفه، ح ۱).

- (۲) امام صادق (ع) فرمود: بی‌خردی مکنید، زیرا پیشوایان شما بی‌خرد نبودند.^۱
- (۳) امام صادق (ع) فرمود: هر کس [رفتار] شخص بی‌خرد را با بی‌خردی مقابله به مثل کند، به هر چه بر سرش آید، رضایت داده، چون همانند او رفتار کرده است.^۲

سلام کردن

- (۱) رسول خدا (ص) فرمود: سلام کردن مستحب و جواب آن واجب است.^۳
- (۲) رسول اکرم (ص) فرمود: هر که پیش از سلام کردن، شروع به سخن گفتن کند پاسخش مدهید.^۴
- (۳) امام باقر (ع) فرمود: به درستی که خداوند آشکار کردن سلام را دوست دارد.^۵
- (۴) امام صادق (ع) فرمود: بخیل کسی است که در سلام کردن بخل ورزد.^۶

۱. لا تسفهوا فان ائمتکم لیسوا بسفهاء. (همان، ح ۲).

۲. من کافاً السفیه بالسفه فقد رضی بما اتی الیه حیث احتذی مثاله. (همان جا).

۳. السلام تطوع والرد فریضة. (باب التسلیم، ح ۱).

۴. من بدأ بالكلام قبل السلام فلا تجیبوه. (همان، ح ۲).

۵. ان الله عزوجل یحب افشاء السلام. (همان، ح ۵).

۶. ان البخیل من ینخل بالسلام. (همان، ح ۶).

(۵) امام صادق (ع) فرمود: آنکه آغاز به سلام کند، به خدا و رسولش نزدیک تر است.^۱

(۶) نیز فرمود: از فروتنی و تواضع این است که به هر که برخورد کردی سلام کنی.^۲

(۷) همچنین فرمود: کوچک بر بزرگ سلام کند، ورهگذر برنشسته، و گروه اندک بر گروه بسیار سلام کنند.^۳

(۸) نیز فرمود: چون فردی از میان جمعی سلام کند، از جانب آنها کفایت می کند، و چون یکی از آنها جواب داد کفایت می کند.^۴

(۹) امیرالمؤمنین (ع) فرمود: به اهل کتاب آغاز به سلام نکنید، و هرگاه به شما سلام کردند، شما در جواب بگویید: «علیکم».^۵

سیراب کردن مؤمن

(۱) امام سجاد (ع) فرمود: هر که مؤمن تشنه کامی را آب دهد، خدایش از شراب بهشتی سر به مهر به او بنوشاند.^۶

۱. البادی بالسلام اولی بالله وبرسوله. (همان، ح ۸).

۲. من التواضع ان تسلم علی من لقیته. (همان، ح ۱۲).

۳. یسلم الصغیر علی الکبیر و المار علی القاعد و القلیل علی الكثير (باب من یجب ان یبدأ بسلام، ح ۱).

۴. اذا سلم من القوم واحد أجزأ عنهم و اذا رد واحد أجزأ عنهم (باب اذا سلم واحد من الجماعة، ح ۳).

۵. لا تبدؤوا اهل کتاب بالتسلیم و اذا سلموا علیکم فقولوا علیکم. (باب التسلیم علی اهل الملل، ح ۲).

۶. من سقى مؤمنا من ظمأ سقاء الله من الرحیق المختوم. (باب اطعام المؤمن، ح ۵).

(۲) رسول خدا(ص) فرمود: هر کس توانایی آن داشته باشد که جرعه آبی به مؤمنی بنوشاند، خداوند در برابر هر شربتی هفتاد هزار حسنه به او دهد و اگر با وجود آنکه توانایی این کار را ندارد (یعنی آب به سختی فراهم می‌شود) به او آب بنوشاند، مثل این است که ده بنده از فرزندان اسماعیل را آزاد کرده است.^۱

۱. من سقى مؤمنا شربة من ماء من حيث يقدر على الماء اعطاء الله بكل شربة سبعين الف حسنة وان سقاه من حيث لا يقدر على الماء فكاثما اعتق عشر رقاب من ولد اسماعيل. (همان، ح ۷).



شاد کردن مؤمنان

- (۱) امام باقر(ع) فرمود: رسول خدا فرمود: هر کس مؤمنی را شاد و خوشحال سازد، پس به راستی که مرا خوشحال ساخته، و هر کس مرا خوشحال سازد، به راستی که خدا را خوشحال نموده است.^۱
- (۲) امام باقر(ع) فرمود: خداوند به چیزی محبوب تر از مسرور ساختن مؤمن، پرستش نشده است.^۲
- (۳) حضرت صادق(ع) فرمود: هر مسلمانی که به مسلمانی برخورد نماید و او را شاد کند، خدا را شاد کرده است.^۳
- (۴) امام رضا(ع) فرمود: هر کس اندوه مسلمانی را از بین ببرد، خداوند در روز قیامت اندوه دلش را زایل سازد.^۴

۱. من سر مؤمنان فقد سرنی ومن سرنی فقد سر الله. (باب ادخال السرور علی المؤمنین، ح ۱).

۲. ما عبد الله بشیء احب الی الله من ادخال السرور علی المؤمن. (همان، ح ۲).

۳. ایما مسلم لقی مسلما فسره سره الله عزوجل. (همان، ح ۱۵).

۴. من فرج عن مؤمن فرج الله عن قلبه يوم القيامة. (باب تفريج كرب المؤمن، ح ۴).

شر عمل و زبان

- (۱) رسول خدا(ص) فرمود: بدترین مردم در روز قیامت نزد خدا کسانی هستند که از ترس بدی و شرشان، آنها را احترام و اکرام کنند.^۱
- (۲) امام صادق(ع) فرمود: کسی که مردم از زبانش به ترسند، او در آتش است.^۲
- (۳) امام صادق(ع) فرمود: به درستی که مبعوض ترین خلق خدا آن بنده ایست که مردم از زبانش پرهیز کنند.^۳

شک

- (۱) امام صادق(ع) فرمود: هر که شک کند و یا گمان برد و بر یکی از آن دو حال بماند، خداوند عملش را بی ارزش سازد، به درستی که حجت خدا همان حجت روشن [و یقینی] است.^۴
- (۲) امام باقر(ع) فرمود: با شک و تردید هیچ عملی سود ندارد.^۵

۱. شر الناس عند الله يوم القيامة الذين يكرمون اتقاء شرمهم.

۲. من خاف الناس لسانه فهو في النار.

۳. ابغض خلق الله عبد اتقى الناس لسانه.

۴. من شك او ظن فاقام على احدهما احبط الله عمله ان حجة الله هي الحجة الواضحة.

(باب الشك، ح ۸).

۵. لا ينفع مع الشك والجحود عمل. (همان، ح ۷).

(۳) امام صادق(ع) فرمود: شک و نافرمانی در آتشند، نه از ما هستند و نه به سوی ما توجه دارند.^۱

(۴) امام صادق(ع) فرمود: کسی که بر فطرت توحید [و از پدر و مادر خدا پرست] به دنیا آید و درباره خدا شک کند، هرگز به خیر [و سعادت] باز نگردد.^۲

شکر گزاری

(۱) رسول خدا(ص) فرمود: خداوند در شکر و سپاسگزاری را به روی بنده ای نگشاید مگر اینکه در فزونی و فراوانی هم به رویش گشوده گردد.^۳

(۲) رسول خدا(ص) فرمود: خورنده سپاسگزار، اجرش مانند روزه دار خدا جوست، و تندرست شکر گزار اجرش مانند اجر گرفتار صابر است، و عطا کننده سپاسگزار اجرش مانند اجر محروم قانع است.^۴

(۳) امام صادق(ع) فرمود: شکر نعمت، دوری گزیدن از محرمات است، و تمام سپاسگزاری به گفتن «الحمد لله رب العالمین» است.^۵

۱. ان الشك والمعصية في النار ليسا منا ولا اليها. (همان، ح ۵).

۲. من شك في الله بعد مولده على الفطرة لم يفيء الى خير ابدا. (همان، ح ۶).

۳. ما فتح الله على عبد باب شكر فخرن عنه باب الزيادة (باب الشكر، ح ۲).

۴. الطاعم الشاكر له من الاجر كاجر الصائم المحتسب والمعافي الشاكر له من الاجر، كاجر المبتلى الصابر والمعطى الشاكر له من الاجر كاجر المحروم القانع. (همان، ح ۱).

۵. شكر النعمة اجتناب المحارم وتمام الشكر قول الرجل: الحمد لله رب العالمين. (همان، ح ۱۰).

شمات

(۱) حضرت صادق (ع) فرمود: در گرفتاری برادر [دینی] خود اظهار شادی و شماتت مکن تا [در نتیجه عمل بد تو] خداوند به او ترحم کند، و آن گرفتاری را به سوی تو بگرداند، و فرمود: هر کس به مصیبتی که به برادر [دینی اش] رسیده، شاد کام شود، از دنیا نرود تا خودش گرفتار آن شود.^۱

۱. لا تبدي الشماتة لاختيك فيرحمه الله ويصيرها بك وقال: من شمت بمصيبة نزلت باخيه لم يخرج من الدنيا حتى يفتن. (باب الشماتة، ح ۱).



صبر

- (۱) امام صادق (ع) فرمود: صبر سر ایمان است.^۱
- (۲) امام صادق (ع) فرمود: هر که صبر کند، اندکی صبر کرده، و هر که بی تابی کند، اندکی بی تابی کرده است [زیرا عمر کوتاه است و مصیبات کوتاه تر].^۲
- (۳) امام باقر (ع) فرمود: بهشت در میان ناگواریها و شکیبایی است؛ پس هر که در دنیا بر ناگواریها صبر کند، به بهشت رود.^۳
- (۴) امیر المؤمنین (ع) فرمود: و صبر در کارها مانند سراسر است نسبت به تن، چون سر از تن جدا شود بدن تباه گردد، و چون صبر از کارها جدا شود، کارها تباه شود.^۴

۱. الصبر رأس الایمان. (باب الصبر، ح ۱).

۲. ان من صبر صبر قليلاً وان من جزع جزع قليلاً. (همان، ح ۳).

۳. الجنة محفوفة بالمكاره والصبر فمن صبر على المكاره فى الدنيا دخل الجنة. (همان، ح ۷).

۴. والصبر فى الامور بمنزلة الرأس من الجسد فاذا فارق الرأس الجسد فسد الجسد واذا فارق الصبر

- (۵) رسول خدا(ص) فرمود: صبر بر سه قسم است: صبر در مصیبت و صبر بر طاعت، و صبر از گناه.^۱
- (۶) امام باقر(ع) فرمود: جوانمردی صبر در حالت نیازمندی و فقر و آبرو نگهداشتن و ثروتمندی (رنج بردن) بیشتر از جوانمردی بخشش است.^۲
- (۷) امام باقر(ع) فرمود: به آن حضرت عرض شد: صبر جمیل چیست؟ فرمود: صبری که با شکوه و شکایت به مردم همراه نباشد.^۳
- (۸) امام باقر(ع) فرمود: کسی که صبر را برای مصیبت‌های روزگار آماده نکند، ناتوان گردد.^۴

«صلوات فرستادن بر رسول خدا(ص) و آل او»

- (۱) حضرت صادق(ع) فرمود: پیوسته دعا بی نتیجه است، تا آنگاه که بر محمد و آلش صلوات فرستاده شود [که در این صورت دعا به ثمر رسد].^۵

الامور فسدت الامور. (همان، ح ۹).

۱. الصبر ثلاثة: صبر عند المصيبة وصبر على الطاعة وصبر عن المعصية. (همان، ح ۱۵).

۲. مروة الصبر في حال الحاجة والفاقة والتعفف والغنا اكثر من مروة الاعطاء. (همان، ح ۲۲).

۳. قلت لأبي جعفر(ع): يرحمك الله ما الصبر الجميل؟ قال ذلك صبر ليس فيه شكوى الى الناس. (همان، ح ۲۳).

۴. من يعد الصبر لنوائب الدهر يعجز. (همان، ح ۲۴).

۵. لا يزال الدعاء محجوباً حتى يصل على محمد وآل محمد. (باب الصلاة على النبي محمد واهل بيته عليهم السلام، ح ۱).

حرف «ص» ۱۱۷۱

(۲) امام باقر و یا صادق - علیهما السلام - فرمود: در میزان [ترازوی اعمال در روز قیامت] چیزی سنگین تر از صلوات بر محمد و آل محمد نیست.^۱

۱. عن أحدهما (ع) قال: ما في الميزان شيء أثقل من الصلوة على محمد وآل محمد.
(همان، ح ۱۵).



طمع

- (۱) امام صادق (ع) فرمود: چه زشت است برای مؤمن که میل و رغبتی در او باشد که او را خوار کند.^۱
- (۲) امام باقر (ع) فرمود: چه بد بنده ای است آن بنده که در او طمعی باشد که او را [اسیر کند و به دنبال خود] به کشاند، و چه بد بنده ای است آن بنده که در او میل و رغبتی باشد که او را خوار کند.^۲
- (۳) امام سجاد (ع) فرمود: من تمامی خیر و سعادت را گرد آمده در دل کردن از آنچه در دست مردم است دیدم.^۳
- (۴) به امام صادق (ع) عرض کردم: آن چیست که ایمان بنده را پایدار کند؟ فرمود: ورع و پارسایی [سؤال شد: آنچه که او را از ایمان

۱. ما اقبیح بالمؤمن ان تكون له رغبة تذله . (باب الطمع ، ح ۱)

۲. بش العبد عبده طمع يقوده وبش العبد عبده رغبة تذله . (همان ، ح ۲).

۳. رأيت الخیر كله قد اجتمع فی قطع الطمع عما فی یدی الناس . (همان ، ح ۳).

بیرون برد چیست؟ فرمود: حرص و طمع.^۱

۱. قلت له: [ما] الذى يثبت الايمان فى العبد؟ قال الورع والذى يخرج منه؟ قال: الطمع. (همان، ح ۴).



ظلم و ستم

(۱) امام صادق (ع) درباره سخن خدا: «وبه درستی که پروردگارت در کمینگاه است» (فجر «۸۹» آیه ۱۴) فرمود: (آن کمینگاه) پلی است بر صراط که هر کس به ظلم و ستم، مالی را تصاحب کرده، از آن عبور نکند. [چرا که حقوق مردمان در گردن اوست].^۱

(۲) حضرت صادق (ع) فرمود: هیچ ستمکاری سخت تر از آن ستمکاری نیست که [به کسی روا داشته شود و] شخص ستم دیده، یاوری جز خدای نداشته باشد.^۲

شرح: مجلس (ره) گوید: یعنی نتواند در دنیا انتقام بگیرد و نه استمداد از کسی دیگر برایش میسر شود.

(۳) امیرالمؤمنین (ع) فرمود: هر که از قصاص [و جزای کردار]

۱. فی قول الله عزوجل: «ان ربك لبالمرصاد» قال قنطرة على الصراط لا يجوزها عبد بمظلمة. (باب الظلم، ح ۲).

۲. ما من مظلمة اشد من مظلمة لا يجد صاحبها عليها عوناً الا الله عزوجل. (همان، ح ۴).

- بترسد، خود از ستم کردن به مردم باز دارد.^۱
- (۴) رسول خدا(ص) فرمود: هر که بامداد کند و قصد ستم به کسی را نداشته باشد، خداوند گناهی را که مرتکب شده بیامرزد.^۲
- (۵) امام صادق(ع) فرمود: هر کس به کسی ستم کند، در جان یا مال یا فرزندانش به همان ستم گرفتار شود.^۳
- (۶) رسول خدا(ص) فرمود: خود را از ستم باز دارید که آن تاریکیهای روز قیامت است.^۴
- (۷) حضرت صادق(ع) فرمود: ستمکار و یاور او و آنکه به ستم او راضی باشد، هر سه آنان در ستم شریکند.^۵
- (۸) امام صادق(ع) فرمود: همانا بنده مورد ظلم و ستم واقع شود، و پیوسته دعا [و نفرین] کند تا ظالم گردد.^۶
- شرح: فیض - علیه الرحمه - گوید: یعنی به حدی شخص ظالم را نفرین کند که نفرینش بر ظلم او فزونی گیرد، پس ظالم، مظلوم، و مظلوم ظالم گردد.
- (۹) امام صادق(ع) فرمود: هر که برای شخص ستمکاری، در ستمی که کرده است، عذر بتراشد [و در صدد مجاز جلوه دادن آن و

۱. من خاف القصاص كف عن ظلم الناس. (همان، ح ۶).

۲. من اصبح لا يهيم بظلم احد غفر الله ما اجترم. (همان، ح ۸).

۳. من ظلم مظلماً اخذ بها في نفسه او في ماله او في ولده. (همان، ح ۹).

۴. اتقوا الظلم فانه ظلمات يوم القيامة. (همان، ح ۱۰).

۵. العامل بالظلم والمعين له والراضى به شركاء ثلاثتهم. (همان، ح ۱۶).

۶. ان العبد ليكون مظلوماً فما يزال يدعو حتى يكون ظالماً. (همان، ح ۱۷).

کاستن از نارضایتی و اعتراض مردم نسبت به او برآید] خداوند کسی را بر او مسلط کند که به او ستم کند و اگر دعا کند، مستجاب نشود، و در برابر ستمی که به او شده پاداشی به او ندهد.^۱

(۱۰) امام باقر(ع) فرمود: خداوند از [هیچ] ستمکاری انتقام نگیرد، مگر به وسیله ستمکاری دیگر، و این همان گفتار خدای متعال است: «و به دینسان بعضی از ستمگران را بر بعضی بگماریم» (انعام «۶» آیه ۱۲۹).^۲

(۱۱) رسول خدا(ص) فرمود: هر که به دیگری ستم کرد و دسترسی به او نداشت [که از او رضایت بجوید] از خداوند برای او طلب آمرزش کند؛ زیرا که همین استغفار، کفاره ستم او گردد.^۳

(۱۲) رسول خدا(ص) فرمود: زودرس ترین کیفر بدیها، کیفر تجاوزکاری و ستمگری است.^۴

(۱۳) امام صادق(ع) در نامه ای به ابوسیار نوشت: توجه داشته باش که هرگز از سر طغیان و ستم سخنی بر زبان نیاوری، هر چند که [گفتن آن] برای تو و فامیلت خوشایند باشد.^۵

۱. من عذر ظالماً بظلمه سلط الله علیه من يظلمه فان دعا لم يستجب ولم ياجر الله على ظلامته. (همان، ح ۱۸).

۲. ما انتصر الله من ظالم الا بظالم وذلك قوله عز وجل: «وكذلك نولي بعض الظالمين بعضاً». (همان، ح ۱۹).

۳. من ظلم احدا فقاته فليستغفر الله له فانه كفارة له. (همان، ح ۲۰).

۴. ان اعجل الشر عقوبة البغي. (باب البغي، ح ۱).

۵. انظر ان لا تكلمن بكلمة بغى ابداً وان اعجبك نفسك وعشيرتك. (همان، ح ۳).



عبادت

(۱) امام صادق (ع) فرمود: خدای تعالی فرماید: ای بندگان راستی پیشه من! در دنیا از نعمت عبادتم برخوردار باشید که در آخرت به سبب آن متنعم خواهید بود.^۱

(۲) امام صادق (ع) فرمود: عبادت کنندگان سه دسته اند:
[۱-] گروهی که خداوند را از ترس عبادت کنند، و این عبادت بردگان است.

[۲-] گروهی که خداوند را برای ثواب و پاداش عبادت کنند و این عبادت اجیر شدگان است.

[۳-] دسته ای که خداوند را برای دوستی اش عبادت کنند و این عبادت آزادگان و بهترین عبادت است.^۲

۱. قال الله تبارك و تعالی: يا عبادي الصديقين تنعموا بعبادتي في الدنيا فانكم تنعمون بها في الآخرة. (باب العبادة، ح ۲).

۲. [ان] العباد ثلاثة قوم عبدوا الله عز وجل خوفا فتلک عبادة العبيد وقوم عبدوا الله تبارك و تعالی

(۳) امام سجاده (ع) فرمود: کسی که به آنچه خداوند براو واجب ساخته عمل کند، عابدترین مردم است.

عدالت

(۱) امام صادق (ع) فرمود: از خدا پروا کنید، و عدالت ورزید، زیرا خود شما بر مردمی که عدالت نمی‌ورزند عیب می‌گیرید.^۱
(۲) نیز فرمود: عدالت شیرین‌تر از غسل و نرم‌تر از کره و خوشبوتر از مُشک است.^۲

(۳) نیز فرمود: عدالت شیرین‌تر از آبی است که به لب تشنه رسد، عدالت چه گشایشی دارد زمانی که به آن عمل شود، اگر چه کم باشد.^۳

عفت

(۱) امام باقر (ع) فرمود: خداوند به چیزی بهتر از عفت در خوراک و غریزه جنسی عبادت نشده است.^۴

طلب الثواب فتلك عبادة الاجراء، وقوم عبدوا الله عز وجل حباً لئله فتلك عبادة الاحرار وهي افضل العبادة. (همان، ح ۵).

۱. اتقوا الله واعملوا فانكم تميمون على قوم لا يعدلون. (باب الانصاف والعدل، ح ۱۴).

۲. العدل احلى من الشهد والين من الزبد واطيب ريحا من المسك. (همان، ح ۱۵).

۳. العدل احلى من الماء يصيبه الظمان ما اوسع العدل اذا عدل فيه وان قل. (همان، ح ۲۰).

۴. ما عبد الله بشيء افضل من عفة بطن وفرج. (باب العفة، ح ۱).

(۲) امیر المؤمنین (ع) فرمود: بهترین عبادت عفت است.^۱

عفو و گذشت

(۱) رسول خدا (ص) فرمود: پیوسته عفو و گذشت کنید؛ زیرا گذشت جز به عزت و بزرگی بنده نیفزاید، از یکدیگر بگذرید تا خدا شما را عزت دهد.^۲

(۲) امام باقر (ع) فرمود: پشیمانی از عفو، بهتر و آسان تر است تا پشیمانی از مجازات.^۳

(۳) امام موسی کاظم (ع) فرمود: هیچ گاه دو گروه با هم رویارو [و درگیر نشوند]، جز آنکه با گذشت تریشان پیروزی یابد.^۴

(۴) رسول خدا (ص) فرمود: آیا شما را به بهترین اخلاق دنیا و آخرت راهنمایی نکنم؟ پیوند کنی با کسی که از تو بریده و عطا کنی به کسی که تو را محروم کرده و در گذری از کسی که به تو ستم کرده است.^۵

۱. افضل العبادۃ العفاف. (همان، ح ۳).

۲. علیکم بالعفو فان العفو لایزید العبد الا عزا فتعافو یعزکم الله. (باب العفو، ح ۵).

۳. الندامة علی العفو افضل و ایسر من الندامة علی العقوبة. (همان، ح ۶).

۴. ما التقت فتنان قط الا نصر اعظمهما عفو. (همان، ح ۸).

۵. الا ادلکم علی خیر اخلاق الدنیا والآخرۃ؟ تصل من قطعک و تعطی من حرمتک و تعفو عن من ظلمک. (همان، ح ۲).

عیب جویی

(۱) حضرت باقر(ع) فرمود: نزدیکتر حال بنده به کفر، این است که با مردی عقد اخوت دینی بسته باشد و لغزشها و خطاهای او را شماره کند که روزی او را به سبب آنها سرزنش کند.^۱

(۲) از حضرت صادق(ع) از رسول خدا(ص) نقل شده است که فرمود: لغزشهای مؤمنین را جستجو نکنید، زیرا هر که لغزشهای برادرش را جستجو کند، خداوند لغزشهایش را دنبال کند، و هر کسی که خداوند لغزشهای او را دنبال کند رسوایش سازد، گرچه در درون خانه اش باشد.^۲

۱. اقرب ما يكون العبد الى الكفر ان يواخى الرجل على الدين فيحصى عليه عثراته وزلاته ليعنفه بها يوماما. (باب من طلب عثرات المؤمنين وعوراتهم، ح ۱).

۲. لا تطلبوا عثرات المؤمنين فان من تتبع عثرات اخيه تتبع الله عثراته ومن تتبع الله عثراته يفضحه ولو في جوف بيته. (همان، ح ۵).



غضب

- (۱) رسول خدا(ص) فرمود: غضب ایمان را فاسد کند، چنان که سرکه عسل را.^۱
- (۲) امام صادق(ع) فرمود: غضب کلید هر شری است.^۲
- (۳) نیز فرمود: هر که غضب خود را نگه دارد، خدا عیب او را بپوشاند.^۳
- (۴) امام باقر(ع) فرمود: در خطابه‌های خداوند به حضرت موسی(ع) در تورات آمده است که ای موسی! خشم خود را از کسی که تو را بر او مسلط ساخته ام باز گیر، تا خشم خود را از تو باز گیرم.^۴

۱. الغضب یفسد الایمان کما یفسد الخل العسل. (باب الغضب، ح ۱).

۲. الغضب مفتاح کل شر. (همان، ح ۳).

۳. من کف غضبه ستر الله عورته. (همان، ح ۶).

۴. مکتوب فی التوراة فیما ناجی الله عزوجل به موسی(ع): یا موسی امسک غضبك عمن ملکتنک علیه اکف عنک غضبی. (همان، ح ۷).

- (۵) امام صادق (ع) فرمود: در تورات نوشته شده است: ای آدمیزاد؟ هرگاه خشم گیری مرا به یاد آور، تا تو را هنگام خشمم به یاد آورم و با آنها که نابودشان می‌کنم نابودت نکنم.^۱
- (۶) نیز فرمود: غضب دل شخص حکیم را تباه کند (از این رو به جای حکمت از او سفاقت بینند).^۲
- (۷) نیز فرمود: هر کس مالک غضب خود نباشد، مالک عقل خود نخواهد بود.^۳
- (۸) امام باقر (ع) فرمود: هر که خشم خود را از مردم باز دارد، خداوند عذاب روز قیامت را از او باز دارد.^۴

غنا و بی‌نیازی

- (۱) حضرت صادق (ع) فرمود: هرگاه یکی از شما از پروردگار خود چیزی بخواهد، به او عطا می‌کند، پس باید از همه مردم مأیوس شود.^۵
- (۲) امام سجّاد (ع) فرمود: تمام خیر و نیکی را در بریدن طمع

۱. ان فی التوراة مکتوباً: یا ابن آدم اذکرنی حین تغضب اذکرك عند غضبی فلا امحقک فیمن امحق. (همان، ح ۱۰).

۲. الغضب محقه لقلب الحکیم. (همان، ح ۱۳).

۳. من لم یملک غضبه لم یملک عقله. (همان جا).

۴. من کف غضبه عن الناس کف الله عنه عذاب يوم القيامة. (همان، ح ۱۵).

۵. اذا اراد احدکم ان لا یسأل ربه شیئاً الا اعطاه فلیس من الناس کلهم. (باب الاستغناء، ح ۲).

از دست مردم گرد آمده دیدم، و هر که هیچ امیدی به مردم نداشته باشد و امرش را در هر کاری به خدا واگذارد، خداوند در هر چیزی او را اجابت کند.^۱

(۳) امام صادق (ع) فرمود: نومیدی از آنچه در دست مردم است، موجب عزت دینی مؤمن است.^۲

غیبت کردن

(۱) رسول خدا (ص) فرمود: غیبت در نابودی دین مرد مسلمان زودتر کارگر شود، تا بیماری خوره در درون او.^۳

(۲) از امام صادق (ع) سؤال شد: غیبت چیست؟ فرمود: این است که درباره دینداری برادرت چیزی بگویی که نکرده است، و به زبان او منتشر کنی چیزی را که خداوند بر او پوشانده بود و حدی برای آن اقامه نکرده بود.^۴

(۳) نیز فرمود: از پیغمبر (ص) پرسیده شد: کفاره غیبت چیست؟

۱. رأيت الخیر كله قد اجتمع فی قطع الطمع عما فی یدى الناس ومن لم یرج الناس فی شیء و ردّ امره الى الله عزوجل فی جميع اموره استجاب الله عزوجل له فی كل شیء. (همان، ح ۳).

۲. والیاس عما فی یدى الناس عزل للمؤمن فی دینه. (همان، ح ۴).

۳. الغیبة اسرع فی دین الرجل المسلم من الاكله فی جوفه. (باب الغیبة والبهت، ح ۱).

۴. سألت ابا عبد الله (ع) عن الغیبة قال هو ان تقول لاختك فی دینه مالم یفعل وتبث علیه امرأ قدستره الله علیه لم یقم علیه فی حد. (همان، ح ۳).

فرمود: از خداوند برای کسی که غیبتش را کرده‌ای - هر گاه که به یاد او افتادی - طلب آمرزشی کنی.^۱

۱ . سئل النبی (ص) ما کفارة الاغتیاب قال تستغفر الله لمن اغتیبته کلما ذکرته . (همان ، ح ۴) .



فخر فروشی

(۱) رسول خدا (ص) فرمود: آفت حسب و نسب به خود بالیدن است.^۱

(۲) در شگفتم از متکبر فخر فروش در حالی که از نطفه آفریده شده و سپس مرداری گندیده شود و در این میان نمی داند با او چه خواهد شد.^۲

(۳) امام صادق (ع) فرمود: مردی نزد رسول خدا (ص) آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! من فلانی پسر فلانی ام و تا نه نفر از پدران واجداد خود را شمردم، رسول خدا به وی فرمود: اما تو دهمین آنانی در دوزخ.^۳

۱. آفة الحسب الافتخار . (باب الفخر والكبر، ح ۲).

۲. عجبا للمختال الفخور وانما خلق من نطفة ثم يعود جيفة وهو فيما بين ذلك لا يدري ما يصنع به . (همان، ح ۴).

۳. اتى رسول الله (ص) رجل فقال يا رسول الله انا فلان بن فلان حتى عدتسعة فقال له رسول الله (ص) اما انك عاشرهم فى النار . (همان، ح ۵).

فرمان برداری

(۱) رسول خدا(ص) فرمود: هر کس خشنودی مردم را با ناخشنودی خدا جوید، خداوند ستایش کننده او را نکوهش کننده اش قرار دهد.^۱

(۲) امام حسین(ع) فرمود: هر که امری را با نافرمانی خدا بجوید، آنچه امید دارد، زوتر از دستش برود، و آنچه از آن می‌گریزد، زودتر بر سرش آید.^۲

(۳) رسول خدا(ص) فرمود: هر که سلطانی را با ناخشنود ساختن خداوند خشنود سازد، از دین خدا بیرون رود.^۳

فرو بردن خشم

(۱) امام سجاده(ع) فرمود: و هیچ جرعه ای ننوشیدم که برایم محبوب تر باشد از جرعه خشمی که طرف را به دان کیفر ندهد.^۴

۱. من طلب رضا الناس بسخط الله جعل الله حامده من الناس ذاماً (باب من اطاع المخلوق في معصية الخالق، ح ۱).

۲. من حاول امرا بمعصية الله كان افوت لما يرجو واسرع لمجيء ما يحذر. (همان، ح ۳).

۳. من ارضى سلطاناً بسخط الله خرج من دين الله. (همان، ح ۵).

۴. وما تجرعت جرعة احب الى من جرعة غيظ لا اكافي بها صاحبها. (باب كظم الغيظ، ح ۱).

(۲) امام صادق (ع) فرمود: نیکو جرعه ای است خشم، برای کسی که بر آن صبر کند، زیرا پاداش بزرگ در برابر بلای بزرگ است، و خدا مردمی را که دوست دارد، گرفتارشان سازد.^۱

(۳) حضرت صادق (ع) فرمود: هر که خشمی را فرو خورد که بتواند آن را اعمال کند [و از طرف مقابل خود انتقام بگیرد] خدا روز قیامت دلش را از رضای خود پر کند.^۲

(۴) حضرت صادق (ع) فرمود: هیچ بنده ای خشمی فرو نخورد، جز آنکه خدا در دنیا و آخرت بر عزت او بیفزاید.^۳

فرب ددن مردم

(۱) امیر المؤمنین (ع) فرمود: اگر نبود که مکر و فریبکاری در آتشمن، من مکر اندیش ترین مردمان بودم.^۴

(۲) رسول خدا (ص) فرمود: از ما نیست کسی که مسلمانی را فریب دهد.^۵

(۳) امام صادق (ع) فرمود: برای مسلمین نشاید که خدعه کنند، و نه

۱. نعم الجرعة الغیظ لمن صبر علیها فان عظیم الاجر لمن عظیم البلاء وما احب الله قوماً الا ابتلاهم. (همان، ح ۲).

۲. من کظم غیظاً ولو شاء ان یمضیه امضاه املاً الله قلبه يوم القيامة رضاه. (همان، ح ۶).

۳. ما من عبد کظم غیظاً الا زاده الله عزوجل عزا فی الدنيا والاخرة. (همان، ح ۵).

۴. لولا ان المکر والخديعة فی النار لکنت امکر الناس. (باب المکر والغدر والخديعة، ح ۱).

۵. ليس منا من ماکر مسلماً. (همان، ح ۳).

دستور به خدعه دهند.^۱

(۴) امیرالمؤمنین (ع) فرمود: آگاه باشید که: هر خیانت و فریبی [نوعی] تبهکاری و هرزه‌گی است و هر تبهکاری کفری در بر دارد.^۲

فقر و تنگدستی

(۱) حضرت صادق (ع) فرمود: اگر مؤمنین برای طلب روزی نزد خدا اصرار نمی‌ورزیدند، خدا آنها را از آن حال به تنگدستی بیشتری منتقل می‌نمود.^۳

(۲) امام صادق (ع) فرمود: هر اندازه که ایمان بنده زیاد شود، معیشتش تنگ‌تر گردد.^۴

(۳) امام صادق (ع) فرمود: شیعیان خالص ما در زمان باطل جز به اندازه خوراک بهره ندارند، حتی اگر به مشرق بروید یا به مغرب، جز به اندازه خوراک روزی نیابید.^۵

(۴) امام صادق (ع) فرمود: در مناجات موسی - علیه السلام - است که [خدای تعالی فرماید] ای موسی! هرگاه دیدی فقر [به تو] رو آورده

۱. لا ینغی للمسلمین ان یغدروا ولا یأمروا بالغدر ... (همان، ح ۴).

۲. الا ان لكل غدره فجرة ولكل فجرة كفرة. (همان، ح ۶).

۳. لولا الحاح المؤمنین علی الله فی طلب الرزق لنقلهم من الحال التي هم فیها الى حال اضیق منها. (باب فضل فقراء المسلمین، ح ۵).

۴. كلما ازداد ایماناً ازداد ضیقاً فی معیشته. (همان، ح ۴).

۵. لیس لمصاص شیعتنا فی دولة الباطل الا القوت شرقوا ان شئتم او غربوا لن ترزقوا الا القوت. (همان، ح ۷).

بگو: مرحبا به شعار شایستگان! و چون دیدی توانگری [به تو]
روی آورده بگو: گناهی است که عقوبتش شتاب کرده است.^۱

(۵) امیرالمؤمنین(ع) فرمود: فقر برای مؤمن از خط گونه اسب
خوش نما تر است.^۲

(۶) امام صادق(ع) فرمود: فقر مرگ سرخ است، راوی گوید:
به امام- علیه السلام- عرض کردم: مقصود نداشتن دینار و درهم است
فرمود: نه، بلکه فقر دینی است.^۳

۱. فی مناجات موسی(ع) یا موسی اذا رايت الفقر مقبلاً فقل مرحباً بشعار الصالحين واذا رايت
الغنى مقبلاً فقل ذنب عجلت عقوبته. (همان، ح ۱۲).
۲. الفقر ازين للمؤمن من العذار على خد الفرس. (همان، ح ۲۲).
۳. الفقر الموت الاحمر فقلت لابی عبد الله(ع): الفقر من الدينار والدرهم؟ فقال: لا ولكن
من الدين. (تتمه همان، ح ۲).



قرائت قرآن و بهره مندی از آن

(۱) امام صادق (ع) فرمود: همانا در این قرآن جایگاه نور هدایت و چراغهای شب ظلمانی نهفته است؛ پس شخص تیز بین باید در آن دقت کند و نظر خویش را برای بهره گیری از پرتو آن بگشاید.^۱

(۲) امیرالمؤمنین (ع) فرمود: بدانید همانا قرآن راهبر روز است و پرتو افکن شب تار، اگر چه [آن کس که در صدد راهنمایی شدن و کسب نور از آن باشد] در سختی و نداری باشد.^۲

(۳) امام صادق (ع) فرمود: همانا قرآن باز دارنده و فرمان دهنده است: به بهشت فرمان دهد و از دوزخ باز دارد.^۳

(۴) امام سجاد (ع) فرمود: اگر همه مردمی که بین مشرق و

۱. ان هذا القرآن فيه منار الهدى ومصابيح الدجى فليجمل جال بصره ويفتح للضياء نظره . (کتاب فضل القرآن، ح ۵).

۲. اعلّموا ان القرآن هدى النهار ونور الليل المظلم على ما كان من جهد وفاقة . (همان، ح ۶).

۳. ان القرآن زاجر وأمر: يأمر بالجنة ويزجر عن النار . (همان، ح ۹).

مغرب هستند، بمیرند، من از تنهایی نهراسم، پس از آنکه قرآن با من باشد.^۱

(۵) امام صادق (ع) فرمود: حافظ قرآن که بدان عمل کند، در آخرت رفیق فرشتگان پیغام برنده و نیک رفتار خداوند است.^۲

(۶) رسول خدا (ص) فرمود: هر کس که خداوند [از معارف] قرآن به او عطا کند و چنان پندارد که به مردی بهتر از آن چیزی داده اند، چیز بزرگی را کوچک شمرده و چیز کوچکی را بزرگ دانسته است.^۳

(۷) حضرت صادق (ع) فرمود: هر که قرآن بخواند، بی نیاز شود و نیازی پس از آن نیست، و گرنه [اگر قرآن بی نیازش نکند] هیچ چیز او را بی نیاز نکند.^۴

(۸) رسول خدا (ص) فرمود: حاملان قرآن نمایندگان و سرپرستان اهل بهشتند.^۵

(۹) امام صادق (ع) فرمود: کسی که درباره قرآن رنج کشد و با وجود سختی و کم حافظه بودنش آن را حفظ کند، دو اجر دارد.^۶

(۱۰) امام صادق (ع) می فرمود: کسی که به سختی قرآن را یاد گیرد

۱. لومات من بین المشرق والمغرب لما استوحشت بعد ان يكون القرآن معي. (همان، ح ۱۳).

۲. الحافظ للقرآن العامل مع السفارة الكرام البررة. (باب فضل حامل القرآن، ح ۲).

۳. من اعطاه الله القرآن فرأى ان رجلا اعطى افضل مما اعطى فقد صغر عظيمًا وعظم صغيراً. (همان، ح ۷).

۴. من قرأ القرآن فهو غني ولا فقر بعده والا ما به غني. (همان، ح ۸).

۵. حملة القرآن عرفاء اهل الجنة. (همان، ح ۱۱).

۶. ان الذي يعالج القرآن ويحفظه بمشقة منه وقلة حفظ له اجران. (باب من يتعلم القرآن بمشقة، ح ۱).

- دو اجر دارد، و آن کس که به آسانی یاد گیرد، با اولین است.^۱
- (۱۱) امام سجاد(ع) می‌فرماید: آیه‌های قرآن گنجینه‌هایی است، پس هرگاه در یک گنجینه را گشودی، شایسته است که بدانچه در آن است نظر بیفکنی.^۲
- (۱۲) امام صادق(ع) فرمود: خانه‌ای که در آن شخص مسلمانی قرآن می‌خواند اهل آسمان آن خانه را به گونه‌ای بنگرند که اهل دنیا ستاره درخشان را در آسمان می‌نگرند.^۳
- (۱۳) امام صادق(ع) فرمود: هر که قرآن را از روی آن بخواند از دیدگان خود بهره‌مند شود، و سبب سبک شدن عذاب پدر و مادرش گردد اگر چه آن دو کافر باشند.^۴
- (۱۴) امام صادق(ع) فرمود: هر آینه من دوست می‌دارم که در خانه قرآنی باشد که خداوند به سبب آن شیطانها را [از آن] دور کند.^۵
- (۱۵) حضرت صادق(ع) فرمود: قرآن برای اندوه [و تأثر در نفوس مردمان] نازل شده، پس آن را با آواز حزین بخوانید.^۶
- (۱۶) رسول خدا(ص) فرمود: هر چیزی زینتی دارد و زینت قرآن

۱. من شدد علیه فی القرآن کان له اجران، ومن یسر علیه کان مع الاولین. (همان، ح ۲).

۲. آیات القرآن خزائن فكلما فتحت خزانه ینبغی لك ان تنظر ما فیها. (باب فی قراءته، ح ۲).

۳. ان البیت اذا كان فیہ المرء المسلم یتلو القرآن یتراءه اهل السماء كما یتراءى اهل الدنیا الكواكب الدری فی السماء. (باب البیوت التي یقرأ فیها القرآن، ح ۲).

۴. من قرأ القرآن فی المصحف متع ببصره وخفف عن والدیه وان كانا كافرین. (باب قراءة القرآن فی المصحف، ح ۱).

۵. انه لیمجنی ان یكون فی البیت مصحف یطرد الله عزوجل به الشیاطین. (همان، ح ۲).

۶. ان القرآن نزل بالحزن فاقرؤوه بالحزن. (باب ترتیل القرآن بالصوت الحسن، ح ۲).

قهر کردن با برادر دینی

(۱) رسول خدا (ص) فرمود: بیش از سه روز جدایی و قهر کردن

روا نیست.^۱

شرح: علامه مجلسی گوید: ظاهر این حدیث این است که اگر بین دو برادر ایمانی در اثر کوتاهی کردن در آداب معاشرت کدورتی پیدا شد و سرانجام به قهر و جدایی کشید، نباید بیش از سه روز به متارکه ادامه دهند، و اما قهر در این سه روز ظاهراً عفو شده است؛ چرا که سبب تسکین غضب و بدخلقی در این مدت است، با اینکه دلالت آن بر جواز ادامه تا سه روز به مفهوم حدیث است و دلالت مفهوم (و استدلال به آن) ضعیف است. و (باید دانست که) این گونه اخبار مخصوص است به غیر بدعت گذاران و هواپرستان و آنان که بر گناه خو گرفته اند و آن را رها نمی کنند، و گرنه قهر و جدایی از آنان مطلوب و این خود یک نوع نهی از منکر است.

(۲) حضرت صادق (ع) می فرمود: دو مرد به صورت قهر کردن از

هم جدا نشوند جز اینکه یکی از آن دو سزاوار بیزاری (خدا و رسولش) و لعنت (یعنی دوری از رحمت حق) گردد، و چه بسا که هر دوی آنان سزاوار آن شوند.^۲

۱. لاهجرة فوق ثلاث. (باب الهجرة، ح ۲).

۲. لا یفترق رجلان علی الهجران الا استوجب احدهما البرائة واللجنة وربما استحق ذلك كلاهما.

(همان، ح ۱).

(۳) رسول خدا(ص) فرمود: پس هرکدام از آن دو [که با هم قهر شده‌اند] به سخن گفتن با برادرش پیشی گرفت، او در روز حساب پیشرو به بهشت باشد.^۱

(۴) امام باقر(ع) فرمود: خدا رحمت کند مردی را که میان دو تن از دوستان مالفت اندازد، ای گروه مؤمنین با هم انس و الفت گیرید و به هم مهربانی کنید.^۲

(۵) امام صادق(ع) فرمود: تا هنگامی که دو مسلمان با هم قهر هستند پیوسته شیطان شادمان است، و همین که با هم آشتی کنند، زانوهای شیطان به لرزد و بندهایش از هم جدا شود و فریاد زند: ای وای بر او (و مقصود از او خود شیطان است) از آنچه بدو رسد از هلاکت.^۳

۱. فایهما سبقا الی کلام اخیه کان السابق الی الجنة يوم الحساب. (همان، ح ۵).

۲. فرحم الله امرأ الف بین ولین لنا، یا معشر المؤمنین تألفوا وتعاطفوا. (همان، ح ۶).

۳. لا یزال ابلیس فرحاً ما اهتجر المسلمان فاذا التقیا اصطکت رکبتاه وتخلعت اوصاله ونادی یا ویله ما لقی من الثبور. (همان، ح ۷).



کفر

(۱) امام صادق (ع) فرمود: هر که در خدا و رسولش شک کند، کافر است.^۱

(۲) امام باقر (ع) فرمود: هر چه که دستاورد اقرار و تسلیم باشد، ایمان است، و هر چه را که انکار و جحود به بار آورد، کفر است.^۲

(۳) امام باقر (ع) فرمود: همانا علی (ع) دری است که خداوند (به) روی مردمان گشود، هر که داخل آن گردد مؤمن است، و هر که از آن بیرون رود کافر است.^۳

۱. من شك فی الله و فی رسوله فهو كافر. (باب الكفر، ح ۱۰).

۲. كل شيء يجره الاقرار والتسليم فهو الايمان وكل شيء يجره الانكار والجحود فهو الكفر. (همان، ح ۱۵).

۳. ان علیاً - صلوات الله علیه - باب فتحه الله، من دخله كان مؤمناً ومن خرج منه كان كافراً. (همان، ح ۱۶).

(۴) امام صادق (ع) فرمود: اگر بندگان هنگامی که نمی‌دانستند توقف می‌کردند و ستیزه‌جویی [و انکار] نمی‌نمودند، کافر نمی‌شدند.^۱

۱. لو ان العباد اذا جهلوا وقفوا ولم يجحدوا لم يكفروا. (همان، ح ۱۹).

(و ثروتها) در دست اشرار قرار گیرد.^۱

قناعت کردن

(۱) امام صادق(ع) فرمود: هر که به معاش اندک از خدا راضی گردد، خدا هم به عمل اندک او راضی شود.^۲

(۲) امام باقر(ع) فرمود: زندگی رسول خدا - صلی الله علیه وآله - را به یاد آور، که خوراکش جو و حلواش خرما و آتش گیره اش شاخه درخت خرما بود، اگر پیدا می کرد.^۳

(۳) امام صادق(ع) فرمود: هر که به حلال اندک خشنود باشد، هزینه اش سبک شود و کسبش پاکیزه گردد و از مرز بدکاری بیرون رود.^۴

(۴) امام صادق(ع) فرمود: هر که خواهد بی نیازترین مردم باشد، باید به آنچه در دست خداست اعتمادش بیشتر از آنچه در دست دیگران است بوده باشد.^۵

۱. اذا قطعوا الارحام جعلت الاموال فی ایدی الاشرار. (همان، ح ۸).

۲. من رضى من الله باليسير من المعاش رضى الله منه باليسير من العمل. (باب القناعة، ح ۳).

۳. فاذا ذكر عيش رسول الله (ص) فانما كان قوته الشعير وحلواه التمر ووقوده السعف اذا وجده. (همان، ح ۱).

۴. من رضى باليسير من الحلال خفت مؤنته وزكت مكسبته وخرج من حد الفجور. (همان، ح ۴).

۵. من قنع بما رزقه الله فهو من اغنى الناس. (همان، ح ۹).

قطع رحم

(۱) امام صادق (ع) فرمود: از حلقه پرهیزید، زیرا که آن، مردان را می میراند عرض شد: حلقه چیست؟ فرمود: قطع رحم است.^۱

(۲) رسول خدا (ص) فرمود: از خویشاوند خود مبر، اگر چه او باتو قطع رابطه کند.^۲

(۳) امیرالمؤمنین (ع) در خطبه ای فرمود: از گناهای که به سرعت مایه نابودی گردد، به خداوند پناه می برم. عبدالله بن کواء یشکری برخاست و گفت: ای امیرمؤمنان! آیا گناهایی هست که به سرعت سبب نابودی گردد؟ فرمود: آری - وای بر تو - [آن] قطع رحم است. بی تردید اهل منزلی گرد هم آیند و یکدیگر را یاری نمایند و با اینکه بدکارند، خداوند به ایشان روزی دهد و اهل خانه ای [هم] پراکنده شوند و با یکدیگر قطع رابطه کنند با اینکه متقی هستند، خداوند محرومشان سازد.^۳

(۴) امیرالمؤمنین (ع) فرمود: هرگاه مردمان قطع رحم کنند، اموال

۱. اتقوا الحالقة فانها تميت الرجال قلت: وما الحالقة؟ قال: قطيعة الرحم. (باب قطيعة الرحم، ح ۲).

۲. لاتقطع رحمك وان قطعتك. (همان، ح ۶).

۳. قال اميرالمؤمنين (ع) في خطبة: اعوذ بالله من الذنوب التي تعجل الفناء فقام اليه عبدالله بن الكواء اليشكري فقال: يا اميرالمؤمنين او تكون ذنوب تعجل الفناء؟ فقال: نعم وملك قطيعة الرحم، ان اهل البيت ليجتمعون ويتواسون وهم فجرة فيرزقهم الله وان اهل البيت ليتفرقون ويقطع بعضهم بعضاً فيحرمهم الله وهم اتقياء. (همان، ح ۷).

فرمان خدا نظر افکند و روزی پنجاه آیه از آن بخواند.^۱

(۲۱) رسول خدا(ص) فرمود: خانه‌های خود را با تلاوت قرآن روشن کنید و آنها را گورستان نکنید، چنانچه یهود و نصارا کردند، در کلیساها و عبادتگاههای خود نماز کنند، ولی خانه‌های خویش را معطل گذارده‌اند (و در آنها عبادتی انجام ندهند) زیرا که هرگاه در خانه، قرآن بسیار تلاوت شد، خیر و برکتش زیاد شود و اهل آن به وسعت رسند و آن خانه برای اهل آسمان درخشندگی دارد، چنانچه ستارگان آسمان برای اهل زمین می‌درخشند.^۲

قساوت و سخت دلی

(۱) ای موسی! در دنیا آرزوی خود را دراز مکن که دلت سخت گردد، و سخت دل از من دور است.^۳

(۲) امیرالمؤمنین(ع) فرمود: (مردم را) دو خاطره است، خاطره‌ای از شیطان و خاطره‌ای از فرشته، خاطره فرشته، رقت و نرمی دل و فهم است و خاطره شیطان، فراموشی و سخت دلی است.^۴

۱. القرآن عهد الله الى خلقه فقد يتبغى للمرء المسلم ان ينظر في عهده وان يقرأ منه في كل يوم خمسين آية. (باب في قرائته، ح ۱).

۲. نوروا بيوتكم بتلاوة القرآن ولا تتخذوها قبوراً كما فعلت اليهود والنصارى ... (باب البيوت التي يقرأ فيها القرآن، ح ۱).

۳. فيما ناجى الله عز وجل به موسى(ع) يا موسى لا تطول في الدنيا املك فيقسو قلبك والقاسى القلب منى بعيد. (باب القسوة، ح ۱).

۴. لثان: لمة من الشيطان و لمة من الملك فلمة الملك الرقة والفهم و لمة الشيطان السهو والقسوة. (همان، ح ۳).

آواز خوش است.^۱

(۱۷) رسول خدا(ص) فرمود: قرآن را با لحنها و آواز عرب بخوانید، و از لحن فاسقان و گنهکاران دوری کنید. زیرا پس از من مردمانی بیایند که قرآن را در گلو بچرخانند و مانند خوانندگی و نوحه خوانی و خواندن کشیشان، که از گلوی آنها نگذرد (یعنی مقبول درگاه خداوند واقع نگردد) دلهای ایشان وارونه است، و هر که از آنها خوشش آید نیز دلش وارونه است.^۲

(۱۸) رسول خدا(ص) فرمود: مرد عجمی (غیر عرب) از امت من قرآن را عجمی می خواند (یعنی مراعات تجوید و محسنات قرائت را نمی کند یا اعراب آن را غلط می خواند) و فرشتگان آن را به عربی صحیح بالا برند.^۳

(۱۹) حضرت صادق(ع) فرمود: برای مؤمن شایسته است که نمیرد تا قرآن را یاد گیرد یا در پی یاد گرفتنش باشد.^۴

(۲۰) حضرت صادق(ع) فرمود: قرآن عهد خداوند و فرمان اوست بر خلقش، پس سزاوار است برای شخص مسلمان که در این عهد و

۱. لكل شيء حلية وحلية القرآن الصوت الحسن. (همان، ح ۹).

۲. اقرؤوا القرآن بالحن العرب واصواتها وایاکم ولحون اهل الفسق واهل الکبائر فانه سیجی من بعدی اقوام یر جمعون القرآن ترجیع الغناء والنوح والرهبانية لا یجوز تراقیهم قلوبهم مقلوبة وقلوب من یعجیه شأنهم. (همان، ح ۳).

۳. ان الرجل الاعجمی من امتی لیقرا القرآن بعجمیة فترفعه الملائكة على عربیة (باب ان القرآن یرفع كما انزل، ح ۱).

۴. ینفی للمؤمن ان لایموت حتی یتعلم القرآن او یكون فی تعلیمه. (باب من یتعلم القرآن بمشقة، ح ۳).

به به (خوشا بر حالت).^۱

گناه

(۱) امام باقر(ع) فرمود: هیچ نکبتی به بنده نرسد (پایش به سنگی نخورد) مگر به سبب گناهی و آنچه خدا از او می‌گذرد بیشتر است.^۲

(۲) امیرالمؤمنین(ع) فرمود: تو که اعمال رسواکننده مرتکب شده‌ای خنده دندان نما مکن، و کسی که گناهانی کرده، از بلای شبگیر و پیشامد ناگهانی نباید ایمن باشد.^۳

(۳) حضرت باقر(ع) فرمود: همه گناهان سخت است (از نظر نافرمانی خدا و کفر و عقوبت آنها) ولی سخت‌ترین آنها گناهانی است که بر آن گوشت و خون بروید (مانند خوردن مال حرام یا اصرار بر گناه اگر چه حلال خورد).^۴

(۴) حضرت باقر(ع) فرمود: همانا بنده مرتکب گناه می‌شود و روزی از او بر کنار می‌گردد.^۵

۱. ان لم یجتك البكاء فتباك فان خرج منك مثل رأس الذباب فيخ يخ. (همان، ح ۱۱).

۲. ما من نكبة نصيب العبد الا بذنب وما يعفو الله عنه اكثر. (باب الذنوب، ح ۴).

۳. لا تبدين عن واضحة وقد عملت الاعمال الفاضحة ولا يامن البيات من عمل السيئات. (همان، ح ۵).

۴. الذنوب كلها شديدة واشدها مانبت عليه اللحم والدم. (همان، ح ۷).

۵. ان العبد ليذنب الذنب فيزوي عنه الرزق. (همان، ح ۸).



گریستن

- (۱) حضرت صادق(ع) فرمود: پس اگر بنده ای در میان یک امتی بگرید، خدا به خاطر گریه آن بنده به همه آن امت رحم کند.^۱
- (۲) حضرت باقر(ع) فرمود: هیچ قطره ای نزد خدا محبوبتر نیست از آن قطره اشکی که در تاریکی شب از ترس خدا بریزد و جز خدا انگیزه دیگری برای آن نباشد.^۲
- (۳) حضرت باقر(ع) فرمود: نزدیکترین حالی که بنده به پروردگار دارد، زمانی است که در سجده باشد و گریان.^۳
- (۴) حضرت صادق(ع) فرمود: اگر گریه ات نیاید خود را به گریه وادار کن، پس اگر از دیدگانت به اندازه قطره ای اشک بیرون آمد پس

۱. فلو ان عبدا بكى فى امة لرحم الله عزوجل تلك الامة ببكاء ذلك العبد. (باب البكاء، ح ۲).

۲. ما من قطرة احب الى الله عزوجل من قطرة دموع فى سواد الليل مخافة من الله لا يرد بها غيره. (همان، ح ۳).

۳. ان اقرب ما يكون العبد من الرب عزوجل وهو ساجد باك. (همان، ح ۱۰).

شرح: مقصود گناهانی است که تنگی روزی می آورد و آن هم نسبت به اشخاصی که خدای تعالی بخواهد آنها را در دنیا بدین وسیله کیفر دهد، وگرنه بسیاری از گنهکاران دارای زندگی مرفه و روزی فراوانی هستند.

(۵) حضرت صادق (ع) فرمود: همان گناه بنده را از روزی محروم می دارد.^۱

(۶) حضرت صادق (ع) فرمود: همانا شخص گناهی مرتکب می شود و بر اثر آن از نماز شب محروم می شود و تأثیر کار بد در صاحبش از تأثیر کارد در گوشت زودتر است.^۲

(۷) حضرت صادق (ع) فرمود: کسی که آهنگ گناهی کند، آن را انجام ندهد، زیرا گاهی بنده، گاهی مرتکب شود و خدای تبارک و تعالی او را ببیند و فرماید: به عزت و جلالم سوگند، دیگر بعد از این تو را نیامزم.^۳

(۸) امام موسی کاظم (ع) می فرمود: بر خدا سزاوار است که هر خانه ای که در آن نافرمانیش کنند، خرابش کند، تا خورشید بر آن بتابد و (از پلیدی معنوی) پاکش کند (پس معصیت خدا خانه را ویران کند چنان که آفتاب بر سطح آن بتابد).^۴

۱. ان الذنب يحرم العبد الرزق. (همان، ح ۱۱).

۲. ان الرجل يذنب الذنب فيحرم صلاة الليل وان العمل السيئ اسرع في صاحبه من السكين في اللحم. (همان، ح ۱۶).

۳. من هم بسيئة فلا يعملها فانه ربما عمل العبد السيئة فيراه الرب تبارك و تعالی فيقول: وعزتي و جلالی لا اغفر لك بعد ذلك ابدا. (همان، ح ۱۷).

۴. قال حق على الله ان لا يعصى في دار الا اضحاها للشمس حتى تطهرها. (همان، ح ۱۸).

(۹) رسول خدا(ص) می فرمود: همانا بنده گاهی برای یکی از گناهانش صد سال [در قیامت] حبس شود، در حالی که همسران خود را ببیند که در نعمت بهشت می خرامند.^۱

(۱۰) امام باقر(ع) فرمود: خدا حکم قطعی و حتمی فرموده که نعمتی را که به بنده ای مرحمت فرموده از او باز نگیرد، مگر زمانی که بنده گناهی مرتکب شود که به سبب آن مستحق کیفر گردد.^۲

(۱۱) حضرت صادق(ع) می فرمود: گاهی یکی از شما از سلطان بسیار می ترسد، و این جز به سبب ارتکاب گناهان نیست پس تا می توانید از گناهان پرهیزید و بر آنها اصرار نورزید.^۳

شرح: برخی از گناهان موجب می شود که سلطان ظالمی بر مردم مسلط شود و آنها از او ترسند.

(۱۲) امیرالمؤمنین(ع) می فرمود: دردی دردناکتر از گناه برای دل نیست، و ترسی سخت تر از مرگ نیست و گذشته برای اندیشیدن (و عبرت گرفتن) و مرگ برای اندرز دادن کافی است.^۴

(۱۳) امام رضا(ع) می فرمود: هر چند بندگان گناهان تازه ای را که

۱. ان العبد لیحبس عن ذنب من ذنوبه مائة عام وانه لینظرالی ازواجه فی الجنة یتنعمن . (همان، ح ۱۹).

۲. ان الله قضی قضاء حتماً لا ینعم علی العبد بنعمة فیسلبها اياه حتی یحدث العبد ذنباً یتستحق بذلك النعمة . (همان، ح ۲۲).

۳. ان احکم لیکثر به الخوف من السلطان وما ذلک الا بالذنوب فتوقوها ما استطعتم ولا تمادوا فیها . (همان، ح ۲۷).

۴. لا وجمع اوجع للقلوب من الذنوب ولا خوف اشد من الموت وکفی بما سلف تفکراً وکفی بالموت واعظاً . (همان، ح ۲۸).

سابقه نداشته ایجاد کنند، خدا برای آنها بلاهایی ناشناخته برایشان پدید آورد.^۱

توضیح: این روایت شریف در اجتماع امروز ما به روشنی جلوه گر است، ما در این زمان گناهان نو ظهوری (خصوصاً نسبت به زنان و انواع کلاه برداریها) می شنویم، که نسبت به انحرافات گذشته بی سابقه به نظر می رسد و همچنین از امراض و گرفتاریهای مردم آنچه می بینیم، در قاموس معلومات ما تازگی دارد.

(۱۴) حضرت صادق(ع) می فرمود: خدای فرماید: هرگاه کسی که مرا شناخته نافرمانیم کند، کسی را که مرا نشناخته بر او مسلط کنم.^۲

گناهان بزرگ

(۱) حضرت صادق(ع) فرمود: گناهان کبیره آنهایی است که خدا دوزخ را برای آنها واجب ساخته است.^۳

(۲) حضرت موسی بن جعفر(ع) یکی از اصحاب در نامه پرسیده بود گناهان کبیره چندتا است و چیست؟ حضرت نوشت: گناهان کبیره، کسی که از آنچه خدا بر آن به دوزخ تهدید کرده دوری کند، کردارهای بد او

۱. کلمه احدث العباد من الذنوب مالم یکنوا یعملون احدث الله لهم من البلاء مالم یکنوا یعرفون. (همان، ح ۲۹).

۲. یقول الله عزوجل اذا عصانی من عرفنی سلطت علیه من لا یعرفنی (همان، ح ۳۰).

۳. الکبائر: التي اوجب الله عزوجل عليها النار. (باب الکبائر، ح ۱).

پوشیده می‌شود، اگر مؤمن باشد.^۱

(۳) به امام صادق(ع) عرض شد: آیا در مورد گناهان کبیره استثنایی وجود دارد که خداوند کسی را که مرتکب آن شود ببخشد؟ فرمود:
آری.^۲

۱. ... یسأله عن الكبائر کم هی وما هی؟ فکتب: الكبائر؛ من اجتنب ما وعد الله علیه النار کفر عنه سیئانه اذا کان مؤمناً. (همان، ح ۲).

۲. قلت لابی عبدالله(ع): الكبائر فیها استثناء ان یغفر لمن یشاء؟ قال: نعم. (همان، ح ۱۹).



مؤمن

۱. نشانه‌ها و صفات مؤمنان

(۱) امام صادق (ع) فرمود: هر که از نیکی خود شادمان و از بدی خویش بدحال گردد، او مؤمن است.^۱

(۲) امام صادق (ع) فرمود: همانا مؤمن کسی است که چون خشم کند از حق نگذرد و چون راضی و خشنود گردد، در باطل قدم ننهد و چون قدرت یابد بیشتر از حق خود نگیرد.^۲

(۳) امام صادق (ع) فرمود: سه چیز از علامات مؤمن است: علم به خدا و [دوستی با] هر که خدا دوستش می‌دارد و [دشمنی با] هر که خدا دوستش نمی‌دارد.^۳

۱. من سرته حسنه وسائته سیئه فهو مؤمن. (باب المؤمن وعلاماته وصفاته، ح ۶).

۲. انما المؤمن الذی اذا غضب لم یخرجه غضبه من حق واذا رضى لم یدخله رضاه فی باطل واذا قدر لم یأخذ اکثر مما له. (همان، ح ۱۱).

۳. ثلاثة من علامات المؤمن: العلم بالله، ومن یحب، ومن یرک. (همان، ح ۱۵).

(۴) رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرمود: مؤمن مانند درختی است که برگش در زمستان و تابستان فرو نریزد: گفتند یا رسول الله! آن چه درختی است؟ فرمود: درخت خرما.^۱

(۵) امام صادق (ع) فرمود: مؤمن بردباری است که نادانی نورزد و اگر نسبت به او نادانی ورزند بردباری کند و ستم نکند و اگر به او ستم کنند، بیخشنند و بخل نورزد و اگر نسبت به او بخل ورزند صبر کند.^۲

(۶) امام باقر (ع) فرمود: مؤمن از کوه محکم‌تر است، زیرا از کوه چیزی برگرفته شود، ولی از دین مؤمن چیزی گرفته نشود.^۳

(۷) امام صادق (ع) فرمود: مؤمن یاری کردنش نیکو و خرجش سبک است، زندگی‌اش را خوب اداره می‌کند، از یک سوراخ دوبار گزیده نمی‌شود [یعنی از یک راه دوبار گول نمی‌خورد، بلکه در همان بار اول عبرت می‌گیرد].^۴

۲. اندک بودن تعداد مؤمنان

(۱) امام صادق (ع) می‌فرمود: زن مؤمن کمیاب‌تر از مرد مؤمن است

۱. المؤمن کمثل شجرة لا يتحات ورقها في شتاء ولا صيف: قالوا يا رسول الله وما هي؟ قال النخلة. (همان، ح ۱۶).

۲. المؤمن حلیم لا یجهل وان جهل علیه یحلم ولا یظلم وان ظلم غفر ولا یبخل وان بخل علیه صبر. (همان، ح ۱۷).

۳. المؤمن اصلب من الجبل، الجبل یستقل منه والمؤمن لا یستقل من دینه شیء. (همان، ح ۳۷).

۴. المؤمن حسن المعونة، خفیف المؤونة، جید التدبیر لمعیشته، لایلسع من حجر مرتین. (همان، ح ۳۸).

و مرد مؤمن کمیابتر از گوگرد سرخ است، کدام یک از شما گوگرد سرخ را دیده‌اید.^۱

(۲) امام کاظم (ع) می فرمود: چنین نیست که هر که به ولایت ما معتقد شد مؤمن باشد، بلکه آنها همدم مؤمنین قرار داده شده‌اند.^۲

(۳) امام صادق (ع) می فرمود: برای مؤمن سزاوار نیست که از ترس و وحشت با برادر و غیر برادرش مأنوس شود، مؤمن در دینش عزیز و قدرتمند است. (یعنی عزت و شرافت دینش از هر همدمی برای او بهتر و بالاتر است).^۳

(۴) امام صادق (ع) فرمود: مؤمن در کنار مؤمن آرامش می یابد، چنانکه تشنه با آب سرد آرامش می یابد.^۴

توضیح: چنانچه شخص تشنه از فراق آب اضطراب و پریشانی دارد و همواره جویای آن است و چون آب را پیدا کرد دلش آرام می گیرد، مؤمن هم از فراق مؤمن پریشان است و چون او را پیدا کند دلش آرام شود و خاطر جمع گردد، پس این کلام از باب تشبیه معقول به محسوس است.

۱. المؤمنة اعز من المؤمن والمؤمن اعز من الکبریت الاحمر فمن رأى منکم الکبریت الاحمر (باب فی قلة عدد المؤمنین، ح ۱).

۲. لیس کل من قال بولایتنا مؤمنا ولكن جعلوا انسال للمؤمنین. (همان، ح ۷).

۳. ما ینبغی للمؤمن ان یتوحش الی اخیه فمن دونه المؤمن عزیز فی دینه. (باب الرضا بموهبة الایمان والصبر، ح ۴).

۴. ان المؤمن لیسکن الی المؤمن کما یسکن الظمئان الی الماء البارد. (باب فی سکون المؤمن الی المؤمن، ح ۱).

۳- آثار و برکات مؤمنان

(۱) امام باقر(ع) فرمود: همانا خدا به واسطه یک مؤمن نابودی را از یک قریه دفع می‌کند.^۱

(۲) و فرمود: به منطقه‌ای که هفت مؤمن در آن باشند، عذاب نرسد.^۲

(۳) امام صادق(ع) فرمود: مؤمن [فرد نیکوکاری است که] مورد ناسپاسی قرار می‌گیرد.^۳

(۴) امام باقر(ع) می‌فرمود: هرگاه مؤمن بمیرد به شمارهٔ ربیعه و مضر [دو قبیله بزرگ عرب] شیاطینی که به او مشغول بوده‌اند بر همسایگانش راه یابند. (یعنی مؤمن سنگر استوار و مقاومی در برابر شیاطین است و با رفتن او این سنگر و سد دفاعی شکسته می‌شود).^۴

۴. آزمایشها و گرفتاریهای مؤمنان

(۱) امام صادق(ع) می‌فرمود: مؤمن مانند کفه ترازوست که هر چه برایش بیفزاید بر بلایش افزوده شود.^۵

۱. ان الله ليدفع بالمؤمن الواحد عن القرية الفناء. (باب فيما يدفع الله بالمؤمن، ح ۱).

۲. لا يصيب قرية عذاب وفيها سبعة من المؤمنين. (همان، ح ۲).

۳. المؤمن مكفر. (باب ما اخذه الله على المؤمن من الصبر على ما يلحقه، ح ۸).

۴. اذا مات المؤمن خلى على جيرانه من الشياطين عدد ربعة ومضر كانوا مشغولين به. (همان، ح ۱۰).

۵. انما المؤمن بمنزلة كفة الميزان كلما زيد في ايمانه زيد في بلاته. (باب شدة ابتلاء المؤمن، ح ۱۰).

(۲) امام صادق (ع) می فرمود: بر مؤمن چهل شب نگذرد، جز آنکه پیشامدی برایش رخ دهد که غمگینش سازد و موجب بیداری اش گردد.^۱

توضیح: یعنی متذکر شود که آن پیشامد به سبب گناهی است که از او سرزده و توبه کند، چنانکه خدای تعالی فرماید: «ما اصابکم من مصيبة فبما كسبت ايديكم» و نیز متذکر شود که خدا قادر است آن بلا را از او بگرداند، پس دعا و تضرع کند و نیز متذکر پستی و خواری دنیا شود که چگونه به کدورت و مصایب آمیخته است و به آخرت رغبت کند که مکان قدس و تنزه است.

(۳) امام صادق (ع) می فرمود: خدا مؤمن را از بلاهای تکان دهنده دنیا ایمن نساخته، ولی او را از کوردلی دنیا [که به سبب آن حق را تشخیص ندهد] و شقاوت آخرت ایمن ساخته است.^۲

(۴) رسول خدا (ص) فرمود: حکایت مؤمن حکایت ساقه گیاهی است که باد آن را به این سو و آن سو کج می کند، مؤمن را هم دردها و بیماریها خم می کند.^۳

(۵) امام صادق (ع) فرمود: سخت ترین مردم از لحاظ بلا و گرفتاری پیغمبرانند، سپس کسانی که در پی آنانند، و سپس کسی که از دیگران بهتر

۱. المؤمن لا يمضي عليه اربعون ليلة الا عرض له امر يحزنه يذكر به. (همان، ح ۱۱).

۲. لم يؤمن الله المؤمن من هزاهز الدنيا ولكنه آمنه من العمى فيها والشقاء في الآخرة. (همان، ح ۱۸).

۳. مثل المؤمن كمثّل خامة الزرع تكفئها الرياح كذا وكذا وكذلك المؤمن تكفئها الوجاع والأمراض. (همان، ح ۲۵).

است و به همین ترتیب.^۱

(۶) امام صادق (ع) فرمود: چون خدا بنده‌ای را دوست بدارد او را در بلا غوطه‌ور سازد، ای سُدیر! ماو شما صبح و شام با آن دم سازیم.^۲

(۷) امام صادق (ع) فرمود: اجر بزرگ با بلای بزرگ است و خدا هیچ قومی را دوست نداشته جز آنکه آنان را [با گرفتاریها] آزموده است.^۳

(۸) امام باقر (ع) فرمود: مؤمن در دنیا به اندازه دینش گرفتاری ببیند.^۴

(۹) امام صادق (ع) فرمود: در بهشت مقامی است که هیچ بنده‌ای به آن نرسد جز با بلایی که [در دنیا] به بدنش رسد.^۵

(۱۰) رسول خدا (ص) فرمود: خداوند به کسی که از مال و بدنش برای او بهره‌ای نیست نیازی ندارد. [کسی که زیان مالی و بدنی نبیند خدا به او توجهی ندارد].^۶

(۱۱) امام صادق (ع) فرمود: مصیبت‌ها بخششهای خداست و فقر در خزانه خدا محفوظ است. (و آن را جز به بنده عزیزش که خواهد او را به خود متوجه سازد ندهد).^۷

۱. ان اشد الناس بلاء الانبياء ثم الذين يلونهم ثم الامثل فالامثل. (همان، ح ۱).

۲. ان الله اذا احب عبد غته بالبلاء غتا وانا واياكم يا سدير لنصيب به ونمسي. (همان، ح ۶).

۳. ان عظيم الاجر لعظيم البلاء وما احب الله قوما الا ابتلاهم. (همان، ح ۳).

۴. انما يبتلى المؤمن في الدنيا على قدر دينه. (همان، ح ۹).

۵. ان في الجنة منزلة لا يبلغها عبد الا بالابتلاء في جسده. (همان، ح ۱۴).

۶. لا حاجة لله فيمن ليس له في ماله وبدنه نصيب. (همان، ح ۲۱).

۷. المصائب منح من الله والفقر مخزون عند الله. (باب فضل فقراء المسلمين، ح ۲).

محاسبه، خویشتن

(۱) امام موسی کاظم (ع) فرمود: از ما نیست کسی که هر روز [احوال] خود را محاسبه نکند، پس اگر کار نیکی کرده است، از خدا زیادی آن را خواهد، و اگر گناه و کار بدی کرده، از خدا آمرزش خواهد و به سوی او بازگشت کند. (و توبه نماید).^۱

(۲) حضرت صادق (ع) فرمود: تو را طبیب خودت کرده اند، و درد را هم برایت گفته اند، و نشانه سلامتی را نیز به تو یاد داده اند، و به دارو هم راهنمایی کرده اند، اکنون بنگر که چگونه درباره آن رفتار کنی.^۲

شرح: مجلسی (ره) گوید: درد همان اخلاق زشت و گناهان کشنده است و نشانه سلامتی همان نشانه هایی است که خدا و رسول و ائمه اطهار فرموده اند.

(۳) حضرت صادق (ع) فرمود: از [استعدادهای] خودت برای خودت بهره گیر، از تندرستیت پیش از آنکه بیمار شوی و در [حال] توانایی پیش از آنکه ناتوان گردی، و در زندگی پیش از مردن [از قوا و استعدادهای خود به نفع خویش] بهره مند شو.^۳

۱. ليس منا من لم يحاسب نفسه في كل يوم فان عمل حسنا استزاد الله وان عمل سيئاً استغفر الله منه وتاب اليه. (باب محاسبة العمل، ح ۲).

۲. انك قد جعلت طبيب نفسك وبين لك الداء وعرفت آية الصحة ودلت على الدواء فانظر كيف قيامك على نفسك. (همان، ح ۶).

۳. خذ لنفسك من نفسك خذمتها في الصحة قيل السقم وفي القوة قبل الضعف وفي الحياة قبل الممات. (همان، ح ۱۱).

(۴) امام صادق(ع) فرمود: چون روز آید [به مردمان] گوید: ای فرزند آدم در این روز نیکی کن، تا در روز رستاخیز، در درگاه الهی به آن شهادت دهم، چرا که من در گذشته پیش تو نیامدم و در آینده هم نخواهم آمد، و چون شب فرا رسد سخنی همانند آن بگوید.^۱

مدارا و سازگاری

(۱) امام صادق(ع) می‌فرمود: جبرئیل(ع) نزد پیغمبر(ص) آمد و عرض کرد: ای محمد! پروردگارت سلام می‌رساند و می‌گوید با مخلوقم مدارا کن.^۲

(۲) رسول خدا(ص) فرمود: پروردگارم مرا به سازگاری با مردم امر فرمود، چنان که به انجام واجبات امر فرمود.^۳

(۳) رسول خدا(ص) فرمود: سازگاری با مردم نصف ایمان است و نرمش با آنها نصف زندگی است.^۴

مداومت بر عمل

(۱) امام باقر(ع) فرمود: دوست‌ترین اعمال نزد خدا، عملی است

۱. ان النهار اذا جاء قال يا ابن آدم اعمل في يومك هذا خيرا اشهد لك به عند ربك يوم القيامة فاني لم

أتك فيما مضى ولا أتيك فيما بقى واذا جاء الليل قال مثل ذلك. (همان، ح ۱۲)

۲. جاء جبرئيل(ع) الى النبي(ص) فقال يا محمد(ص) ربك يقرئك السلام ويقول لك دار خلقى. (باب المدارة، ح ۲).

۳. امرنى ربى بمداواة الناس كما امرنى باداء الفرائض. (همان، ح ۴).

۴. مداواة الناس نصف الايمان والرفق بهم نصف العيش. (همان، ح ۵).

که بنده آن را ادامه دهد، اگر چه اندك باشد. [یعنی اگر چه كوچك باشد
یا از لحاظ شماره كم باشد].^۱

(۲) امام صادق (ع) فرمود: مبدا عملی را بر خود واجب گردانی و تا
دوازده ماه از آن دست برداری.^۲

شرح: مقصود این است که انجام دادن عملی را پیش خود تصمیم
بگیری و بدان ملتزم شوی، نه آنکه از راه نذر و عهد و قسم بر خود واجب
گردانی؛ زیرا شکستن و بر هم زدن این امور جایز نیست، و هر یک كفاره
مخصوص دارد.

مزاح و شوخ طبعی

(۱) حضرت صادق (ع) فرمود: هیچ مؤمنی نیست جز این که در او
«دُعابه» هست، عرض کردم دعابه چیست؟ فرمود: مزاح.^۳

(۲) حضرت باقر (ع) فرمود: خدا آن کس را که در میان جمعی
شوخی و خوشمزگی کند، دوست می دارد، در صورتی که فحشی
[در میان] نباشد.^۴

(۳) حضرت صادق (ع) فرمود: مبدا مزاح کنید که آبرو را

۱. احب الاعمال الى الله عزوجل مادام عليه العبد وان قل. (باب استواء العمل والمداومة عليه، ح ۲).

۲. اياك ان تفرض على نفسك فريضة فتفارقها اثني عشر هلالا. (همان، ح ۶).

۳. ما من مؤمن الا وفيه دعابة قلت وما الدعابة قال المزاح. (باب الدعابة والضحك، ح ۲).

۴. ان الله عزوجل يحب المداعب في الجماعة بلا رقت. (همان، ح ۴).

از بین می برد.^۱

(۴) حضرت صادق (ع) فرمود: هرگاه مردی را دوست داری، با او

مزاح و ستیزه مکن.^۲

(۵) امیرالمؤمنین (ع) فرمود: مبادا شوخی کنید که کینه آورد،

و دشمنی به جای گذارد، و آن دشنام کوچکی است.^۳

(۶) حضرت صادق (ع) فرمود: شوخی مکن که بر تو جرأت پیدا

کنند.^۴

مصافحه

(۱) امام باقر (ع) فرمود: هنگامی که دو مؤمن به هم برخوردند و

مصافحه کنند، خدا به آنها رو آورد و گناهانشان چون برگ درخت

بریزد.^۵

(۲) امام صادق (ع) حد مصافحه را از آن حضرت پرسیدند، فرمود:

[به اندازه] گردش دور درخت خرما. (یعنی اگر چه به مقدار گردش دور

درخت خرما از یکدیگر جدا شوند، مستحب است با یکدیگر مصافحه

کنند).^۶

۱. ایاکم والمزاح فانه یذهب بماء الوجه. (همان، ح ۸).

۲. اذا احببت رجلا فلا تمزحه ولا تماره. (همان، ح ۹).

۳. ایاکم والمزاح فانه یجر السخیمه ویورث الضغینه وهو السب الا صغر. (همان ح ۱۲).

۴. لا تمزح فیجتراً علیک. (همان، ح ۱۸).

۵. ان المؤمنین اذا التقوا فتصافحوا قبل الله عزوجل علیهما بوجهه وتساقطت عنهما الذنوب كما یتساقط الورق من الشجر. (باب المصافحه، ح ۴).

۶. سئل عن حد المصافحه فقال دور نخلة. (همان، ح ۸).

حرف «م» ۱۶۳۱

(۳) رسول خدا(ص) فرمود: چون با یکدیگر روبه رو شدید، با سلام کردن و مصافحه دیدار کنید، و چون از یکدیگر جدا شوید با آمرزش خواهی جدا شوید.^۱

(۴) هرگاه که رسول خدا(ص) با مردی مصافحه می کرد، دست خود را از دست او نمی کشید، تا وقتی که او دست خود را از دست حضرت می کشید.^۲

(۵) امام صادق(ع) فرمود: با یکدیگر مصافحه کنید، زیرا مصافحه کینه را از بین می برد.^۳

معاشرت

(۱) امام باقر(ع) فرمود: با هر که معاشرت داری اگر توانی دست عطایت را به سر آنها بکشی و به آنها خیری برسانی، چنین کن.^۴

(۲) امام صادق(ع) در تفسیر سخن خدای متعال [که درباره یوسف(ع) فرماید: «ما تو را از نیکوکاران می بینیم» (یوسف «۱۲»

آیه ۳۶) فرمود: برای [یوسف] کسانی که وارد می شدند جا باز می کرد، و به نیازمندان وام می داد، و به ناتوانان کمک می کرد.^۵

۱. اذا التقيتم فتلقوا بالتسليم والتصافح واذا تفرقتم فترقوا بالاستغفار. (همان، ح ۱۱).

۲. ما صافح رسول الله رجلاً قط فنزع يده حتى يكون هو الذي ينزع يده منه. (همان، ح ۱۵).

۳. تصافحوا فانها تذهب بالسخيمه. (همان، ح ۱۸).

۴. من خالطت فان استطعت ان تكون يدك العليا عليهم فافعل. (باب حسن المعاشرة، ح ۱).

۵. في قول الله عز وجل «انا نراك من المحسنين» قال: كان يوسع المجلس ويستقرض للمحتاج ويعين الضعيف. (همان، ح ۳).

(۳) امام باقر(ع) فرمود: یاران خود را بزرگ بشمارید و احترامشان بکنید، و برخی از شما به برخی دیگر هجوم نبرید، و به هم زیان مزید و بر هم حسد مورزید و از بخل پرهیزید تا از بندگان با اخلاص [و شایسته] خدا باشید.^۱

(۴) از امام باقر یا صادق - علیهما السلام- روایت کرده‌اند که فرمود: ترش رویی به مردم دشمنی به بار آورد.^۲

(۵) امام باقر(ع) فرمود: از کسی پیروی کن که تو را می‌گریاند و اندرزت می‌دهد، نه از آنکه تو را بخنداند و گولت زند.^۳

(۶) امام صادق(ع) فرمود: با بدعت گذاران هم صحبت و هم نشین مشوید که در نظر مردم چون یکی از آنها شوید.^۴

(۷) امام صادق(ع) فرمود: پرهیز از دوستی با احمق زیرا که تو هر چه از جانب او شادتر باشی، او به بدی رساندن به تو نزدیک‌تر است (مقصود این است که هر چه به دوستی او خوشحال‌تر باشی، احتمال خطر زیان رساندن او به واسطه حماقتش به تو بیشتر شود).^۵

۱. عظموا اصحابکم ووقروهم ولا یتهجم بعضکم علی بعض وتضاروا ولا تحاسدوا (همان، ح ۴).

۲. الانقباض من الناس مکسبة للعداوة. (همان، ح ۵).

۳. اتبع من یتبیک وهولک ناصح ولا تتبع من یضحک وهولک غاش. (باب من تجب مصادقته ومصاحبته، ح ۲).

۴. لاتصحبوا اهل البدع ولا تجالسوهم فتصيروا عند الناس کواحد منهم. (باب من نکره مجالسته ومرافقته، ح ۱۰).

۵. ایاک ومصادقة الاحمق فانک اسرما تکون من ناحيته اقرب مایکون الی مسائتک. (همان، ح ۱۱).

(۸) امام صادق (ع) فرمود: خوش رفتاری و مدارا کردن با مردم یک سوم خردمندی است.^۱

(۹) امام موسی بن جعفر (ع) فرمود: دوستی کردن با مردم نیمی از خرد است.^۲

(۱۰) امام صادق (ع) فرمود: هر که دست آزارش را از سر مردم بردارد فقط دستی را از آنها باز داشته، ولی (در مقابل) دستهای بسیاری از آزار او خودداری کنند.^۳

(۱۱) امام صادق (ع) فرمود: هرگاه یکی از برادران (دینی) خود را دوست داشتی او را از آن آگاه کن.^۴

(۱۲) امام صادق (ع) فرمود: [احوال باطنی] مردم را بازرسی و تفتیش مکن که بی دوست می مانی.^۵

شرح: چون در عموم مردم خواه ناخواه نقطه ضعفهایی هست، و کسی که خالی از هرگونه عیبی باشد، انگشت شمار است. بنابراین اگر کسی در صدد تفحص از عیوب دیگران باشد تا آنکه دوست بی عیبی پیدا کند به چنین آرزویی دست نخواهد یافت و بدون رفیق خواهد ماند. پس بهتر آنکه به همان حُسن ظاهر اکتفا کند و در پی تحقیق و کندکاو از احوال درونی مردم بر نیاید.

۱. مجاملة الناس ثلث العقل. (باب التجب الى الناس والتودد اليهم، ح ۲).

۲. التودد الى الناس نصف العقل. (همان، ح ۴).

۳. من كف يده عن الناس فانما يكف عنهم يدا واحدة ويكفون عنه ايدياً كثيرة. (همان، ح ۶).

۴. اذ احببت احدا من اخوانك فاعلمه ذلك. (باب اخبار الرجل اخاه بحبه، ح ۱).

۵. لا تفتش الناس فتبقى بلا صديق.

(۱۳) به امام صادق(ع) عرض شد مردی می گوید: تو را دوست دارم، من چگونه بدانم که او مرا دوست دارد؟ (و راست می گوید) فرمود: دلت را آزمایش کن، پس اگر تو نیز او را دوست داری (بدان که) او هم تو را دوست دارد.^۱

(۱۴) رسول خدا(ص) فرمود: هرگاه بزرگوار قومی بر شما رسید او را گرامی دارید.^۲

(۱۵) امام صادق(ع) فرمود: تکمیل تحیت (سلام گفتن و خوش آمد) برای شخصی که به سفر نرفته، مصافحه (و دست دادن با او) است، و نسبت به آنکه از سفر آمده، معانقه (و در آغوش گرفتن و دست به گردن همدیگر انداختن) است.^۳

معانقه کردن

(۱) حضرت باقر و صادق(ع) فرمودند: و چون [دو مؤمن] با هم ملاقات، و مصافحه، و معانقه کنند، خدا به آنها روی آورد.^۴

(۲) حضرت صادق(ع) فرمود: چون دو مؤمن یکدیگر را در آغوش کشند رحمت خدا آنها را فرا گیرد.^۵

۱. قيل له (ع) الرجل اودك فكيف اعلم انه يودني قال امتحن قلبك فان كنت توده فانه يودك.

۲. اذا اتاكم كريم قوم فاكرموه. (باب اكرام الكريم، ح ۲).

۳. ان من تمام التحية للمقيم المصافحة وتمام التسليم على المسافر المعانقة. (باب التسليم، ح ۱۴).

۴. فاذا التقيا وتصافحا وتعانقا قبل الله عليهما بوجهه. (باب المعانقة، ح ۱).

۵. ان المؤمنين اذا اعتنقا غمرتھما الرحمة. (همان، ح ۲).

میانه روی در عبادت

- (۱) امام صادق(ع) فرمود: عبادت را به خود تحمیل نکنید.^۱
- (۲) رسول خدا(ص) فرمود: همانا این دین محکم و متین است، پس با ملایمت در آن در آید و عبادت خدا را به زور به بندگان خدا تحمیل نکنید، که در این صورت همانند سوار در مانده ای خواهید بود که نه مسافتی پیموده و نه مرکبی به جا گذاشته است.^۲

۱. لا تکرهوا الی انفسکم العبادة. (باب الاقتصاد فی العبادة. ح ۲).

۲. ان هذا الدین متین فاوغلوا فیہ برفق ولا تکرهوا عبادة الله الی عبادة الله فتکونوا کالراکب المنبت الذی لا سفرا قطع ولا ظهرا بقی. (همان، ح ۱).



ناسازگاری

(۱) حضرت باقر(ع) فرمود: آن کس که ناسازگاری بهره‌اش گردد، ایمان از او در پس پرده رود.^۱

شرح: مجلسی(ره) گوید: سرّ اینکه شخص ناسازگار از ایمان دور می‌شود، این است که اولاً، مؤمنین را آزار دهد و این مخالف ایمان است؛ زیرا مؤمن کسی است که مسلمانان از دست و زبانش آسوده و در امان باشند و ثانیاً به واسطه ناسازگاری از طلب دانش - که به وسیله آن به پایه کمال ایمان رسد - محروم ماند، زیرا اسباب طلب آن برایش فراهم نگردد.

(۲) رسول خدا(ص) فرمود: اگر ناسازگاری قابل دیدن باشد، چیزی در میان مخلوقات خدا زشت‌تر از آن نخواهد بود.^۲

۱. من قسم له الخرق حجب عنه الایمان. (باب الخرق، ح ۱).

۲. لوکان الخرق خلقاً یری ما کان شیء عما خلق الله اقیح منه (همان، ح ۲).

نامه و جواب آن

(۱) حضرت صادق (ع) فرمود: دادن جواب نامه مانند دادن جواب سلام واجب است.^۱

نرمی و ملایمت

(۱) حضرت باقر (ع) فرمود: برای هر چیزی قفلی است (که آن را بدو حفظ کنند) و قفل ایمان نرمی و ملاطفت است. (چه آنکه هر کس نرمی را از دست دهد و خشم و قهر و خشونت پیش گیرد، ناچار به اعمالی دست می زند که ایمانش از دست می رود).^۲

(۲) رسول الله (ص) فرمود: نرمی میمنت دارد و خشونت نحوست.^۳

(۳) امام باقر (ع) فرمود: خداوند ملایم است و ملایمت را دوست دارد و پاداشی که به ملایمت می دهد به خشونت و سختگیری نمی دهد.^۴

(۴) رسول خدا (ص) می فرمود: نرمی بر هر چه نهاده شود آن را زینت دهد و از هر چه بر کنده شود، زشتی سازد.^۵

۱. رد جواب الکتابه واجب کوجوب رد السلام. (باب التکاتب، ح ۲).

۲. ان لكل شیء قفلاً وقفل الايمان الرفق. (باب الرفق، ح ۱).

۳. الرفق بین والخرق شؤم. (همان، ح ۴).

۴. ان الله عزوجل رفيق يحب الرفق ويعطى على الرفق ما لا يعطى على العنف. (همان، ح ۵).

۵. ان الرفق لم يوضع على شیء الا زانه ولا نزع من شیء الا شانه. (همان، ح ۶).

- (۵) رسول خدا(ص) فرمود: در نرمی فزونی و برکت است و هر که از نرمی محروم شد، از خیر محروم گشت.^۱
- (۶) امام صادق(ع) فرمود: افراد هر خانه‌ای که نرمی از آنها دور باشد، خیر از آنها دور گردد.^۲
- (۷) امام موسی کاظم(ع) فرمود: نرمی نیمی از زندگی است.^۳
- (۸) رسول خدا(ص) فرمود: اگر نرمی مخلوقی قابل دیدن بود، در میان مخلوقات خدا از او نیکوتر وجود نداشت.^۴
- (۹) رسول خدا(ص) فرمود: هیچ گاه دو نفر با هم رفاقت و همدمی نکنند، جز آنکه هر کدام از آنها که نرمیش با رفیقش بیشتر است، نزد خدای پاداشش بزرگ تر و محبوبیتش بیشتر گردد.^۵
- (۱۰) حضرت صادق(ع) فرمود: هر که در کار خود نرمی کند، هر چه از مردم خواهد بدان برسد.^۶

نیت

- (۱) امام سجاد(ع) فرمود: عملی نباشد، جز به وسیله نیت.^۷
-
۱. ان فی الرفق الزیادة والبركة ومن یحرم الرفق یحرم الخیر. (همان، ح ۷).
 ۲. ما زوی الرفق عن اهل بیت الازوی عنهم الخیر. (همان، ح ۸).
 ۳. الرفق نصف العیش. (همان، ح ۱۱).
 ۴. لو کان الرفق خلقا یری ما کان مما خلق الله شیء احسن منه. (همان، ح ۱۳).
 ۵. ما اصطحب اثنان الا کان اعظمهما اجرا واحبهما الی الله عزوجل ارفقهما بصاحبه. (همان، ح ۱۵).
 ۶. من کان رفیقاً فی امره نال ما یرید من الناس. (همان، ح ۱۶).
 ۷. لاعمل الابنية. (باب النية، ح ۱).

شرح: مقصود از عمل، عبادت و طاعات و مراد به نیت قصد تقرب به خدای تعالی است، پس نماز و روزه و حج و امثال آن بدون قصد تقرب و رضای حق تعالی صحیح نیست و هیچ اجر و پاداشی ندارد و نیز اعمالی که بر انسان واجب نیست، مانند صدقه دادن و تعلیم و ارشاد، زمانی موجب پاداش و ثواب می گردد که به نیت تقرب و رضای خدا انجام گیرد.

(۲) رسول خدا(ص) فرمود: نیت مؤمن بهتر از عمل اوست و نیت کافر بدتر از عملش، و هر کس طبق نیتش کار می کند.^۱

شرح: مرحوم مجلسی در توجیه و تفسیر این روایت دوازده قول از دانشمندان حدیث نقل می کند، و سپس تحقیقی در این باره بیان می فرماید، که به واسطه اهمیت آن و از نظر اینکه نیت رکن و پایه همه اعمال است، فشرده ای از آن را در اینجا ذکر می کنیم:

اصلاح نیت از مشکل ترین اعمال انسان است، زیرا نیت تابع حالت نفسانی است و قبول رد شدن آن و درجات کمالش، مربوط به همان حالت نفسانی می باشد و جز با زدودن محبت دنیا از دل، به وسیله ریاضتهای شاق و تفکرات صحیح ممکن نگردد، زیرا دل سلطان و فرمانروای بدن است و همه اعضا و جوارح محکوم فرمان او می باشند و در یک دل، دو محبت متناقض جمع نشود، چنانچه خدای تعالی فرماید: «ما جعل الله لرجل من قلبین فی جوفه»^۲ خدا در اندرون هیچ کس دو دل

۱. نية المؤمن خیر من عمله و نية الكافر شر من عمله و كل عامل يعمل على نية. (همان، ح ۲).

۲. احزاب (۳۳) آیه ۴.

قرار نداده است» و چون دنیا و آخرت دو مطلوب مخالف و متناقض با یکدیگرند، محبت آن دو در یک دل جمع نشود، از این رو کسی که محبت دنیا در دلش جایگزین شده و آخرت را فراموش کرده است، همیشه فکر و خیال و اعضا و جوارحش متوجه دنیا است و هر عملی که انجام می‌دهد نتیجه غایی و مقصود از آن، دنیا است، اگر چه به دروغ از خدا و آخرت دم زند، از این رو در عبادات و طاعاتش هم اعمالی را انتخاب می‌کند که آثار و فواید دنیوی بیشتری داشته باشد و مثلاً به افزایش مال و ثروت بینجامد، و نسبت به طاعاتی که موجب تقرب و محبت خداست اعتنایی ندارد.

و نیز کسی که حبّ جاه و شهرت بر دلش مستولی گشته، در همه اعمال و رفتارهایش از این هدف پیروی می‌کند، و همچنین است اغراض دنیوی دیگر، و عمل بنده خالص نگردد تا زمانی که تمام این اغراض فاسد - که موجب دوری از حق تعالی است - از دل بیرون رود؛ بنابراین درجات و مراتب نیت در مردم متعدد و بلکه بی شمار است.

و بلکه هر انسانی در حالات مختلف نیتهای مختلف دارد که برخی از آنها موجب فساد و بطلان عمل و بعضی موجب کمال و ترقی آن است. آنچه موجب فساد و بطلان عمل است ریای خالص است، که علاوه بر اینکه عبادت را از ثواب ساقط می‌کند، موجب کیفر و عقاب هم می‌گردد، و اما هرگاه قصد، ریا و ضمیمه تابع باشد و یا غیر از ریا ضمایم دیگری در نیتش باشد مانند قصد نظافت و خنک شدن در وضو و غسل تفصیلی دارد که حکمش در رسائل فقها موجود است.

و اما ضمیمه نمودن بعضی از انگیزه‌های مباح دنیوی مانند وسعت

رزق و طول عمر را جماعتی مبطل دانسته اند، ولی گفتار آنها خالی از اشکال نیست، زیرا گزاردن نماز حاجت و نماز استخاره و تلاوت قرآن و اذکار و دعوات مأثوره، بدون شک عبادت است و به آن امر شده و این امور دنیوی از نتایج آنها ذکر شده است و محال است که انسان قصد و نیت خود را از آنها خالی کند، زیرا نیت چنان که دانستی گفتن به زبان و خطور نیست، بلکه واقع و حقیقت آن در باطن دل انسان مستتر است، و داعی حقیقی انسان هم همان واقع و حقیقت است.

و اما نیات مقاصدی که موجب کمال عمل می شود و از اغراض دنیوی خالی است، به حسب اشخاص و احوال ایشان مختلف است و نیت هرکس تابع طریقه و شاکله و حالت باطنی اوست، که برخی از آنها را یادآور می شویم:

۱ - نیت کسانی که به عذاب و عقاب آخرت می اندیشند و دنیا در نظرشان پست می شود و عبادت خویش را برای ترس از عذاب انجام می دهند.

۲ - کسانی باشند که نعمتهای بهشت و حور و قصور آن ایشان را به عبادت تحریک کند.

گروهی از دانشمندان عبادت این دو طایفه را باطل دانسته اند، ولی اینان حقیقت تکلیف و درجات مردم را به خوبی نشناخته اند؛ برای بیشتر مردم ممکن نیست که عبادات خود را به غیر از این دو وجه انجام دهند و غیر از این نمی توانند درک کنند و این نیت منافی با اخلاص نیست، زیرا عبادت به قصد آنچه در آخرت وعده داده شده، از شائبه های دنیوی پاک و خالص است و دلیلی هم نداریم که عبادت باید خالصاً لوجه الله و حتی از

این گونه اغراض هم خالی باشد، بلکه دلیل بر عکس این عقیده موجود است.

مانند آیه شریفه: «ادعوه خوفاً و طمعا^۱»، «ویدعوننا رغبا ورهبا^۲».

و نیز امیر المؤمنین (ع) در وقف نامه خود می نویسد: «هذا ما اوصی به فی ماله عبدالله علی ابتغاء وجه الله تعالى لیولجنی به الجنة ویصرفنی به عن النار».

برخی حقیقت معنی نیت را درك نکرده و گمان کرده اند که با گفتن اینکه تدریسم را برای محبت خدا انجام می دهم حل مشکل می شود، غافل از اینکه این گفتار جز لقلقه زبان و ادعایی کاذب بیش نیست و حقیقت نیت همان میل و توجه دل است به آنچه می خواهد و اگر محبت خدا مطلوب دل نباشد با گفتن به زبان و خطوط به دل به دست نمی آید و مثل این است که شخص سیر بگوید: من به غذا میل دارم، پیدا است که این گفتن برای او اشتها نمی آورد.

۳- کسانی که به نعمتهای بی پایان خدا می اندیشند و چون شکر منعم را واجب می دانند، برای سپاسگزاری خدا را عبادت می کنند، چنانچه امیر المؤمنین (ع) فرماید: «لولم يتوعد الله على معصية لكان يجب ان لا يعصى شكر النعمة».

۴- کسانی که از راه حیا و شرمساری عبادت می کنند، زیرا خدا را بر نهان و آشکار خود مطلع می دانند، چنانچه پیغمبر (ص) می فرماید:

۱. اعراف (۷) آیه ۵۶.

۲. انبیاء (۲) آیه ۹۰.

«عبدالله كانك تراه فان لم تكن تراه فانه يراك» .

۵ - کسانی که خدا را به قصد تقرب عبادت می کنند و مقصود قرب معنوی و علو مقام بنده است که نقصهای خود کاسته و به کمال نزدیک شود .

۶ - کسانی که خدا را برای اهلّیت و سزاواری اش به پرستش عبادت ، می کنند چنانکه امیرالمؤمنین (ع) فرماید : «ولكن وجدتك اهلاً للعبادة فعبدتك» ، ولی این ادعا از غیر خاندان امیرالمؤمنین پذیرفته نیست ، زیرا حقیقت این ادعا این است که : اگر خدا بهشت و جهنمی نمی آفرید ، بلکه اگر بر فرض محال مطیعان را به دوزخ می برد ، آنها خدا را عبادت می کردند ، برای اینکه سزاوار عبادت است ، چنانچه حضرت ابراهیم (ع) در دنیا آتش را انتخاب کرد و بر او سرد و سلامت شد ، و اولیای دیگر خدا کشته شدن و زجر و شکنجه به دست اشرار را پذیرفتند .

۷ - کسانی که به انگیزه محبت و دوستی خدا او را عبادت می کنند ، و این بالاترین درجات مقربین است ؛ از این بیان معنی جمله اخیر روایت دانسته می شود .

اما درباره بودن نیت مؤمن از عملش و بدی نیت کافر نسبت به عملش از امام باقر (ع) روایت شده که علتش این است که مؤمن کارهای خیر زیادی را قصد می کند که به انجام آن موفق نمی شود و همچنین کافر به مقاصد زشتی در سر می پروراند که نمی تواند آنها را عملی سازد ؛ نیز از امام صادق (ع) روایت شده که چون عمل در معرض ریای بندگان است و نیت خالص برای خداست ، نیت مؤمن از عملش بهتر است و خداوند به نیت ثوابی دهد که به عمل ندهد .

(۳) امام صادق (ع) فرمود: بنده مؤمن فقیر می‌گوید: پروردگارا! به من [مال و ثروت] روزی کن، تا از احسان و راههای خیر چنین و چنان کنم. [مسجد بسازم و اطعام دهم و به بینوایان کمک کنم] و چون خدای عزوجل بداند نیتش صادق است و راست می‌گوید، برای او همان اجر و پاداش را نویسد که اگر انجام می‌داد می‌نوشت، همانا خدا وسعت بخش و کریم است^۱.

۱. ان العبد المؤمن الفقير ليقول: يا رب ارزقني حتى افعل كذا وكذا من البر ووجه الخير فاذا اعلم الله ذلك منه بصدق نية كتب الله له من الاجر مثل ما يكتب له لو عمله، ان الله واسع كريم. (باب النية، ح ۳).

واجبات

- (۱) امام سجاده (ع) فرمود: هر که بدانچه خداوند بر او واجب ساخته عمل کند، از بهترین مردم است.^۱
- (۲) رسول خدا (ص) فرمود: به واجبات خدا عمل کن تا پرهیزکارترین مردم باشی.^۲
- (۳) حضرت صادق (ع) فرمود: خدای تعالی فرماید: بنده من با چیزی محبوب تر از انجام آنچه بر او واجب کرده ام به دوستی من نگراید.^۳

وسوسه های اعتقادی

- (۱) از امام صادق (ع) درباره وسوسه - اگر چه زیاد باشد - سؤال شد

۱. من عمل بما افترض الله عليه فهو من خير الناس (باب اداء الفرائض، ح ۱).
 ۲. اعمل بفرائض الله تكن اتقى الناس. (همان، ح ۴).
 ۳. قال الله تبارك و تعالی ما تحب الى عبدی باحب مما افترضت عليه. (همان، ح ۵).

امام فرمود: چیزی در آن نیست می‌گویی لا اله الا الله. (یعنی همین کلام و تفکر در آن وسوسه را از بین می‌برد).^۱

وسوسه‌های مربوط به خداوند

(۱) از امام صادق(ع) از وسوسه سؤال شد - حتی اگر فراوان باشد - فرمود: اشکالی در آن نیست، می‌گویی: لا اله الا الله.

(یعنی همین کلام توحیدی و تفکر در آن وسوسه را از بین می‌برد، زیرا مقصود از وسوسه همان وسوسه‌های مربوط به خدا و مکان و کیفیت اوست).^۲

(۲) جمیل بن دراج گوید: به حضرت صادق(ع) عرض کردم: در دلم شبهه بزرگی آمده؟ فرمود: بگو: لا اله الا الله، جمیل گوید: هرگاه در دلم تردیدی پدید می‌آمد می‌گفتم: لا اله الا الله، آن تردید از دلم بیرون می‌رفت.^۳

وعده دادن

(۱) امام صادق(ع) فرمود: وعده مؤمن به برادر [دینی] خود نذری

۱. سئل عن الوسوسة وان كثرت فقال لا شيء فيها تقول لا اله الا الله (باب الوسوسة وحديث النفس، ح ۱).

۲. سألت ابا عبد الله عن الوسوسة وان كثرت فقال: لا شيء فيها تقول لا اله الا الله. (باب الوسوسة وحديث النفس، ح ۱).

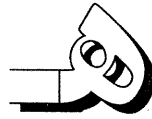
۳. قال قلت له انه يقع في قلبي امر عظيم فقال قل لا اله الا الله، قال جميل فكلما وقع في قلبي شيء قلت: لا اله الا الله فيذهب عني. (همان، ح ۲).

است که کفاره ندارد، پس هر که به آن وفا نکند، به مخالفت وعده با خدا برخاسته و خود را در غضب او انداخته است.^۱

(۲) رسول خدا (ص) فرمود: هر که به خدا و روز جزا ایمان دارد، باید به وعده ای که می دهد وفا کند.^۲

۱. عدة المؤمن اخاه نذر لا كفارة له فمن اخلف فبخلف الله بدأ ولقمته تعرض. (باب خلف الوعد، ح ۱).

۲. من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فليوف اذاً وعد. (همان، ح ۲).



همت گماشتن به امور مسلمانان

- (۱) رسول خدا(ص) فرمود: هر که بامداد از خواب برخیزد و به امور مسلمین همت نگمارد، مسلمان نیست.^۱
- (۲) رسول خدا(ص) فرمود: عابدترین مردم کسی است که نسبت به همه مسلمین خیرخواه و پاکدل تر باشد.^۲
- (۳) امام صادق(ع) فرمود: بر تو باد که برای خدا نسبت به مخلوقش خیرخواه باشی، که هرگز خدا را به عملی بهتر از آن ملاقات نکنی.^۳
- (۴) از رسول خدا(ص) سؤال شد: محبوب ترین مردم نزد خدا کیست؟ فرمود: کسی که سودش به مردم بیشتر باشد.^۴
- (۵) رسول خدا(ص) فرمود: هرکس آب یا آتشی دامن گستر را از

۱. من اصبح لایهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم. (باب الاهتمام بامور المسلمین، ح ۱).

۲. انسك الناس نسكا انصهم جیبا واسلمهم قلباً لجمیع المسلمین، (همان، ح ۲).

۳. عليك بالنصح لله فی خلقه فلن تلقاه بعمل افضل منه. (همان، ح ۳).

۴. سئل رسول الله(ص) من احب الناس الى الله؟ قال: انفع الناس للناس. (همان، ح ۷).

گروهی از مسلمین باز دارد، بهشت بر او واجب گردد.^۱

همنشینی با گنهکاران

(۱) حضرت صادق (ع) فرمود: برای مؤمن سزاوار نیست که در مجلسی بنشیند، که خداوند در آن مجلس نافرمانی شود و او قدرت بر دگرگون ساختن [وضعیت] آن مجلس نداشته باشد.^۲

(۲) امام صادق (ع) فرمود: با اهل بدعت رفاقت و همنشینی نکنید، تا نزد مردم چون یکی از آنها محسوب نشوید، رسول خدا (ص) فرمود: انسان بر کیش و آیین دوست و رفیق خویش است.^۳

(۳) حضرت صادق (ع) فرماید: برای مسلمان سزاوار نیست که با فاجر (هرزه‌تباهکار) نافرمان و نه با احمق و نه با دروغگو رفاقت کند.^۴

(۴) حضرت صادق (ع) فرمود: هر که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، در مجلسی که امامی را مذمت کنند، یا مؤمنی را عیب کنند ننشیند.^۵

۱. من رد عن قوم من المسلمین عادیة [ماء] اوتار اوجبت له الجنة. (همان، ح ۸).

۲. لا ینبغی للمؤمن ان یجلس مجلساً یعصى الله فیہ ولا یقدر علی تغییره. (باب مجالسة اهل المعاصی، ح ۱).

۳. لا تصحبوا اهل البدع ولا تجالسوهم فتصبروا عند الناس کواحد منهم قال رسول الله (ص) المرء علی دین خلیله وقرینه. (همان، ح ۳).

۴. لا ینبغی للمسلم ان یواخی الفاجر ولا الاحمق ولا الکذاب. (همان، ح ۵).

۵. من کان یؤمن بالله والیوم الآخر فلا یجلس مجلساً یتقص فیہ امام او یعاب فیہ مؤمن. (همان، ح ۹).

(۵) حضرت صادق (ع) فرمود: هر که نزد دشنامگوی به اولیای الهی بنشیند، خدای تعالی را نافرمانی کرده است.^۱

هوای نفس و پیروی از آن

(۱) حضرت صادق (ع) می‌فرمود: از هواهای (نفسانی) خود بر حذر باشید و بترسید، چنانچه از دشمنان حذر می‌کنید؛ زیرا چیزی برای مردان دشمن‌تر از پیروی هواهای خودشان و درو شده‌های زبان‌هاشان (یعنی آنچه بیهوده از دهان خارج شود) نیست.^۲

(۲) امام موسی کاظم (ع) فرمود: بپرهیز از نردبانی که رفتنش آسان و پایین آمدنش دشوار است.^۳

شرح: فیض و مجلسی - علیهما الرحمه - گویند: شاید مقصود، نهی از طلب جاه و ریاست و سایر شهوات دنیا باشد که اگر چه به آسانی به دست آید، ولی عاقبت وخیمی دارد، و خلاصی از گرفتاریهای آن بی‌نهایت دشوار است و حاصل اینکه پیروی نفس و بالا رفتن از پله‌های هوا و هوس گر چه آسان است، ولی هنگام مرگ، دست از همه شستن و گذاردن و رفتن و حساب پس دادن دشوار است، و همانند کسی است که اندك اندك بر قله کوهی بالا رود و در فرود آمدن، حیران و سرگردان

۱. من قعد عند سباب لاولیاء الله فقد عصی الله تعالی. (همان، ح ۱۴).

۲. احذروا احوالکم كما تحذرون اعدائکم فلیس شیء اعدی للرجال من اتباع احوالهم و حصائد الستهم. (باب اتباع الهوی، ح ۱).

۳. اتق المرتقی السهل اذا كان منحدره وعرا. (همان، ح ۴).

بماند، و نظیر کسی است که پله پله بر نردبانی برآید و در پله آخرین به طور ناگهانی سقوط کند، پس هر چه پله ها فزونتر باشد، زیان سقوط بیشتر و خطر آن زیادتر است.

(۳) حضرت صادق (ع) می فرمود: نفس (سرکش) را به میل و خواهش خود رها مکن، زیرا که نابودی اش در خواهش آن است، رها کردن نفس به آنچه خواهد برای آن، درد ورنج، و جلوگیری آن از آنچه خواهد، درمان آن است.^۱

۱. لا تدع النفس وهواها فان هواها [فی] رداها وترك النفس وما تهوى اذاها وكف النفس عما تهوى دواؤها. (همان، ح ۴).



یقین

(۱) امام موسی کاظم (ع) می فرمود: ایمان یک درجه بالاتر از اسلام است، و تقوا یک درجه بالاتر از ایمان و یقین یک درجه بالاتر از تقوا است، و میان مردم چیزی کمتر از یقین پخش نشده است.^۱

(۲) امام صادق (ع) فرمود: و چیزی گرامی تر و کمیاب تر از یقین نیست.^۲

(۳) به حضرت صادق (ع) عرض شد: تعریف یقین چیست؟ فرمود: اینکه با وجود خدا از چیزی نترسی.^۳

الحمد لله أولاً و آخراً والسلام على رسوله وآله
والحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله.

۱. الايمان فوق الاسلام بدرجة والتقوى فوق الايمان بدرجة واليقين فوق التقوى بدرجة وما قسم في

الناس شيء اقل من اليقين. (باب فضل الايمان على الاسلام واليقين على الايمان، ح ۲).

۲. و ما من شيء اعز من اليقين. (همان، ح ۱).

۳. قبل له (ع) فما حد اليقين قال لا تخاف مع الله شيئاً (باب فضل اليقين، ح ۱).

اصول کافی، یکی از کتاب‌های معتبر حدیثی شیعه است. مؤلف آن، محدث بزرگ، محمد بن یعقوب کلینی (متوفای ۳۲۹ هـ. ق) است که با استادی و چیره‌دستی تمام در حدیث و با تحمل رنج‌های فراوان، این اثر ماندگار را تدوین کرد. در این کتاب، مطالب گوناگونی دربارهٔ معارف اسلامی و انسانی وجود دارد، یکی از جنبه‌های آن، «اخلاق» است. در اثر حاضر، برای خوانندگان فارسی زبان، پاره‌ای واژه‌های مهم اخلاقی را از کتاب اصول کافی، براساس سخنان معصومین (علیهم‌السلام) به ترتیب الفبایی، آورده است.



شماره کتاب : ۴۹۳

ISBN 964-09-1035-X



9 789640 910351